

مراسم
شورای ملی مقاومت
بمناسبت پنجمین سالگرد
انقلاب ضد سلطنتی
مردم ایران
در صفحه ۵



سال پنجم - پنجمین سالگرد ۱۴۴۲ هـ ق - شماره ۱۰۰۰ ریال (خارج از کشور معادل یک دلار)

پیام
برادر مجاهد مسعود رجوی
بمناسبت شهادت
شخصیت برجسته عشایری ایران
الله قلی خان جهانگیری
در صفحه ۹

پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به مردم ایران در رابطه با اعلان قطع گلوله باران غیر نظامیان از سوی رژیم خمینی

در راستای صلح و آزادی پایدار میهنمان، به همه شما تبریک می‌گویم. شامی که در هر کوی و برزن، در هر خانه و خانواده و در هر مدرسه و کارگاه و اداره و در هر موقعیت و فرصتی - حتی در ادارات و واحدهای مختلف ارتش - زبان به اعتراض و مخالفت با انهدام "حرث و نسل" ایران در "تنور جنگ" خمینی گشودید و هر حمله‌ای به مردم و ساکنان شهرها و روستاهای بلاد فاع و بی‌پناه را از هر جانب که باشد محکوم نمودید.

هموطنان؛ نباید گذاشت قطع بمباران و گلوله باران شهرها و مردم بی‌گناه تنها چند روز ادامه یافته و پس از آن مجدداً از سر گرفته شود. بلکه باید آن را به یک قرارداد رسمی و دو جانبه مابین ایران و عراق با نظارت و تضمین بین‌المللی تبدیل نمود.

بقیه در صفحه ۲

درفسنجانی و اعضای مجلس ضد خلقی گرفته تا بسیاری از ائمه جمعه و جماعت، بطور انفرادی یا دستجمعی، ادامه‌ی روند بمباران و گلوله باران مردم بیدفاع را خواستار می‌شدند.

اکنون پس از نخستین عقب‌نشینی دشمن ضدیشری در جنگ طلبی افزایش یافته‌اش - که عمیقاً یک عقب‌نشینی اجتماعی و سیاسی نیز هست - اولین وقفه و فتور اجباری در لهییب جنگ افروزی خمینی محقق شده است. همچنین بار دیگر ثابت گردید که در برابر خواست و اراده‌ی متحد توده‌های مردم و نیز در برابر محکومیت یکپارچه‌ی داخلی و بین‌المللی، خمینی بسا ناتوان و درمانده است.

این پیروزی را که حقاً به همت تمامی خلق صلح‌طلب، آزادیخواه و قهرمان ایران و خون تمامی شهدای مقاومت عادلانه‌ی آن حاصل شده است، در راستای سرنگونی محتوم این رژیم در هم شکسته و

بنام خدا

بنام ایران - بنام صلح - بنام آزادی

هموطنان عزیز؛

سرانجام ۴ روز پس از آنکه رژیم خمینی با قطع متقابل بمباران و گلوله باران غیر نظامیان در هر دو کشور مخالفت می‌ورزید؛ در برابر فشار و هیجان افکار عمومی در سراسر کشور تاب ایستادگی نیاورد و لحظاتی پیش اعلام نمود که متقابلاً قطع گلوله باران غیر نظامیان و شهرها و روستاهای عراقی را که در تیررس او هستند در عمل و بطور موقت می‌پذیرد. به این ترتیب خمینی ناگزیر تسلیم خواست عادلانه‌ی مردم و مقاومت ایران و عموم صلح‌دوستان جهان مبنی بر مصونیت مردم بی‌گناه در هر دو کشور گردید. اگرچه تا همین امروز رسماً به گلوله باران شهرها و روستاهای مختلف عراق ادامه می‌داد و اگرچه تا همین امروز ظهیر، همه‌ی ایادی خمینی بخصوص آخوندهای مزدورشان از خامنه‌ای و

انعکاس گسترده بین‌المللی

ابتکارات و اقدامات برادر مجاهد مسعود رجوی برای قطع بمباران

شهرها و غیر نظامیان

در صفحه ۳

* * *

* اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت درباره پیگیری‌های بین‌المللی به منظور

قطع دائمی بمباران غیر نظامیان

در صفحه ۲

* موضع‌گیری‌های برخی از مراجع بین‌المللی، دولت‌ها و شخصیت‌های

مهم جهان در هفته گذشته

در صفحه ۲

* موضع‌گیری‌های رژیم خمینی در هفته گذشته

در صفحه ۳۴

صلح، صلح، تا آزادی!

* انعکاس وسیع داخلی و بین‌المللی ابتکار صلح‌آمیز مسئول شورای ملی مقاومت و انتشار آن از طریق رسانه‌های بین‌المللی در ایران، فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی - اجتماعی هسته‌های مقاومت و مضافاً بر همه، عینیت قطع بمباران شهرها توسط عراق، این مسئله‌ی اساسی در اذهان همه می‌چرخید که صلح دست‌یافتنی است اگر خمینی بگذارد! عفریت آدم‌خوار جنگ خمینی محو شدنی است، بشرطی که هوی و هوس‌های کشورگشایانه‌ی خمینی دجال، مجال هرگونه ترک مخاصمه‌ای را بوجد آورد.

در صفحه ۸

زنده باد صلح و آزادی

گزارشی از

فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی - اجتماعی

هسته‌های مقاومت بمناسبت "هفته صلح"

* هسته‌های مقاومت که تجربیات پر بار و پرباری را در جریان فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی "هفته میلشیا" اندوخته بودند، دست به فعالیت وسیعی زدند و پیام صلح و آزادی را در سرتاسر کشور گسترش دادند و موج اجتماعی جدیدی را در مقابل تبلیغات جنگ طلبانه‌ی خمینی ایجاد نمودند.

در صفحه ۱۵

بازتاب

مراسم بزرگداشت

دومین سالگرد

عاشورای مجاهدین

در مطبوعات

کشورهای مختلف

جهان

در صفحه ۱۲

تصویب قطعنامه طرح صلح

بین ایران و عراق در پارلمان اروپا

* پس از انتشار بیانیه‌ی مشترک برادر مجاهد مسعود رجوی و نایب نخست وزیر عراق و اعلام طرح صلح شورای ملی مقاومت، این طرح از سوی مراجع مختلف بین‌المللی، احزاب، گروه‌های سیاسی و پارلمانی کشورهای مختلف، از جمله گنجره‌ی جهانی بین‌الملل سوئیس لیست، حزب کارگران انگلستان و... مورد تأیید و پشتیبانی قرار گرفته است. قطعنامه‌ی پارلمان اروپا نیز که مفاد آن عمدتاً منطبق بر اصول طرح صلح شورای ملی مقاومت است، در واقع تأیید بین‌المللی دیگری بر طرح صلح شورای ملی مقاومت می‌باشد.

در صفحه ۶

پیام برادر مجاهد مسعود رجوی

به مردم ایران

در رابطه با اعلان قطع گلوله باران غیر نظامیان از سوی رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول

باید از خمینی پرسید که چرا به عقد چنین قراردادی که مصونیت شهرها و مردم بی دفاع را تضمین می کند تن نمی دهد؟ باید خمینی را لااقل به پذیرش چنین قراردادی وادار نمود. پس به حرمت تمامی مردم و زنان و مردان و کودکان و خانواده هایی که جان و خانمانشان در خطر است، باز هم در هر گجا و در هر موقعیتی در این رابطه به خمینی و همی مزدورانش فشار بیاورید و بپرسید چرا با قرارداد مصون داشتن متقابل شهرها و مردم غیر نظامی در هر دو کشور، موافقت نمی کند؟ در غیر این صورت هیچ امیدی به قطع دائمی بمباران و گلوله باران مردم بی پناه در هر دو کشور نمی توان داشت. قدم بعدی درخواست "آتش بس فوری" و پیگیری تمام عیار شعار "صلح" به منظور خاتمه دادن به جنگی است که نیم میلیون قربانی و نیم میلیون مجروح آن در ایران و میلیون ها آواره و میلیارد ها خسارات مادی و بمباران غیر نظامیان تماماً محصولات تلخ و پیامدهای ناگوار آن هستند. جنگی که خاتمه دادن به آن سرپوش اصلی "سرکوب و اختناق" خمینی را نیز کنار می زند و سرانجام در اثر مقاومت قهرمانانه رشیدترین فرزندان مجاهد و مبارز شما، "صلح و آزادی" را در این میهن ماتم زده، برقرار و استوار می سازد.

مرگ بر خمینی
پیش به سوی صلح و آزادی
مسعود رجوی
۶۲/۱۱/۲۹

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت

درباره پیگیری های بین المللی به منظور قطع دائمی بمباران غیر نظامیان

تا این تاریخ به شرح زیر می باشد:

۱ - دبیرکل ملل متحد آقای پرزدو کوئلار

۲ - وزرای خارجهی اعضای دائمی شورای امنیت ملل متحد آقایان: کلود شسون وزیر روابط خارجی فرانسه - جفری هاو وزیر امور خارجهی انگلستان - "زوتکیان وو" وزیر امور خارجهی چین - جرج شولتز وزیر امور خارجهی ایالات متحده آمریکا - آندرهئی گرومیگو وزیر امور خارجهی اتحاد جماهیر شوروی.

۳ - رئیس سازمان کشورهای غیرمتعهد و نخست وزیر هند خانم گاندی

۴ - رئیس کنفرانس اسلامی آقای حبیب شطی

۵ - رئیس هیئت میانجیگری کنفرانس اسلامی و رئیس جمهور گینه آقای احمد سکو توره

۶ - میانجی مخصوص دبیرکل ملل متحد در جنگ ایران و عراق و نخست وزیر سوئد آقای الاف پالمه

۷ - دبیرکل جامعهی عرب آقای شاذلی کلیبی

۸ - رئیس پارلمان اروپا آقای پیتر دانکرت و رئیس گروه سوسیالیست پارلمان اروپا آقای ارنست گلین

۹ - رهبر حزب محافظه کار و نخست وزیر انگلستان خانم ناچر و رهبر حزب کارگر انگلستان آقای نیل کیناک

۱۰ - رؤسای برخی کشورهای عربی و برخی کشورهای همسایه ایران: آقای شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر، ملک فهد بن عبدالعزیز پادشاه عربستان سعودی، آقای علی ناصر محمد حسن رئیس جمهوری دموکراتیک یمن، آقای علی عبدالله صالح رئیس جمهوری عربی یمن، شیخ جابر الاحمد الصباح امیر کویت، شیخ خلیفه بن حامد الثاني امیر قطر، شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه امیر بحرین، شیخ زاید بن سلطان آل نهیان رئیس امارات متحدهی عربی، آقای ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان.

دبیرخانهی شورای ملی مقاومت
۲۷/ بهمن/ ۶۲
۱۶/ فوریه/ ۱۹۸۴

به دنبال قطع بمباران شهرها و غیر نظامیان ایران از جانب عراق، مسئول شورای ملی مقاومت طی تلگراف های متعددی به رؤسا و وزرای خارجهی کشورهای مختلف جهان و نیز به سازمان ها و مجامع بین المللی و سازمان های دست اندرکار میانجیگری و صلح (مابین ایران و عراق) از آنان تقاضا نمود تا در فرصت یک هفته ای قطع بمباران شهرهای ایران، به منظور مصون داشتن دائمی زندگی و جان میلیون ها انسان بیگناه در هر دو کشور، سکوت را جایز نشمرده و براساس منشور ملل متحد و ضرورت حفظ صلح جهانی، مساعی بین المللی لازم را مبذول دارند. مسئول شورای ملی مقاومت در تلگراف های خود همچنین ضرورت فوری انعقاد یک موافقت نامه ی دو جانبه ی بین ایران و عراق را برای قطع هرگونه حملات متقابل علیه شهرها و غیر نظامیان بیگناه، خاطر نشان نموده است.

دریافت کنندگان تلگراف ها

موضع گیری های برخی از مراجع بین المللی، دولت ها و شخصیت های مهم جهان در هفته گذشته

دبیرکل

سازمان ملل متحد

(۱۴/ فوریه/ ۸۴): دبیرکل سازمان ملل اعلام آمادگی کرده یک هیئت تحقیقاتی را به تهران و بغداد بفرستد تا اتهامات متقابل ایران و عراق را در مورد درهم کوبیدن شهرهای یکدیگر مورد بررسی قرار دهد. وی گفت اگر در این مورد با سران دو کشور تفاهم حاصل شود، این هیئت در کوتاهترین مدت رهسپار منطقه خواهد شد.

نخست وزیر هند

(۱۶/ فوریه/ ۸۴): بانو ایندیرا گاندی نخست وزیر هند نگرانی خود را از جنگ ایران و عراق اعلام داشت و از دو کشور خواست از بمباران کردن مناطق یکدیگر خودداری ورزند. بانو گاندی یادداشتی برای سران کشورهای عرب ارسال داشت و نگرانی شدید خود را از اینکه مناطق غیر نظامی ایران و عراق بصورت هدف های جنگی

درآمده اند، اعلام کرد و از دو کشور خواست هر چه زودتر این عملیات را متوقف سازند. خانم گاندی که رئیس کشورهای غیرمتعهد است، اظهار امیدواری کرد که ایران و عراق به سر عقل آیند و از کشتار غیر نظامیان دست بردارند.

پیام شخصیت های

فرانسوی

(روزنامه ی کوتیدین - ۱۷/ فوریه/ ۸۴): در پاریس حدود ۳۰ شخصیت، منجمله پروفیسور برگ (BERQUE)، وزیر سابق "ژان شاوبونل" (GEAN CHAVBONNEL)، خانم ژیزل حلیمی (GISELE HALIMI) و ژرژ گرز (GEORGE GORSE) پیامی را امضا کرده اند که در آن از ایران تقاضا می شود به این "جنگ برادرکشی" خاتمه دهد. در این پیام همچنین از تبلیغاتی که برای خاتمه بخشیدن به جنگ توسط شورای ملی مقاومت ایران به رهبری آقای مسعود رجوی صورت می گیرد، اظهار خرسندی شده است.

رئیس جمهور ایتالیا

(۱۴/ فوریه/ ۸۴): رئیس جمهوری ایتالیا از ایران و عراق خواستار شد به جنگ پایان بخشند و اختلافات خویش را از طریق مسالمت آمیز حل کنند.

دولت کویت

روزنامه ی "الرای العالم" چاپ کویت در تاریخ ۱۷/ فوریه/ ۸۴ نوشت: دولت این کشور قصد دارد به تلاش تازه ای برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق دست بزند.

دبیرکل جامعه عرب

(۱۴/ فوریه/ ۸۴): مسئله ی جنگ ایران و عراق دیروز در ملاقات دبیرکل جامعه ی عرب و نماینده ی عراق در این سازمان مورد بحث قرار گرفت. نماینده ی عراق در این ملاقات حکومت اسلامی ایران را به ارتکاب جنایات جنگی متهم ساخت و خاطر نشان کرد که عراق برای حل مسالمت آمیز اختلافات خویش با ایران، به همه ی مراجع بین المللی متوسل شده، ولی

ایران از آغاز با هرگونه مذاکره ای خودداری می ورزد. دبیر کل جامعه ی عرب پیرامون همین موضوع با سفیران ۵ کشور دائمی شورای امنیت در تونس دیدار و گفتگو کرد.

آمریکا

(۱۷/ فوریه/ ۸۴): دولت آمریکا امروز بار دیگر خواستار حل مسالمت آمیز مسئله ی جنگ ایران و عراق از طریق مذاکره شد، آلن رامبرت سخنگوی وزارت خارجه ی آمریکا امروز گفت آمریکا از تجدید خشونت میان ایران و عراق نگران است و وارد شدن تلفات سنگین به هر دو کشور را تقبیح می کند.

اعزام هیئت از جانب

سازمان ملل متحد

نیویورک (خبرگزاری فرانسه/ آلمان به نقل از روزنامه ی "دی تاگس تسایتونگ" - ۱۵/ فوریه/ ۸۴): پرزدو کوئلار دبیرکل سازمان ملل متحد قصد دارد به واسطه ی نبردهای اخیر در جنگ ایران و

عراق، به زودی هیئتی از سازمان ملل متحد به هر دو کشور اعزام دارد. این خبر در روز دوشنبه بطور رسمی در ساختمان سازمان ملل متحد در نیویورک پخش شد. این هیئت می بایستی از میدان های جنگ دیدن کند و از موضع هر دو ملت مطلع شود. در ادامه گفته شد که ریاست این هیئت به عهده ی دیه گو کوردویس معاون دبیر کل در مسائل ویژه ی سیاسی می باشد. اما اعزام این هیئت همچنین بستگی به تأیید و پذیرش دولت های تهران و بغداد دارد.

رئیس کمیسیون

بین المللی صلیب سرخ

(۲۰/ فوریه/ ۸۴): الکساندر هی رئیس کمیسیون بین المللی صلیب سرخ پیشنهاد کرده است که به منظور جلوگیری از بمباران مناطق شهری ایران و عراق حاضر به میانجیگری بین دو کشور است. وی گفت که هر دو کشور باید بمباران مناطق غیر نظامی یکدیگر را متوقف کنند.

انعکاس گسترده بین‌المللی ابتکارات و اقدامات

برادر مجاهد مسعود رجوی برای قطع بمباران شهرها و غیرنظامیان

عبرده‌های "جنگ، جنگ" و با بمباران و گلوله‌باران شهرهای عراق؛ خود را هر چه بیشتر در صحنه بین‌المللی رسوا و مفتضح کرده بودند، به ناچار با دریدگی و وقاحت هر چه تمامتر به لجن‌پراکنی درباره‌ی این رویداد مهم ضدجنگ و جنگ‌افروزی ارتجاع پرداختند؛ و البته با این کار تنها بر میزان رسوائی خود افزودند. از همین رو مناسب دیدیم تا گوشه‌هایی از این مجموعه انعکاسات و موضعگیری‌ها، چه از جانب مطبوعات و رسانه‌های بین‌المللی و چه از جانب دولت‌ها و مجامع بین‌المللی و چه از طرف رژیم درهم‌شکسته و مفلوک خمینی را، جهت استحضار خوانندگان "مجاهد"، در این شماره درج نمائیم:

گسترده‌ای افکار عمومی جهان و نیروها و شخصیت‌های صلحدوست را تحت تاثیر قرار داد و مورد استقبال فراوانی قرار گرفت، بنحوی که اکثریت قریب به اتفاق خبرگزاری‌ها، مطبوعات و رادیو-تلویزیون‌های بین‌المللی، اخبار مربوط به این رویداد را منعکس نموده و گاه چندین بار به پخش آن اقدام نمودند. ثانیاً بسیاری دولت‌ها، مجامع بین‌المللی و شخصیت‌های جهانی که برادر مجاهد مسعود رجوی طی تلگراف‌های فوری به آنها خواستار شده بود تا از هر طریق ممکن برای قطع دائمی بمباران شهرها و دهکده‌ها و غیرنظامیان هر دو کشور اقدام نمایند، در رابطه با قطع بمباران غیرنظامیان و شهرها و جنگ ایران و عراق به موضعگیری پرداختند. از سوی دیگر سردمداران فرومایه و درمانده‌ی رژیم که با سردادن

همانگونه که اطلاع دارید، در جریان تلاش‌های انقلابی و به موقع برادر مجاهد مسعود رجوی، به منظور مقابله با خیره‌سری‌ها و لجاجت‌های رژیم ضدبشری و جنگ‌افروز خمینی در تداوم جنگ و گشتار گسترده از مردم هر دو کشور و همچنین به منظور اشاعه‌ی هر چه بیشتر موج صلح‌طلبی در میان مردم ماتمزده‌ی میهنمان، با درخواست مسئول شورا، عراق با قطع بمباران شهرها به مدت یک هفته موافقت نمود. این رویداد مهم، از یکسو، تاثیر اجتماعی - سیاسی وسیعی در میان هم‌میهنانمان باقی گذاشت، بنحوی که رژیم ضدبشری را نیز وادار نمود تا به ناچار و سراسیمه یک گام عقب‌نشینی نماید و از سوی دیگر در ابعاد

فرانسه

le quotidien

کوتیدین دوپاری

۱۵ فوریه/۱۹۸۴

IRAK-IRAN Bagdad suspend les bombardements

بغداد بمباران را متوقف می‌سازد

بغداد بنابه درخواست رهبر اپوزیسیون مجاهدین ایرانی، آقای مسعود رجوی، قول داده است که برای مدت یک هفته به بمباران هدف‌های غیرنظامی ایران خاتمه دهد. در این نامه افزوده شده که این تصمیم بخاطر ملاحظات عمیق رهبری (عراق) نسبت به عراق علیرغم کشته شدن تعداد کثیری کودک و زن و مردم بی‌دفاع طی بمباران‌های اخیر

که به محل‌های مذهبی کشور فرار کنند، زیرا که دولت جمهوری اسلامی این محل‌ها را در هنگام حمله مورد تهاجم قرار نمی‌دهد. در اینجا منظور مقبره‌های مقدسین شیعه در نجف، کربلا، سامره و همچنین محلی قبل از بغداد (کاظمین) می‌باشد. در جریان بمباران توپخانه‌ای روز دوشنبه، طبق گفته‌ی مقامات عراقی در بصره، خانقین، مندلی، توولا، خرمال و زرباتیة ۲۲ نفر غیرنظامی کشته شده‌اند. رادیو تهران خبر ۳۰ کشته را داد.

Frankfurter Rundschau

فرانکفورتر روندش

۱۵ فوریه/۱۹۸۴

رسمی (INA) گزارش داد که به این ترتیب تقاضای اپوزیسیون ایرانی در تبعید مسعود رجوی که در پاریس زندگی می‌کند، برآورده می‌شود.

Süddeutsche Zeitung

۱۵ فوریه/۱۹۸۴

عراق اعلام قطع حمله کرد

Frankfurter Allgemeine

فرانکفورتر آلگمانیه

۱۵ فوریه/۱۹۸۴

عراق در ظهر روز سه‌شنبه اطلاع داد که بمباران هدف‌های انتخاب شده را از ساعت ۱۲ قطع می‌کند، بشرط اینکه ایران هم شهرهای عراق را بمباران نکند. این خبر را آژانس خبرگزاری خلیج "گ-ن-آ" از قول وزیر امور خارجه‌ی عراق

Eraam

عراق در روز سه‌شنبه اعلام کرد، یک‌هفته به هیچ‌شهر ایران حمله نخواهد کرد. خبرگزاری

بغداد ۱۴ فوریه (رویتر): عراق در روز سه‌شنبه اعلام کرد، یک‌هفته به هیچ‌شهر ایران حمله نخواهد کرد. خبرگزاری

عراق اعلام داد که بمباران هدف‌های انتخاب شده را متوقف می‌کند، در صورتی که ایران هم به شهرهای عراق حمله نکند. دلیل این تصمیم درخواست رهبر اپوزیسیون ایران مسعود رجوی آورده شده است. عراق مجدداً تهدید کرد که هرکشتی را که در بنادر نفتی ایران در خلیج در حرکت باشد، بمباران می‌کند. فرماندهی نیروی دریایی (بخشی) نگهبانی سواحل توضیح داد که مالکین کشتی‌های خارجی می‌بایستی این اخطار را

di Tagesschau

۱۵ فوریه/۱۹۸۴

Irak stoppt Bombenangriffe

عراق بمباران را متوقف می‌کند

پاریس - (خبرگزاری فرانسه): عراق در روز سه‌شنبه توقف یک هفته‌ای بمباران شهرهای ایران را اعلام کرد. متوقف شدن بمباران در روز سه‌شنبه ساعت ۱۵ به وقت محلی بغداد شروع شده و تا زمانی ادامه می‌یابد که ایران نیز هدف‌هایی را در عراق بمباران نکند. این مطلب را طارق عزیز وزیر خارجه‌ی عراق طی نامه‌ای به اطلاع مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق ایران و مسئول شورای ملی مقاومت مخالف رژیم خمینی که در پاریس در تبعید می‌باشد، رساند. جواب مثبت عزیز که در سه‌شنبه طی اطلاعیه‌ی شورای ملی مقاومت ایران منتشر گردید، جوابیه‌ی تقاضای رجوی در این مورد می‌باشد.

LE FIGARO

فیگارو

۱۵ فوریه/۱۹۸۴

L'Irak suspend le pilonnage des villes iraniennes

عراق بمباران شهرهای ایران را

موقوف نگاه می‌دارد

بنابه درخواست آقای رجوی مدت یک‌هفته به بمباران رهبر جنبش مجاهدین خلق ایران (تبعیدی در فرانسه) خاتمه دهد. عراق قول داده است که برای

تایمز ۱۵ فوریه/۱۹۸۴ THE TIMES

Iraq offers to suspend attacks on Iran towns

عراق تعلیق حملات

به شهرهای ایران را پیشنهاد می کند

بمباران شهرهای مرزی عراق ادامه دهد، این کشور بمبارانهای خود را از سر خواهد گرفت. سخنگوی عراق گفت، پیام آقای رجوی که از طریق کانالهای دیپلماتیک دریافت شده است، "سیاست جنگ و سرکوب" رهبری ایران را محکوم کرده است.

هیئت سازمان ملل زوریانا پیژاریوسکی از نیویورک می نویسد که: سینور خاویر پرز دو کوئلار دبیرکل سازمان ملل می خواهد گروهی را جهت رسیدگی به حملات بر روی اهداف غیرنظامی به خلیج اعزام دارد. رئیس سازمان ملل طی ارسال نامه ای به هر دو حکومت اظهار داشته است که گروه مذکور همچنین مایل است تا چشم اندازهای احیای تلاشهای میانجی گرانه را مورد بررسی قرار دهد.

بغداد (رویتر): عراق در پاسخ به تقاضای آقای مسعود رجوی رهبر اپوزیسیون ایران دیروز قول داد تا حملاتش به شهرهای ایران را به مدت یک هفته که از ساعت ۳ بعد از ظهر دیروز شروع شد، متوقف سازد.

یک سخنگوی وزارت خارجه گفت که: "درخواست رجوی توسط پرزیدنت صدام حسین و رهبری عراق مورد بررسی قرار گرفته است."

یک سخنگوی آقای رجوی که در پاریس در تبعید بسر می برد، از نامه ای که توسط آقای طارق عزیز وزیر خارجه عراق به این رهبر اپوزیسیون ارسال شده بود، نقل قول می کرد. . . . سخنگوی وزیر خارجه عراق در بغداد گفت، اگر ایران به

در عین حال رادیو بغداد گفت که اگر حمله به مناطق مرزی عراق خاتمه نیابد، عراق به ایران "طعم حمله ای متقابل" را خواهد چشاند. حملات دیروز ایران به شهرهای عراق ۲۴ ساعت پس از اینکه عراق اعلام نمود به درخواست رهبر اپوزیسیون ایران، مسعود رجوی که در پاریس مستقر است، بمباران شهرهای ایران را بمدت هفت روز قطع می کند، بوقوع پیوست. . . . ایرنا گفت که بیش از ۶۰۰ نفر بر اثر حملات موشکی و هوایی عراق در روز سه شنبه و دوشنبه کشته و یا مجروح شدند. آقای رجوی دیروز به دبیر کل سازمان ملل، آقای پرز دو کوئلار تلگرامی ارسال نمود و از وی خواست بکوشد تا بمباران اهداف غیرنظامی در عراق و ایران برای همیشه قطع شود. آقای رجوی روز سه شنبه عراق را متقاعد ساخت که با قطع یک هفته ای بمباران موافقت کند.

انعکاس گستردۀ بین المللی ابتکارات و اقدامات

برادر مجاهد مسعود رجوی برای قطع بمباران شهرها و غیرنظامیان

انگلستان

گاردین

۱۶ فوریه/۱۹۸۴

THE GUARDIAN

ایران گفت که دیروز هواپیماهای آن کشور به سه شهر عراقی حمله کردند و عراق اظهار داشت که در این حملات حداقل ۲۵ تن کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند. خبرگزاری ملی ایران (ایرنا) که در آغاز گفته بود حومه ای غربی بغداد در هم کوبیده شده، بعداً تنها به حمله به شهر بعقوبه در ۴۰ مایلی شمال شرقی بغداد اشاره کرد. ایرنا به حمله به دو شهر دیگر عراق در جنوب بغداد اشاره کرد و گفت که در این حملات ضایعات سنگینی به مواضع نظامی و سایر تاسیسات وارد آمد.

در بغداد در یک اطلاعیه ای نظامی گفته شد که در حمله دو هواپیما به بعقوبه دو تن کشته و

۲۰ نفر مجروح شدند. بعقوبه روی جاده ای اصلی به جبهه ای شمالی نبرد قرار دارد. در اطلاعیه آمده است که چند ساعت بعد چهار هواپیمای ایرانی به واصلیت در ۱۰۰ مایلی جنوب بغداد و دو هواپیما به میزان در ۲۵ مایلی جنوب بغداد حمله ور شدند. در حمله به میزان مناطق مسکونی بمباران و ۱۴ نفر - که زن و کودک نیز در میانشان بودند- کشته شدند و ۳۱ نفر مجروح گشتند. در واصلیت ۲۰ کودک مجروح شدند و یک مدرسه آسیب دید.

رادیو تهران گفت که در گلوله باران آبادان از آنسوی شط العرب توسط عراق، ۱۰ تن کشته و چندین نفر مجروح شدند.

تایمز مالی ۱۵ فوریه/۱۹۸۴ Financial Times

Iraq threatens to destroy ships entering Iranian ports

عراق تهدید به تخریب کشتی های می کند که به بنا در ایران وارد می شوند

همدردی با تقاضای مذکور، برای حفظ جان ایرانیان، عراق مایل است که در صورتی که ایران نیز گلوله باران شهرهای عراق را متوقف کند، حملات خود را بمدت ۷ روز به تعویق اندازد.

دیشب عراق در پاسخ به تقاضای مسعود رجوی رهبر اپوزیسیون که در پاریس در تبعید بسر می برد، اعلام آمادگی نمود تا حملاتش را به شهرهای ایران متوقف سازد. وزارت خارجه ای عراق در بغداد اعلام کرد که از جنبه ای

GULF WAR 'ERUPTION' WARNING

جنگ ۴۰ ماهه بوده و مبتنی بر قول ایران مبنی بر یک تهاجم که تا بغداد ادامه خواهد یافت، می باشد.

تا هفته ای پیش تهران تاکید می کرد که جنگش با پرزیدنت صدام حسین و رژیم او بوده و نه با مردم عراق.

The Daily Telegraph

دیلی تلگراف ۱۵ فوریه/۱۹۸۴

اخطار مبنی بر فوران جنگ خلیج

مداخله ای آمریکا گفته می شود که آمریکا همراه با حمایت کشورهای غربی منجمله بریتانیا، برنامه هایی دارند که در صورت ایجاد خطری مبنی بر بسته شدن تنگه ای هرمز بر روی عبور و مرور نفتکشها، به مرحله ای اجرا درمی آید.

پس از اینکه ایران اعلام کرد که دیگر کلیه شهرهای عراق را جزو هدفهای حملات خود محسوب می کند، جفری هاو (SIR GEOFFREY HOWE) وزیر امور خارجه دیروز اظهار داشت که جنگ خلیج هر لحظه ممکن است ابعاد وسیع تری یابد.

در ۲۴ ساعت گذشته، شلیک خمپاره و بمب بطور لاینقطع ادامه داشت و در نتیجه از هر دو طرف ۱۰۰ نفر کشته شدند. عراق به عنوان نشانه ای حسن نیت پیشنهاد داد که برای مدت یک هفته از حمله به شهرها دست کشیده شود، اما ایران اعلام داشت که دیگر آتش خمپاره های خود را به مرزها و مناطق استراتژیکی محدود نمی کند.

خبرگزاری عراق اعلام داشت که خمپاره های ایران برای سومین روز بندر بصره و شهرهای خانقین، مندلی، خرمال و طویل را زیر آتش خود گرفتند و ۲۲ نفر را کشته و ۸۰ نفر را زخمی کردند. اکثر تلفات در بصره صورت گرفت که ۱۴ نفر کشته شدند. خمپاره باران شهرها توسط ایران حاکی از یک تغییر قابل ملاحظه در تاکتیکهای این کشور طی این

Iraq calls halt to attacks on towns

دعوت عراق به توقف حملات به شهرها

که از طرف مسعود رجوی رهبر اپوزیسیون ایران مستقر در پاریس صورت گرفته است. . . . اما وی به خبرگزاری رسمی عراق گفت که اگر پس از یک هفته ایران به حملات خود ادامه دهد، عراق بمبارانها را از سر خواهد گرفت.

کرد که حملات تلافی جویانه ای خود را افزایش خواهد داد. یک سخنگوی وزارت خارجه ای عراق گفت که تعلیق حملات از ساعت ۳ بعد از ظهر (۱۲/۰۰ جی ام تی) دیروز، یک عمل حسن نیت بوده و در پاسخ به تقاضایی می باشد

THE GUARDIAN

گاردین ۱۵ فوریه/۱۹۸۴

رویتر - بحرین:

دیروز عراق گفت که برای یک هفته بمباران شهرهای ایران را متوقف خواهد کرد. اما همچنانکه تعداد کشته شده های دو طرف پس از چهار روز بمباران توپخانه و موشک رو به افزایش گذاشته است، تهران تهدید

CORRIERE DELLA SERA

Bagdad bombardata da aerei di Khomeini

کوریر دلا سرا

۱۶ فوریه / ۱۹۸۴

بغداد توسط هواپیماهای خمینی بمباران گردید

تهدید خامنه‌ای با اعلام رسمی عراق مبنی بر قطع کلیه حملات انتقام‌جویانه از ظهر دیرروز (ساعت ۱۱ به وقت ایتالیا) به مدت یک هفته در بمباران شهرهای عراق ادامه پاسخ به پیام رهبر تبعیدی یابد، از سر گرفته خواهد شد.

Avanti!

Numerose vittime tra le popolazioni civili sempre più implicate nel conflitto

Teheran ha minacciato ancora una volta la chiusura dello Stretto di Hormuz

آوانتی

۱۶ فوریه / ۱۹۸۴

جنگ همچنان

در میان شهروندان غیر نظامی قربانی می‌گیرد

تهران یکبار دیگر تهدید به بستن تنگه هرمز نمود

رهبر شورای ملی مقاومت به "شهروندان بی‌گناه ایرانی" ایران، مسعود رجوی، طی پیامی آسیب می‌رساند، گردید. این خطاب به رئیس‌جمهور عراق خبر را اطلاعیه‌ی مجاهدین خلق که خواستار قطع بمباران‌هایی که در رم منتشر گردید، داده‌است.

Avanti!

آوانتی

۱۶ فوریه / ۱۹۸۴

Continuano le «rappresaglie» reciproche contro obiettivi civili

Martedì l'Iraq aveva annunciato una tregua di una settimana - Decine di morti e feriti

انتقام جوئی‌های دوجانبه

علیه هدف‌های غیر نظامی ادامه دارد

عراق از سه‌شنبه به مدت یک هفته آتش‌بس اعلام نمود دهها نفر کشته و زخمی شدند

تهدید خامنه‌ای با اعلام رسمی عراق مبنی بر قطع کلیه حملات انتقام‌جویانه از ظهر دیرروز (ساعت ۱۱ به وقت ایتالیا) به مدت یک هفته در پاسخ به پیام رهبر تبعیدی اپوزیسیون ایران، مسعود رجوی،

انعکاس گسترده بین‌المللی ابتکارات و اقدامات

برادر مجاهد مسعود رجوی برای قطع بمباران شهرها و غیر نظامیان

LA STAMPA

Guerra Iran-Iraq:

in due giorni decine di morti

استامپا

۱۵ فوریه / ۱۹۸۴

جنگ ایران و عراق:

طی دوزخ

دهها تن کشته شدند

وزیر امور خارجه اعلام نمود که عراق هیچک از شهرهای ایران را به مدت ۷ روز بمباران نخواهد کرد و تصمیم به قطع حملات، در پاسخ به پیام رهبر اپوزیسیون ایران مسعود رجوی که در پاریس در تبعید بسر می‌برد، صورت گرفته است.

il manifesto

Alt alle bombe da Bagdad. Teheran invece continua

"ملاحظات بزرگی که دولت عراق برای احساسات صلح‌طلبانه‌ی رجوی قائل است، صورت گرفته." به هر حال حمله‌ی دیرروز مردان خمینی علاوه بر عراق، پاسخی برای اپوزیسیون در تبعید ایران نیز بوده است.

l'Unità

اونیتا

۱۵ فوریه / ۱۹۸۴

Teheran minaccia di colpire Bagdad

تهران تهدید می‌کند که بغداد را در هم می‌کوبد

بمباران مردم غیر نظامی توسط ایران و عراق از طرف اپوزیسیون ایرانی ضد خمینی محکوم گردید. رئیس شورای ملی مقاومت، مسعود رجوی،

ایتالیا

جریان قطع بمباران شهرهای ایران توسط عراق بمدت یک هفته، در جریان معتبر ایتالیا انعکاس وسیعی یافت. از جمله اونیتا، ایل‌مانیفستو، آوانتی، ایل‌ساجرو، لاستیمپا، ایل‌تمپو، پائیزه‌سرا، کوریر دلا سرا، لاریپوبلیکا و اومانیتا در این باره مقالات مفصلی منتشر ساختند. ما ذیلا به درج نمونه‌هایی از آنها مبادرت می‌ورزیم

la Repubblica

۱۵ فوریه / ۱۹۸۴

Bagdad propone a Teheran di sospendere tutti i bombardamenti contro obiettivi civili

بغداد به تهران

پیشنهاد نمود

تا بمباران هدف‌های

غیر نظامی را تعلیق نماید

"عراق خواسته است که بمباران‌ها بر علیه اهداف شهری قطع گردند به خاطر اینکه شهروندان عادی بایستی از نفرت جنگ در امان بمانند. مگر اینکه ایران ادامه‌ی این بمباران‌ها را بپذیرد و این چیز تازه‌ای نیست و ما مجبور هستیم برای دفاع از خودمان آنرا از سر بگیریم. به همین خاطر امروز وزیر امور خارجه طارق عزیز به دنبال نامه‌ای که توسط رهبر مقاومت ایران مسعود رجوی ارسال شده بود، بمباران‌ها را برای یک هفته قطع نمود، بدین معنی که ما نمی‌خواهیم به مردم ایران آسیب برسانیم.

ایل‌مانیفستو

۱۶ فوریه / ۱۹۸۴

بغداد

بمباران را متوقف می‌کند.

برعکس تهران ادامه می‌دهد

حمله‌ی هوایی دیرروز صبح ایران در پی تصمیم روز سه‌شنبه عصر عراق مبنی بر قطع بمباران اهداف غیر نظامی که در پاسخ به تقاضای مسعود رجوی رهبر شورای ملی مقاومت ایران که به همراه رئیس‌جمهور اسبق، بنی‌صدر، آنرا پایه‌گذاری کرده‌اند، از طرف صدام حسین یا بهتر بگوئیم از طرف معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه‌ی آن کشور طارق عزیز، انجام گرفته است.

عزیز اعلام نمود که کشورش عملیات علیه هدف‌های ایرانی را قطع نموده، "به شرطی که رژیم خمینی نیز از انهدام شهرها و روستاهایمان دست بردارد" و این به خاطر

تصویب قطعنامه طرح صلح بین ایران و عراق

در پارلمان اروپا

پارلمان اروپا

این پارلمان از ۴۳۴ نماینده ده کشور اروپائی، یعنی انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا، هلند، دانمارک، یونان، بلژیک، لوگزامبورگ و ایرلند تشکیل شده که بطور ماهانه دارای اجلاس است و به مهمترین و مبرمترین مسائل بین‌المللی و یا اروپائی رسیدگی می‌کند. مسائلی که دارای فوریت و اهمیت ویژه باشد، با قید "اورژانس" و خارج از نوبت، در پارلمان اروپا مطرح شده و بعد از تشخیص و تصویب فوریت، به آنها رسیدگی می‌شود. از جمله در آخرین اجلاس پارلمان اروپا در ماههای پایانی سال ۸۳، مسئلهی موشک‌های "پرشینگ" و استقرار آنها در خاک اروپا مورد بررسی قرار گرفت و در اولین اجلاس سال جاری پارلمان اروپا، قطعنامه‌ی مربوط به جنگ ایران و عراق مورد تصویب قرار گرفت.

* * *

در بی دیدار و گفتگوی برادر مجاهد مسعود رجوی و گروهی از اعضای شورای ملی مقاومت با گروه سوسیالیست پارلمان اروپا در ۲۰ دیماه که شرح آن در مجاهد ۱۸۷ درج گردید، اطلاعیه‌هایی از سوی دبیرخانه‌ی شورا و گروه پارلمانی سوسیالیست در پارلمان اروپا انتشار یافت که طی آنها اعلام شده بود که کلیه‌ی مسائل طرح شده در این دیدار، از جمله جنگ ایران و عراق، سرکوب داخلی، نقض حقوق بشر در ایران و وضعیت پناهندگان ایرانی در کشورهای اروپائی، به نحو مقتضی در پارلمان اروپا پیگیری خواهد شد.

به‌دنبال این ملاقات، گروه سوسیالیست پارلمان اروپا قطعنامه‌ی پیشنهادی خود، در مورد جنگ ایران و عراق را در نشست رسمی و عمومی پارلمان اروپا در تاریخ ۱۶/ژانویه/۸۴ (۲۶/دیماه/۶۲) طرح کرد. این قطعنامه توسط آقای گلین رئیس گروه سوسیالیست و آقای ژاکه نایب رئیس پارلمان اروپا تهیه شده بود.

در آغاز، ضمن بررسی این طرح، اورژانس بودن آن مورد تأیید قرار گرفت. سپس نمایندگان پارلمان به بحث و بررسی پیرامون جنگ ایران و عراق و نیز قطعنامه‌ی ارائه شده پرداختند. ابتدا خانم "شارزا" از گروه سوسیالیست اظهار داشت: "آقای رئیس، این قطعنامه شرایط خوبی برای یک آتش‌بس بین دو کشور را مدنظر دارد. جنگی که از ۱۹۸۰ شروع شده و یکی از مهیبترین جنگ‌هایی است که در خاورمیانه صورت گرفته و صدها هزار نفر

خلیج‌فارس، که یک منطقه‌ی حیاتی است، ایجاد می‌کند. ج - پیشنهادات هیئت‌های میانجی، یا رد شده و یا بلاجواب مانده است و پارلمان اروپا نگران تهدیداتی است که ادامه‌ی چنین وضعیتی نسبت به صلح و امنیت جهانی ایجاد می‌کند.

د - استقرار یک صلح عادلانه و راه حل صلح‌آمیز اختلافات بین دو کشور، بوسیله‌ی مذاکرات مستقیم، بر پایه‌ی تمامیت ارضی، استقلال کامل، عدم دخالت در امور داخلی و احترام به اراده‌ی آزاد دو ملت ایران و عراق ضروری است.

ه - قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر - که خطوط مرزهای زمینی و آبی را نیز مشخص می‌کند - پایه‌ی چنین صلح عادلانه‌ی است؛ و از وزرای امور خارجه‌ی ۱۰ کشور عضو پارلمان اروپا دعوت می‌کند که اقدامات لازم را برای رسیدن به اهداف زیر به عمل آورند:

۱ - اعلام آتش‌بس فوری در تمام جبهه‌های جنگ بین دو کشور، در زمین، هوا و دریا
۲ - تشکیل یک کمیسیون نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها تحت نظارت ارگانیک از جانب هر دو طرف مورد قبول باشد - مرجع مرضی‌الطرفین - یا تحت نظارت دبیرکل سازمان ملل متحد.

۳ - عقب‌نشینی دو کشور به آنسوی مرزهای تعیین شده در پروتکل "مرزبندی رودخانه‌ی بین ایران و عراق"

۴ - ارجاع امر به دادگاه بین‌المللی لاهه برای تعیین خسارات جنگ و همچنین خسارات بازسازی مناطق، حکم دیوان لازم‌الاجرا خواهد بود.

۵ - تعهد طرفین برای فراهم آوردن موجبات بازگشت پناهندگان و اخراج شدگان دو کشور، همراه با یک بیانیه‌ی عفو عمومی و نیز تضمین امنیت جانی و مالی آنها

۶ - تنظیم یک قرارداد صلح بین دو کشور بر پایه‌ی احترام کامل به حاکمیت و استقلال ملی و تمامیت ارضی و عدم دخالت در امور داخلی و قوانین مربوط به حسن همجواری و عدم تجاوز به مرزها

۷ - پارلمان اروپا پیشنهاد می‌کند که دولت عضو جامعه‌ی

اروپا تمام کوشش‌های لازم را در برقراری صلح بکار برند.

۸ - پارلمان اروپا به رئیس این پارلمان ماموریت می‌دهد که قطعنامه‌ی حاضر را به کمیسیون وزرای خارجه که در کادر همکاری سیاسی گرد آمده‌اند و - از طریق آنها - به حکومت‌های دول عضو منتقل نماید.

* * * لازم به یادآوری است که پس از انتشار بیانیه‌ی مشترک برادر مجاهد مسعود رجوی و نایب نخست‌وزیر عراق و اعلام طرح صلح شورای ملی مقاومت، این طرح از سوی مراجع مختلف بین‌المللی، احزاب، گروه‌های سیاسی و پارلمانی کشورهای مختلف، از جمله کنفره‌ی جهانی بین‌الملل سوسیالیست، حزب کارگر انگلستان و ... مورد تأیید و پشتیبانی قرار گرفته است.

قطعنامه‌ی پارلمان اروپا نیز که مفاد آن عمدتاً منطبق بر اصول طرح صلح شورای ملی مقاومت است، در واقع تأیید بین‌المللی دیگری بر طرح صلح شورای ملی مقاومت می‌باشد.

قطعنامه تنظیمی

گروه پارلمانی سوسیالیست

پارلمان اروپا در رابطه با

نقض حقوق بشر در ایران

و آوارگان ایرانی

همانگونه که فوقاً گفته شد، از مواردی که قرار شد بعد از دیدار برادر مجاهد مسعود رجوی و گروهی از اعضای شورای ملی مقاومت با گروه پارلمانی سوسیالیست نسبت به آن، پیگیری بعمل آید، مسئله‌ی جنگ ایران و عراق بود که با تصویب قطعنامه‌ی راجع به جنگ ایران و عراق به نتیجه رسید. از جمله موارد دیگر، نقض حقوق بشر در ایران، سرکوب داخلی، حقوق اقلیت‌ها و وضعیت آوارگان ایرانی در خارج از کشور بود که در این زمینه نیز بر طبق طرح پیشنهادی که از طرف شورای ملی مقاومت به گروه پارلمانی سوسیالیست ارائه شد، پیشنهاد قطعنامه‌ی در این زمینه از طرف آقایان گلین و ژاکه - رئیس گروه سوسیالیست و نایب رئیس پارلمان اروپا - تهیه و در اجلاس ۸ فوریه‌ی (۱۹ بهمن) گروه پارلمانی سوسیالیست که در بروکسل برگزار شد، مورد بررسی و تصویب قرار گرفت.

سابقه قطعنامه‌های پیشنهاد شده به پارلمان اروپا در مورد نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی

تاکنون دهها قطعنامه راجع به نقض حقوق بشر در ایران، اعدام‌ها، شکنجه و سرکوب عریان داخلی، نقض حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی و بویژه هموطنان کردمان، از سوی گروه‌های مختلف پارلمانی در پارلمان اروپا ارائه شده است که طی آنها، ضمن برشمردن و ابراز نگرانی از جنایات سبعانه رژیم خمینی، خواستار اقدامات دول عضو در این رابطه شده‌اند. پارلمان اروپا در سال ۸۳ به یکی از نمایندگان خود بنام آقای "ژرار ازریل" ماموریت داد که گزارشی از قطعنامه‌های مربوط به نقض حقوق بشر در ایران تهیه کند. این گزارش در سه جلسه و بنام پارلمان اروپا انتشار یافته است که در آن ضمن ذکر تکتک قطعنامه‌های پیشنهادی در مورد جنایات رژیم خمینی در ایران، گزارش مفصلي نیز در مورد خود رژیم خمینی و مشروح موارد نقض حقوق بشر در ایران ذکر گردیده است. در قسمتی از این گزارش راجع به رژیم خمینی آمده است:

"این رژیم را می‌توان با شخصی بی‌ثباتی رهبری‌اش تعریف کرد. جنگ با عراق، آفت مستمر اقتصادی و در نتیجه آفت امنیت داخلی، امروز گماکان از جمله مشکلات لاینحل رژیم هستند. موقعیت اقتصادی و اجتماعی به دنبال دشمنی‌های بین‌المللی و جنگ پر خرج با عراق رو به وخامت است. چشم‌انداز - رژیم - همچنان تیره است. آموزش و درمان حتی به سطح ابتدائی هم نمی‌رسد." این کشور خود به درصد بالای تورم و بیگاری اذعان دارد، ظرفیت تولیدش بسیار ناچیز است. درصد افزایش جمعیت سالانه ۲/۹٪ است که این رژیم تنها می‌تواند هر فرد را با حداقل مواد مورد نیاز زندگی و فقط بوسیله‌ی جیره‌بندی تأمین کند."

در بخش دیگر راجع به نقض مستمر حقوق بشر بوسیله رژیم خمینی آمده است: "در عرض چند ماه رژیم دست به هزاران اعدام زده، دستگیری و حبس‌های خودسرانه بسیار است. طبق اطلاعاتمان هزاران بازداشت سیاسی وجود دارد. محاکمات علنی و عادلانه بقیه در صفحه ۳۱

اخبار کوتاه

به طرف روستائیان هجوم می‌برند و ۷۱ تن از روستائیان را دستگیر و به زندان‌های سپاه ساری و قائم شهر منتقل می‌نمایند.

عجز و درماندگی مزدوران رژیم

در قبال مقاومت دانش‌آموزان

در آبانماه امسال در دبیرستان راهنمایی پسران واقع در خیابان هاشمی (کارون) تهران، دانش‌آموزان یکی از کلاس‌های این دبیرستان اقدام به پاره کردن عکس خمینی خائن می‌نمایند. به دنبال آن جاسوسان باصطلاح امور تربیتی و مزدوران انجمن ضداسلامی مدرسه که از این حرکت دانش‌آموزان بشدت عصبانی شده بودند در صدد شناسائی عاملین این کار برمی‌آیند و از آنجا که بعلت مقاومت دانش‌آموزان موفق به شناسائی این افراد نمی‌شوند، به دانش‌آموزان اعلام می‌کنند که "اگر کسانی که عکس خمینی را پاره کرده‌اند معرفی نمایند، ۲ نمره از انضباط همه آنها کسر خواهند نمود." دانش‌آموزان نه تنها مرعوب تهدیدات مزدوران رژیم نشده و کمترین اعتنائی به آنها نمی‌کنند، بلکه در اعتراض به این برخورد مزدوران رژیم، در دفتر مدرسه دست به تحصن می‌زنند.

بکارگیری دستگاه جدید شکنجه

توسط جلادان خمینی

اخیرا جلادان رژیم در زندان اوین برای شکنجه زندانیان از دستگاه جدیدی بنام "سوزن معجزه‌گر" استفاده می‌کنند. شیوه‌ی کار به این ترتیب است که فرد مورد نظر را روی دستگاه مذکور خوابانیده و با فرو کردن سوزن‌هایی به نقاط مختلف بدنش، سعی می‌کنند تمرکز و کنترل را از او سلب کرده و اراده‌ی او را درهم بشکنند و بدین ترتیب فرد تحت شکنجه را وادار به اعتراف نمایند. گفته می‌شود که رژیم خمینی این دستگاه جدید را از کره‌ی جنوبی وارد کرده است.

مانورگشت سپاه ضد خلقی در گچساران و...

در تاریخ ۲۶/۱۰/۶۲ تعدادی از واحدهای گشت سپاه ضد خلقی (موسوم به نارالله) از شیراز وارد گچساران شده و در سطح این شهر به مانور می‌پردازند. آنها ضمن ایجاد جو رعب و وحشت در بین مردم، به جوانانی که در سطح شهر بطور چند نفری تردد می‌کردند گفتند که: "ما در جبهه‌ها شهید می‌دهیم و شما بی‌دلیل در خیابان قدم می‌زنید."!! آنها همچنین به صاحب یک دکه‌ی روزنامه فروشی که محل تجمع و صحبت کردن مردم بوده است، اخطار نمودند که: "اگر مردم به بهانه‌ی روزنامه خواندن دور دکه‌اش جمع شوند، دکه‌ی او را تعطیل خواهند کرد."

تضاد بین ایادی خمینی در اصفهان و...

صلواتی، نماینده‌ی اصفهان در مجلس ضد خلقی: "... ناراحتی مردم اصفهان از اختلاف است که از امام امت انتظار دارند که قاطعانه با این مورد برخورد شود... در یک شهر برگزاری دو نماز جمعه را شایسته نمی‌دانم." وی در قسمت دیگری از سخنانش در رابطه با "افاضات" رفسنجانی که چندی پیش گفته بود: "اگر این انقلاب (!) یک روزی نیاز به خفقان پیدا کرد، خفقان پیش می‌آوریم!! گفته است: "باید در روزنامه‌ی، بلندگوئی، جاتی باشد برای تصحیح و یا پاسخگوئی معقول به اشتباه احتمالی ائمه‌ی جمعه... و از برادرمان هاشمی رفسنجانی امام جمعه‌ی موقت تهران می‌خواهیم که کلمه‌ی اختناق را که چند هفته قبل بیان داشتند، اصلاح کنند که ما هرگز به اختناق احتیاج نداریم و زمانی بدتر از جنگ و دوران منافقین (!) نخواهیم داشت و با این حال اختناقی اعلام نشد!!" (کیهان ۶/۹/۶۲)

مصادره انقلابی یکی از

مراکز غارت رژیم در گنبد

در تاریخ ۲۴ دیماه گذشته، توسط یک واحد عملیاتی از هسته‌های مقاومت در شهرستان گنبد، موجودی یکی از مراکز غارت رژیم خمینی، مصادره‌ی انقلابی گردید. اعضای هسته‌ی مزبور، با شناسائی شعبه‌ی یکی از بانک‌های این شهرستان و با طرحی از قبل تعیین‌شده، در ساعت ۲ بعدازظهر تاریخ یادشده، هنگامی که بانک در حال تعطیل شدن بود، طرح خود را به اجرا درآورده و موفق می‌شوند موجودی بانک را به نفع خلق و انقلاب مصادره نمایند. کلیه‌ی اعضای این واحد پس از انجام عملیات موفقیت‌آمیز، محل را ترک کرده و سالم به پایگاههای خود باز می‌گردند.

برخی از فعالیت‌های

تبلیغی اجتماعی-سیاسی هسته‌های مقاومت

در ادامه‌ی گزارش فعالیت‌های اجتماعی-تبلیغی و سیاسی هسته‌های مقاومت در شهرهای مختلف کشور، براساس گزارشاتی که در این رابطه به‌دستمان رسیده است:

* در تاریخ ۲۰/۱۰/۶۲ در مقابل خانه‌ی فرهنگ ساری (واقع در خیابان فرهنگ) پرده‌ی بزرگی که شعارهای "مرگ بر خمینی"، "زنده‌باد صلح و آزادی" و "دروغ بر رجوی" بر روی آن نوشته شده بوده، نصب کرده بودند.

این ابتکار جالب هسته‌های مقاومت که توجه مردم را جلب کرده بود، باعث شد تا پاسداران خمینی پس از اطلاع از موضوع، سراسیمه در محل حاضر شده و پرده‌ی مذکور را پائین بکشند.

* رئیس سرسپرده‌ی یکی از هنرستان‌های ساری در یک محفل خصوصی در رابطه با فعالیت دانش‌آموزان مبارز و انقلابی در این هنرستان گفته است: "نمی‌دانم علیرغم کنترلی که می‌شود، اینها (دانش‌آموزان) این فرصت را از گجا پیدا کرده و پشت صندلی‌ها آرم مجاهدین می‌کشند و بر در و دیوار مدرسه و کلاس‌ها شعار می‌نویسند و هر روز هم این کارشان را ادامه می‌دهند." مزدور نامبرده همچنین از این موضوع که: "چرا دیگر همکاران و معلمان مدرسه به این مسئله توجهی نداشته و از بچه‌ها مراقبت کافی به عمل نمی‌آورند و حساسیت نشان نمی‌دهند" گله کرده است. * اخیرا در مدرسه‌ی عالی بازرگانی (مهدی رضائی) بر دیوار کلاس‌ها و تلفن عمومی دانشکده، شعار "مرگ بر خمینی" و شعارهای دیگری علیه جنگ‌طلبی خمینی نوشته شده است.

همه چیز در خدمت

جنگ خانمانسوز خمینی

* موسوی نخست وزیر خائن خمینی: "اصلی‌ترین مشکل، تدارک جنگ است و اگر دامنه‌ی عظمت کاری که در این زمینه صورت می‌گیرد به‌درستی توضیح داده شود بزرگترین کمک به دولت صورت گرفته است. امروز ما اثرات جنگ را در همه چیز و همه جا می‌توانیم بباییم و... مسئله‌ی بدهی قابل توجه دولت به سیستم بانکی و نقدینگی وسیع در جامعه، یکی دیگر از مشکلات است که جنگ به‌شدت در آن دخیل است و حل آن احتیاج به زمان دارد... به هر حال کلام آخر در این مورد آنکه با تخصیص نزدیک به یک‌سوم بودجه به جنگ، این

شرایط اضطرار، ادامه خواهد یافت."

(کیهان ۱۵/۱۱/۶۲)

* منافی وزیر بهداشت رژیم: "اگر امروز می‌گوئیم جنگ در اولویت قرار دارد؛ یعنی بهداشت در اولویت است؛ چون جنگ بدون بهداشت و بهداری اصلا نمی‌تواند ادامه پیدا کند... این رزمندگان ما وقتی می‌توانند بجنگند که سالم باشند."

(کیهان ۲۰/۱۱/۶۲)

* بهزاد نبوی خائن وزیر صنایع سنگین: "در حال حاضر تمام صنایع کشور در خدمت جنگ و فعالیت‌های جانی آن می‌باشد."

(کیهان ۱۸/۱۱/۶۲)

* طاهری نماینده‌ی مجلس ضد خلقی: "دولت (باید طوری برنامه‌ریزی نماید که واقعا جنگ در زندگی خصوصی تک‌تک افراد وارد شود و تمام هم و غم خودشان را در این راه بگذارند."

(کیهان ۱۵/بهمن/۶۲)

* فاضل هرندی نماینده‌ی مجلس ضد خلقی: "در کجای دنیا سراغ دارید علیرغم گذشت بیش از ۴۰ ماه... تنور جنگ بمراتب داغتر از روزهای اول باشد."

(راديو رژيم - ۲۸/۱۱/۶۲)

* یکصد دستگاه از اتوبوس‌های شرکت واحد تهران با پرسنل مربوطه برای یاری‌رساندن به رزمندگان عازم جبهه‌های نبرد حق و باطل شدند. شرکت واحد تهران بدین‌وسیله از شهروندان تهرانی درخواست کرد در صورت اختلالات احتمالی در امر اتوبوسرانی، با کارکنان خطوط این شرکت همکاری لازم را مبذول دارند.

(راديو رژيم - ۲۹/۱۱/۶۲)

* منتظری خائن: "امروز مسئله‌ی جبهه‌ها و گرم نگاه داشتن آنها از اهم مسائل ماست."

(راديو رژيم - ۳۰/۱۱/۶۲)

رژیم خمینی در تلاش برای

پنهان کردن آمار تلفات جنگ

بر اساس گزارشی که به دست ما رسیده، در اوایل دیماه امسال ایادی خمینی در تبریز و تهران به جمع‌آوری و کندن عکس‌هایی که بر بالای قبرکشته‌شده‌های جنگ در گورستان‌ها نصب شده، پرداخته‌اند. این عمل رژیم از آن جهت صورت گرفته است که مردم با دیدن این عکس‌ها، خمینی و دارودسته‌ی جنایتکارش را بخاطر بکشتن دادن جوانان مملکت، مورد لعن و نفرین قرار می‌دهند.

روستائیان زحمتکش

و حاکم ضد شرع قائم شهر

در اواخر دیماه سال جاری عده‌ای از کشاورزان زحمتکش یکی از روستاهای قائم شهر که برای رسیدگی به پرونده‌ای که بین آنها و یکی از فئودال‌های محل در جریان بوده است به دادگاه مراجعه می‌کنند، حاکم ضد شرع حین صحبت‌هایش بطور تلویحی از فئودال مزبور حمایت می‌کند؛ روستائیان که متوجه شده بودند حاکم ضد شرع تصمیم دارد به نفع فئودال و بر علیه روستائیان رای صادر کند، او را در اطاق محل کارش به‌گروگان گرفته و به او می‌گویند که در صورت صدور رای به نفع فئودال، او را در همانجا خواهند کشت. بدنبال این جریان، مقامات بیدادگاه قائم شهر در تماس با کمیته و سپاه ضد خلقی ساری و قائم شهر، از آنها می‌خواهند تا برای نجات حاکم شرع نیرو بفرستند. پس از مدتی به دستور سعیدی دادستان ضد انقلاب ساری تعدادی کمیته‌چی و پاسدار محل بیدادگاه را محاصره کرده و

صلح، صلح، تا آزادی!

موج شغف و شادی و استقبال وسیع مردم می از اقدام انقلابی و صلح طلبانه اخیر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول "شورای ملی مقاومت" که به قطع موقت بمباران منجر گردید، هموطنان ستم دیده و داغدارمان از جنگ و گشتار و ویرانی و آوارگی خمینی را، در سراسر کشور فراگرفت.

بدون تردید طی روزهای اخیر جنگ خانمانسوز خمینی، بیش از همیشه در اذهان مردم داغ دیده میهنان شوم و نفرت بار جلوه کرده است، چرا که مردم، هفته گذشته بطور ملموس و مشهود، طعم شیرین در دسترس بودن صلح را با تمام وجودشان احساس نمودند. آری هفته گذشته نسیمی - هرچند رقیق اما، فرحبخش - از صلح بر سرتاسر میهنان وزیدن گرفت، مردم را بسختی تکان داد و از آنسو نیز بر اندام مفلوک شیطان خونریز و جنگ افروز جماران رعشه انداخت!

همه می دانند از اوائل بهمن ماه امسال، آماده سازیها و رجزخوانی های خمینی برای تهاجمات جدید به خاک عراق اوج بیشتری گرفت. رژیم ضد- بشری برای سرپوش گذاشتن بر بحران و اختناق فزاینده و منجمله برای سرگرم کردن نیروهای خود و در کل نیز جهت ادامگی سلطه ی ننگینش، برنامه ی تازه ای از کشتار و انهدام و ویرانی تدارک می دید.

دین فروشان حرفه ای، چون همیشه با ملعبه ساختن و لوٹ کردن "اسلام"، جشن و پایکوبی چند سال خون دل دادن و زهر به کام خلق ریختنشان - که آن را عوام فریبانه "دهه ی فجر" نامگذاری کرده اند - را به کارناوالی تبلیغاتی جهت جنگ و جنگ افروزی و کشورگشائی تبدیل نمودند. و به موازات آن کارگزاران سرکوبگر و جنگ افروز خمینی مانور باصطلاح آزادی "قدس" را سرپوش بسیج اجباری و یک کاسه کردن نیروهای ذخیره ی خود برای تهاجمات اخیر نمودند. افکار عمومی مردم ستمزده و همچنین افکار عمومی بین المللی شاهد تلاشها و فعالیتها و تحریکات شبانه روزی رژیم جهت گشت و کشتار انسانی جدیدی بود. و خانواده های ماتمزده در سرتاسر کشور، بویژه در شهرهای غربی و جنوبی، در انتظار سوگواری برای عزیزان دیگر... در این میان تهدیدات طرفین برای بمباران شهرها، افکار

عمومی را در نگرانی شدیدی فروبرده بود. خمینی دجال که در طول جنگ به دروغ دم از مخالفتش با هرگونه بمباران و گلوله باران شهرهای عراق می زد - اما در عمل به هیچوجه کوچکترین پایبندی به آن نشان نداده بود - به یکباره پرده ی تزویر و عوام فریبی را کنار زده و فتوای بمباران را صادر نمود و رجاله های بارگاهش بادریدگی و وقاحت تمام اعلام کردند که مردم "حزب الهی"! بصره در خواست کرده اند تا رژیم خمینی شهر آنها را بمباران کند!

۲۷ بهمن نیز رژیم اعلام کرد مرحله ی پنجم عملیات موسوم به "الفجر ۵" را با تهاجم به خاک عراق آغاز کرده است.

بار دیگر ماشین انسانسوز جنگ خمینی بکار افتاده بود تا این بار نیز - البته در ابعادی بسیار گسترده تر و فاجعه آمیزتر - کشتار و ویرانی و آوارگی بیافریند و هزاران خانواده ی دیگر را به خاک ماتم و عزا بنشاند.

روز یکشنبه ۱۶ بهمن برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول "شورای ملی مقاومت" طی نامه ای به نایب نخست وزیر و وزیر امور خارجه ی عراق نگرانی عمیق خود را از هرگونه تهدیدات پیرامون بمباران شهرهای مختلف کشور اعلام نمود و آن را دقیقاً در راستای منافع و بسیج جنگ افروزانه ی خمینی اعلام نمود. مسئول "شورای ملی مقاومت"، همچنین در روز ۲۲ بهمن طی نامه ی جداگانه ای خطاب به رئیس جمهور عراق، درخواست خود را تکرار نمود. در پاسخ به درخواست برادر مجاهد مسعود رجوی، نایب نخست وزیر عراق طی نامه ای موافقت یک جانبه ی دولت متبوعش را با قطع بمباران به مدت یک هفته اعلام نمود. به موازات این اقدامات برادر مسعود، طی تلگراف های فوری جداگانه ای خطاب به دبیرکل ملل متحد، رئیس سازمان کشورهای غیر

متعهد، رئیس قسمت صلح کنفرانس اسلامی و الاف پالمه و دیگر مراجع مختلف بین المللی، محافل و مراجع و افکار بین المللی را متوجه نیت شوم و جنگ افروزانه ی خمینی نمود و خواستار هرگونه تلاش جهت تداوم قطع بمباران مردم بی دفاع هر دو کشور شد. در طول این مدت رژیم خمینی به تهاجمات خود به خاک عراق و بمباران شهرها و شهرکها و روستاهای آن کشور ادامه داده و سردمداران رژیم از خامنه ای و رفسنجانی جنایتکار گرفته تا ائمه ی جمعه و جنایت و اعضای مجلس ضد خلقی و دیگر کارگردانان و کارگزاران سرسپرده ی خمینی، تک تک و گروه گروه، خواستار تداوم بمباران و گلوله باران شهرهای عراق شدند. اما در داخل مملکت، بدنبال ابتکار صلح آمیز برادر مجاهد مسعود رجوی و قطع یک هفته ای بمباران شهرهای ایران، موج تازه ای از امید به صلح پدیدار گشته و اذهان عمومی مردم به سته آمده ی میهنان به یکباره متوجه ی تباہکاریها و جنگ-افروزی های کشورگشایانه ی خمینی جنایتکار گردید. در همین رابطه روز سه شنبه ۲۵ بهمن برادر مجاهد مسعود رجوی در پیامی به مردم ایران خاطرنشان ساخت: "صلح عادلانه در دسترس است. اما خمینی جنگ می خواهد و اختناق و الا در پرتو صلح و آزادی محو و نابود می شود." برادر مسعود خطاب به مردم گفت: "از خمینی و از کلیه ی مقامات و ایادی مزدور رژیمش در هر کجا بپرسید که وقتی قطع هرگونه بمباران و گلوله باران شهرها و مردم بی دفاع میسر است؛ چرا و به چه دلیل و مطابق کدام اصل و سنت اسلامی یا ملی و مردمی؛ امنیت و مصون داشتن شهرها و مردم بی گناه را خوش نمی دارد؟... از خمینی بپرسید وقتی صلح عادلانه در دسترس است، چرا از پذیرش آن سرباز می زند و چرا تا به این حد زندگی و

حیات و ماتم کودکان و زنان و مردان این سرزمین را خوار و حقیر می شمارد؟..."

انعکاس وسیع داخلی و بین المللی ابتکار صلح آمیز مسئول شورای ملی مقاومت و انتشار آن از طریق رسانه های بین المللی در ایران، فعالیت های تبلیغی و سیاسی - اجتماعی هسته های مقاومت و مضافاً بر همه، عینیت قطع بمباران شهرها توسط عراق و نسیم صلحی که وزیدن گرفته بود، رژیم ضد بشری خمینی را ناچار نمود تا به ردیالانه ترین و سخیف ترین شکلی به ابتکار صلح شورا اشاره کند و بزعم خودش آن را لوٹ نماید، اما این دست و پا زدن های مذبحخانه ی رژیم نیز آشکارا بر ضد خودش عمل نمود و مردم بدین طریق بوسیله ی رسانه های ارتجاع نیز در جریان اقدام انقلابی مسئول شورای ملی مقاومت در جهت مقابله با جنگ افروزی های خمینی قرار گرفتند، و از اولین لحظات با شادی و خوشحالی از آن استقبال کرده و خبر آن را دهان به دهان نقل می کردند و بدین ترتیب با توقف بمبارانها و تاثیر عمیقی که بر روی مردم گذاشت، این مسئله ی اساسی در اذهان همه می چرخید که صلح دست یافتنی است اگر خمینی بگذارد! عفریت آدمخوار جنگ خمینی محوشدنی است، بشرطی که هوی و هوس های کشورگشایانه و رویای امپراطوری بزرگ ارتجاعی خمینی دجال، مجال هرگونه ترک مخاصمه ای را بوجود آورد. بدین ترتیب در همه جا علامت سوال بزرگی در برابر واژه ی جنگ قرار گرفت: جنگ یعنی، بیش از نیم میلیون کشته، نیم میلیون معلول و مجروح، جنگ یعنی آواره و بی خانمان شدن ۲ تا ۳ میلیون نفر از هموطنان جنگ زده، جنگ یعنی، انهدام شهرها و روستاها و مراکز کشاورزی و صنعتی جنوب و غرب کشور و میلیارد ها دلار خسارت، جنگ یعنی، انهدام تولید صنعتی و کشاورزی جامعه، جنگ یعنی سرپوش بر روی انواع بحران های اقتصادی - اجتماعی، کمبودها، تورم افسارگسیخته، جنگ یعنی... آری قلب جامعه بقدری از سرکوب و اختناق و شکنجه و اعدام و همچنین از فاجعه ی جنگ و کشتار و ویرانی خمینی، مملو از خشم و کینه و داغ و نفرت میباشد که هر اقدام انقلابی و راهگشایانه، بلافاصله همراه با یک هیجان و التهاب اجتماعی سمت و سوی صلح - خواهانه پیدا کرده و شور و شوق آزادی طلبی در مردم ایجاد

می کند. مگر نه اینکه جنگ طلبی و بحران سازی خمینی جنایتکار، سرپوش دائمی سیاهچال خفقان و بهانه ی سرکوب خواست های عادلانه ی اجتماعی است. پس به همین دلیل مردم در پشت آن سوی سکه ی صلح، آزادی خود را از چنگال استبداد قرون وسطائی و سیاه خمینی می بینند و در امتداد تلاش برای صلح به چشم - انداز قیام عمومی جهت سرنگونی رژیم ضد ملی و ضد خلقی خمینی می رسند. به همین دلیل نیز موج تازه ی صلح طلبی هم میهنانمان، انودینامیک، مقاومت سراسری بر علیه رژیم درهم شکسته ی خمینی را شدت و گسترش می بخشد و متقابلاً همچنان که تا این لحظه نیز همین مقاومت انقلابی، پشتوانه ی مشروعیت اقدامات انقلابی و ابتکارات صلح آمیز مجاهدین و مسئول اول آن و همچنین شورای ملی مقاومت، (و از جمله اقدام اخیر) بوده است، از این پس نیز مقاومت مشروع خلق قهرمان ما به اضعاف دست مایه ی دیگر فعالیتها و اقدامات راهگشایانه و بن بست - شکنانه ی مسئول اول سازمان مجاهدین و مسئول شورای ملی مقاومت خواهد بود. از سوی دیگر، دقیقاً بنابه مصلحت جوئی و عاقبت اندیشی از نتایج فعالیت های اخیر بود که رژیم ضد بشری خمینی در برابر فشار و هیجان افکار عمومی تاب ایستادگی نیاورده و نخستین گام عقب نشینی خود از جنگ - عقب نشینی اجتماعی و سیاسی نیز می باشد - آغاز نمود. اما بدون تردید همین وقفه و فتور در جنگ افروزی خمینی که خود بخود شکاف نازکی نیز در سرپوش سیاهچال اختناق و سرکوب خمینی ایجاد خواهد نمود، اذهان عمومی را بازهم هرچه بیشتر به سوی ضدیت با ادامه ی جنگ و گرایش هرچه بیشتر به سوی صلحی عادلانه و در امتداد آن، رها کردن پرنده ی آزادی از سیاهچال استبداد قرون وسطائی خمینی از طریق قیام مسلحانه ی عمومی، سوق خواهد داد. قدر مسلم اینکه از این پس جنگ افروزی و بسیج ضد انسانی خمینی با دشواری های سیاسی - اجتماعی و بین المللی زیادتری حتی از جانب وابستگان خود رژیم روبرو خواهد گردید و بدون تردید شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" در مقابل شعار "صلح، صلح تا آزادی" و هم چنین در برابر شعار استراتژیک "مرگ بر خمینی - زنده باد صلح و آزادی" رنگ بقیه در صفحه ی ۲۹

پیام برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت

شهادت شخصیت برجسته عشایری ایران الله‌قلی خان جهانگیری

هموطنان عزیز،

عشایر دلیر و رزمنده‌ی فارس؛ بر حسب اطلاع عیبه دادستانی دشمن ضدبشری در تهران که شب گذشته انتشار یافت؛ الله‌قلی خان جهانگیری، شخصیت محبوب و برجسته‌ی عشایری که بحق از سرداران مقاومت خونین توده‌های محروم عشایر فارس در سمیرم و یاسوج و نورآباد و ممسنی بود، همراه با تعدادی از یاران خود و گروهی از خواهران و برادران مجاهد ما که در گوهستان‌های فارس مستقر بودند، در تاریخ ۲۰ بهمن به شهادت رسیده است.

الله‌قلی خان در زمان شاه نیز علیه دیکتاتوری سلطنتی برشورید و از سال ۵۲ به بعد مدتها در زندان بود و چندی قبل از سقوط رژیم شاه در دوران انقلاب از زندان آزاد گردید.

در حکومت ننگین خمینی نیز الله‌قلی خان با دیکتاتوری ارتجاعی سرسازش نداشت و بر علیه سرکوبگری ضدعشایری

خمینی فعالانه مبارزه می‌کرد؛ آنگاه پس از ۳۰ خرداد و آغاز مقاومت مسلحانه‌ی سراسری، الله‌قلی خان با تمام قوا به حمایت از مجاهدین و تبلیغ برای مقاومت در میان عشایر منطقه قیام نمود. وی پیوسته و در هر گجا تصریح می‌نمود که: "وظیفه‌ی همه‌ی ماست که امروز تمامی امکاناتمان را چه امکانات مالی و چه امکانات تسلیحاتی، در اختیار مجاهدین و مبارزین مسلحی که در شهر و روستا بر علیه این رژیم سفاک می‌جنگند، بگذاریم. رژیمی که جز بدبختی و بیکاری و فقر و گرانی و ناامنی و چپاول و آدمکشی، ثمره‌ی برای مردم ایران نداشته است.

خانه‌ی هر فرد دهقان و چادر هر عشایری از فارس و اصفهان و کهگیلویه و چهارمحال و بختیاری باید به صورت خانه‌ی امنی برای مجاهدین و مبارزین مسلح خلق درآید. امروز حمایت از مجاهدین خلق و کمک به چریک‌های مسلح این سازمان و دیگر همزمانشان در شهرها و

روستا‌های ایران، وظیفه‌ی هر فردیست که خود را متعلق به این آب و خاک می‌داند... لازم است تاکید کنم که الله‌قلی خان و رزمندگان دلیر همراه او طی ۲/۵ سال گذشته باتفاق برادران مجاهدشان در گوهستانهای مرکزی و جنوبی میهنمان در برابر یورش‌های سباعانه‌ی مزدوران خمینی بگونه‌ای تمام‌عیار مقاومت نموده و چندین بار درس‌های فراموش‌ناکردنی به پاسداران مزدور خمینی دادند.

در اوایل سال گذشته نیز ۱۲ تن از زندانیان مجاهد خلق که حلقه‌ی محاصره‌ی زندان خمینی را در گازرون شکست و فرار کرده بودند، در منطقه‌ی استقرار الله‌قلی خان به برادران مجاهد خود پیوستند.

البته رژیم خمینی هنوز اعلام نکرده است که در درگیری‌های سه ماهه‌ی اخیر در گوهستان‌های فارس چند تن از پاسداران مزدور خود او به هلاکت رسیده‌اند، اما گزارشات بقیه در صفحه‌ی ۱۱

مختصری از زندگی و فعالیت‌های مبارزاتی

شخصیت محبوب و مبارز عشایر فارس

الله‌قلی خان جهانگیری

خمینی بنام "ایازخان دره‌شوئی" که در مقابل فعالیت‌های ضدفقوئدالی این ستاد کارشکنی‌ها و سنگاندازی‌های زیادی می‌کرد، به مجازات رسید.

بعد از ۳۰ خرداد/۶۰ مزدوران رژیم که از مدتها قبل درصدد دستگیری الله‌قلی خان و یارانش بودند، به مرکز فعالیت آنها در منطقه‌ی سمیرم حمله کردند. بدنبال درگیری مسلحانه‌ای که بین پاسداران جنایتکار از یکسو و الله‌قلی خان و همزمانش از سوی دیگر درگرفت، آنها در کوه‌های حدفاصل سمیرم و نورآباد مستقر شدند.

مبارز شهید جهانگیری در پائیز ۶۰ ضمن اعلام حمایت خود از مقاومت عادلانه‌ی مجاهدین، طی پیامی، خطاب به تمامی هموطنان و بویژه عشایر غیور و وطن‌پرست، از آنان خواست تا آنجا که در توان دارند در یاری رساندن بقیه در صفحه‌ی ۱۱

مبارز شهید الله‌قلی جهانگیری اهل یکی از روستاهای اطراف اصفهان بود و فعالیت‌های مبارزاتی خود را بر علیه رژیم شاه خائن از دوران تحصیل در دانشگاه اصفهان آغاز کرد. در همین رابطه او توسط مزدوران ساواک دستگیر شد و پس از مدت‌ها اسارت در زندان‌های شاه، در سال ۵۷ از زندان آزاد گردید.

الله‌قلی پس از انقلاب نیز فعالیت‌های خود را در جهت احقاق حقوق دهقانان و عشایر محروم و ستم‌کشیده ادامه داد و در این رابطه به همراه تعدادی دیگر از عناصر مترقی عشایر، ستادی را در منطقه‌ی سمیرم تشکیل داد که کار آن دنبال‌گیری خواسته‌های به حق محرومین این منطقه در جهت اصلاحات ارضی و کوتاه شدن دست خوانین بود. در همین رابطه یکی از خوانین مزدور شاه و

وظیفه‌ی همه‌ی ماست که امروز تمامی امکاناتمان را چه امکانات مالی و چه امکانات تسلیحاتی در اختیار مجاهدین و مبارزین مسلحی که در شهر و روستا بر علیه این رژیم سفاک می‌جنگند بگذاریم. رژیمی که جز بدبختی و بیکاری و فقر و گرانی و ناامنی و چپاول و آدمکشی ثمره‌ی برای مردم ایران نداشته است.

خانه‌ی هر فرد دهقان و چادر هر عشایر از فارس و اصفهان و کهگیلویه و چهارمحال و بختیاری باید به صورت خانه‌ی امنی برای مجاهدین و مبارزین مسلح خلق درآید. امروز حمایت از مجاهدین خلق و کمک به چریک‌های مسلح این سازمان و دیگر همزمانشان در شهرها و روستاهای ایران وظیفه‌ی هر فردی است که خود را متعلق به این آب و خاک می‌داند. هنگام رژیم خونخوار خمینی و آنان که به خبرچینی پرداخته و با اطلاعات در اختیار رژیم خونریز خمینی و پاسداران مزدوران قرار می‌دهند، هرگز از طرف مردم ایران بختیاده نخواهند شد و سرنوشتی جز مرگ، در انتظارتان نخواهد بود. بیاید با هم متحد و یکپارچه و متشکل و مسلح آخرین قربانیان گوهستان را برپیکر رژیم فرسوده‌ی رژیم ضدبشری خمینی فرود آورده و برای آزادآباد، مستقل و حکومتی عدالت‌گستر مردمی بنیان نهیم که جز خوشبختی، رفاه و سعادت مردم ایران و ترقی و سربلندی کشورمان آرزوی دردل و فکری در سر نداشته باشد.

مرگ بر ما میربا لیس و عمال داغلس‌اش مرگ بر رژیم جنایتکار خمینی الله‌قلی جهانگیری

های علیل و امیال حقیق، مذبوحانه در تلاش آنند تا با دست‌های کوچک جلوی طلوع خورشید حقیقت را بر سر زمین مقدس ما بگیرند، اما غافل از آنند که تاریخ حکم نا بودیشان را بدست توده‌های میلیونی ایران از پیش ما در کرده است و تلاش رژیم بدستان رژیم‌ها نند آخرین دست و پا زدنی‌های گوسفند سر بریده‌ای پیش نیست. میلیونها نفر از هم‌میهنان پاک و شریف ممانند در تلاش آنند تا هر چه سر بر می‌ترکود عمیق برای لاشه‌ی گندیده‌ی رژیم خمینی جلا دادند. آنان از مدتها پیش با به‌های بنای ایرانی آزادآباد، مستقل و جامعه‌ای بدور از استعمار انسان زاریخته‌اند. هیچ فرد شرافتمندی، هیچ انسانی که خود را متعلق به این آب و خاک می‌داند بوی به ما هیت رژیم سفاک و خونخوار و موشی کفن دزد بوی وطن برده است، حاضر به همکاری با آنها نیست.

متاسفانه به خاطر عدم دسترسی عشایر که در مناطق دور دست فارس و اصفهان سکونت دارند، به متابع‌گیری غیر وابسته به رژیم و تشکیلات جنایتکار روفد مردمی، سپاه پاسداران و بسیج عشایر به تبلیغ در بین آنها پرداخته و سعی در فریب عشایر ساده و پاک و کشاندن آنها به دامین بانسید جنایتکاران دارند. من از تمامی دوستان و برادران و آشنایان و کسانی که این علامه بدستان می‌رسد می‌خواهم که پیام انقلاب مردم ایران را به میان عشایر برده و به آنها این حقیقت را که همه‌ی مردم ایران برای سرکوبگری رژیم جنایتکار خمینی متحد و یکپارچه و بیباک هستند، بیان نمایند.

نشریه اتحادیه انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور
شماره ۵۸
۱۳۶۱
متن پیام یکی از شخصیت‌های مبارز عشایر

توضیح: آقای الله‌قلی جهانگیری که یکی از شخصیت‌های مبارز عشایر سمیرم است مدتی قبل بیانی خطاب به عشایر ایران داده است. متن این پیام اخیراً بدست ما رسیده و ما در این شماره اقدام به چاپ آن نمودیم. لازم به توضیح است که آقای الله‌قلی جهانگیری در رژیم ضد خلقی شاه، به جرم مبارزه علیه آن رژیم، دستگیر و زندانی گردید. پس از قیام بهمن ماه نیز در مبارزه علیه فئودالها و تقسیم‌زمین بین دهقانان محروم و زحمتکش فعالیت نموده و از آن پس نیز بدلیل مخالفت و مبارزه علیه رژیم ارتجاعی خمینی تحت تعقیب این رژیم قرار گرفته است. "دلیل" متن پیام آقای الله‌قلی جهانگیری را ملاحظه می‌کنید:

عنا بر غیور و وطن پرست، هم‌میهنان عزیز: میهن عزیز ما ایران و هم‌میهنان شریف و پاکان روزهای سختی را می‌گذرانند. دو سال و نیم پیش رژیم ددمنش و خون آشام خمینی سوار بر امواج انقلاب توده‌ها همراه با زده‌بیندهای پشت پرده‌ی اعمال امیرالایم، سکان کشتی حکومت را بدست گرفت و انقلاب مردم ایران را که معرفت تا به رنج و بدبختی در این مملکت نقطه‌ی پایان بگذارد، از مسیر اصلی منحرف و کشور را به راهی کشاند که ویرانی و تباهی در انتظارش بود. ملت ما که شمار آزادی سرداده بود از هر نوع آزادی محروم و حتی به خاطر بیکاری و بیکاری کلمه آزادی در محافل عمومی و خانوادگی به جوخه آتش پاسداران مزدور خمینی سپرده می‌شوند. انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و شوراهای مردمی در هم کوبیده شده، احزاب و سازمانهای ملی و مترقی منحل و صدها تن از ایرانیان میهن پرست و مردم دوست و نیروهای مترقی شناخته شده که نتوانسته‌اند خود را به مبارزین مسلح برسانند یا به دستور دادگاه‌های فرمایشی و ضد مردمی رژیم به جوخه‌های عدم سپرده شده اندویا در زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها در زندان‌های حکامفاشیست مسلمان نما بر می‌برند و یا مجبور به زندگی مخفی و یا جلائی وطن گردیده‌اند. روزنامه‌ها توقیف و دهها تن از نویسندگان و روزنامه‌نگاران به دینبال فرمان معروف خمینی که "شکنید قلم‌ها را" اعدام یا زندانی گردیده‌اند. مترجمین مزدور و بی‌وطن که همچون غفاشان کشوری تاریک می‌خواهند در سفاک خویش اندیشه‌های قرون وسطایشان را همچون تاریکسوت بگسترانند. از نور و آگاهی دروختند، بدین خاطر است که تاریک اندیشان حاکم با مغز-

زنده باد صلح و آزادی

گزارشی از فعالیت های تبلیغی و سیاسی - اجتماعی هسته های مقاومت بمناسبت "هفته صلح"

و از "امت حزب الله و اطلاعات ۳۶ میلیونی"!! خواست تا "هرگونه حرکات مشکوک ضدانقلابی" را به کمیته مرکزی اطلاع دهند! (کیهان ۱۷/ بهمن ۶۲). و صبح ۲۳ بهمن نیز آخوند جنایتکار (فلاحیان) سرپرست کمیته های ضد خلقی رژیم، در جماران به خمینی اطمینان خاطر داد که مزدوران کمیته در "مقابله با ضدانقلاب (!) و کنترل گلوگاه های شهرها" تلاش شبانه روزی به خرج می دهند و خمینی نیز "رهنمودهای لازم" را در این زمینه به آنها گوشزد نمود.

اینک با توجه به درخواست های قبلی ما از هسته های مقاومت مبنی بر ارسال گزارش فعالیت های خود به مناسبت "هفته صلح"، تعدادی از گزارشات رسیده را برای درج در این شماره انتخاب کرده ایم، تا هم عموم مردم در جریان نحوه این قبیل فعالیت ها قرار گیرند و هم اینکه هسته های مقاومت در جریان شیوه ها و تاکتیک های سایر خواهران و برادران همزمانشان قرار گرفته و بر تجربیات خود بیفزایند.

* * *

سرکوبگر دستور داد تا در این هفته مراقب اوضاع باشند (متن بخشنامه و پیام های رادیویی (بسیم) دشمن در این رابطه، در "مجاهد" شماره ۱۸۷ چاپ گردید).

با آغاز "هفته صلح"، شعار "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی - زنده باد صلح و آزادی"، از طریق شعارنویسی روی درود یوار شهر و با پخش تراکت ها و اطلاعیه ها و... به درون جامعه سرازیر گردید و بویژه تقارن "هفته صلح" با سالگرد ملاقات تاریخی برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب نخست وزیر عراق که سرآغازی برای شکستن طلسم جنگ افروزی ها و کشورگشایی های خمینی بود، با زتاب وسیعی در میان مردم ایجاد نمود. به همین دلیل، ارگان های امنیتی و سرکوبگر رژیم که سعی می کردند برای جلوگیری از دامن زدن به مسئله و فاش ساختن فعالیت هسته های مقاومت، توسط خودشان، از صدور دستورات سرکوبگرانه و اختناق آمیز بطور علنی خودداری کنند، آخر الامر طاقت نیاورده و "کمیته مرکزی" ضد خلقی رژیم "به دنبال مشاهده حرکت های مذبحخانه ای عوامل ضدانقلاب"!! اطلاعیه ای صادر نمود

چنانچه اطلاع دارید، در تاریخ دهم دیماه سال جاری، ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران، با انتشار اطلاعیه ای، روزهای ۱۶ تا ۲۲ دیماه را "هفته صلح" اعلام نمود و خطاب به هسته های مقاومت و ملیشای قهرمان، خواستار شد تا در طول این هفته "به هر وسیله و با توسل به شیوه های متعدد و مختلف و با تمام امکانات، در هفته برگزاری فعالیت ها و اقدامات صلح، سیاست های جنگ افروزانه رژیم ضد بشری خمینی را افشا نموده و با گسترش هرچه بیشتر شعار محوری "مرگ بر خمینی - زنده باد صلح و آزادی" به وظیفه ای انقلابی و میهنی خود عمل نمایند."

به دنبال انتشار این اطلاعیه، هسته های مقاومت که تجربیات پرباری را در جریان فعالیت های تبلیغی - اجتماعی "هفته ملیشیا" اندوخته بودند، دست به فعالیت وسیعی زدند و پیام صلح و آزادی را در سرتاسر کشور گسترش داده و موج اجتماعی جدیدی را در مقابل تبلیغات جنگ طلبانه خمینی ایجاد نمودند. دشمن ضد بشری نیز بلافاصله دست بکار شد و از طریق بالاترین ارگان امنیتی خود، به کلیه ارگان های

* تهران:

هسته مقاومت...

"... بعد از شنیدن پیام، روز بعد، پس از انتخاب زمان مناسب، پیستوله ای رنگ را برداشته و به محل تعیین شده که در زیباشهر بود، رسیدیم و شعار "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی - زنده باد صلح و آزادی" را در محل های پررفت و آمد خیابان های اصلی، به تعداد ۵ عدد که هر کدام طولشان بیشتر از دو متر بود، نوشته و محل را ترک کردیم. روز بعد دوباره به محل مراجعه نمودیم و دیدیم شعارها هنوز سالم هستند، اما فردای روز دیگر ۲ تا از شعارها با رنگ قرمز کمی پاک شده بودند، ولی باز مضمون آنها معلوم بود. سپس به علت تمام شدن رنگ پیستوله و پیدا نکردن پیستوله ای دیگر، مجبور شدم برجسب خریدم و عملیات را بدین وسیله ادامه دهم. هر روز ۲۰ عدد تراکت که کلاً به ۱۱۰ عدد رسید. تراکت ها را در تلفن های عمومی مسیرهای بهبودی، شادمان، ستارخان و همچنین آیفون آپارتمان هایی که بیشتر از ۵ طبقه بودند و نیز در پارک شهر و مساجد بازار، که متن تمامی آنها همان شعار محوری بود، چسبانده شد. سپس در خیابان تهران نو، در محلی که یک مغازه ی حلیم فروشی وجود دارد و مشتریان صف طولی را تشکیل می دهند،

برخورد کردم. منتها چند لحظه از نوشتن می گذشت و من سعی کردم بطور عادی مسیر خودم را ادامه دهم. ماشین نیز پس از چند لحظه از محل دور شد. دو نفر دیگر نیز که مرا موقع نوشتن شعار دیدند، هیچ عکس العملی نشان ندادند. من سپس منطقه را ترک کردم. بعد دیوارهای مدرسه ی منطقه ی شهران بالاتر از زیباشهر انتخاب شد که در این منطقه با یک برادر شروع به شعار نوشتن کردیم و پس از اتمام کار، محل ترک شد. البته ناگفته نماند که ایادی رژیم در این مدرسه رنگ های مختلف و از پیش آماده شده دارند که به محض دیدن شعار فوراً آنرا رنگ می کنند. ضمناً یک مقدار برجسب در کادرهای بزرگتر تهیه کردم و روی آن به غیر از شعار محوری، شعارهای معلول و ۲ میلیون آواره" و "زنده باد طرح صلح شورای ملی مقاومت" را نوشتیم که بچسبانیم و یک مقدارش چسبیده شده، بقیه نیز چسبانده خواهد شد. ساعت های شعارنویسی بعداً گفته می شود. ضمناً این را هم بگویم که شعار نزدیک در ورودی بازار خیلی موثر بود. چون به دلیل تردد بسیار زیاد، انبوه کثیری از مردم آن را مشاهده کرده اند که مراجعین شهرستانی بازار و کارگران بازار عمده ترین گروه می باشند. لازم به توضیح است بقیه در صفحه ۲۷

قسمت های آنرا، بلکه تکه تکه، که این مسئله مخصوصاً برای کسانی که هر روز از آنجا عبور می کنند، منظره ی سوال انگیزی درست کرده است. روزهای بعد، محل مدارس راهنمایی و نظری زیباشهر را انتخاب کردیم. در ساعت مقرر به محل رسیدیم و تمامی دیوار ۳ مدرسه، پر از شعار شد؛ همچنین دیواری که رژیم با رنگ زرد برای نوشتن شعارهای ارتجاعی خودش تمیز کرده بود. روی آن شعار محوری

خیابان اسکندری را پیاده رفتیم. بعداً به طرف پارک شهر رفتیم و در محل های مناسب پارک، شعارهای دیگری نوشتیم. در رابطه با شعار نوشته شده در بازار، چند ساعتی سالم بود و تنها روی کلمه ی خمینی و رجوی خط کشیده شده بود، پس از یک ساعت دیگر، باز مراجعه کردم، دیدم رنگ روی تمامی شعارها زده شده، اما باز هم خواننده می شوند و کلمه ی "صلح و آزادی" نیز باقی مانده بود

دیوارش را انتخاب کردم و شعار را با پیستوله نوشتم که پس از چند ساعت یعنی بعد از خاتمه ی صف حلیم، روی شعار رنگ خورده بود و شعار "جنگ، جنگ..." نوشته شده بود. در همان روز به دیوار یک دکان بقالی در خیابان مذکور شعاری به طول بیش از ۲ متر نوشته شد که ۴۸ ساعت سالم روی دیوار مانده بود. ناگفته نماند که روبروی همان بقالی، مدرسه ی خصوصی نیز هست و مردم جهت گرفتن شیر صف می بندند. در مدتی که برجسب ها را می چسباندم، چند نفری مرا دیدند و با برخورد های رضایت آمیز خود، از اقدام من استقبال کردند. حتی زمانی که من محل را ترک کردم و در گوشه ای پنهان شده و منتظر اتفاقی بودم، دیدم یکی از آنها به طرف دیوار رفت و به شعارها خیره شد و بعد با تبسم و خوشحالی به راهش ادامه داد. در مرحله ی بعد پیستوله ای را به رنگ مشکی تهیه کردم و محلی از کوجه های بازار را که واقعا پررفت و آمدترین کوجه هاست، انتخاب کرده و در ساعت مقرر به محل رسیدیم. ۲ شعار در محل انتخابی به طول بیش از ۲ متر نوشته و محل را ترک کردم. سپس به خیابان جمال زاده رفته و روی جمعیه های انشعاب تلفن، شعار دیگری نوشتم. سپس رفتم به طرف خیابان اسکندری و روی ماشین شهرداری باز شعار دیگری نوشتم. البته مسیر جمال زاده تا



نمونه ای از تراکت های تکثیر و پخش شده توسط هسته های مقاومت مجاهد شهید وحیده پیرایش در تهران

سازمان را با رنگ مشکی نوشته و محل را ترک کردم. در ادامه ی کار، بعد از پل ستارخان در خیابان اصلی، عملیات نوشتن شعار را شروع کردم و در محل های پررفت و آمد، بر روی جمعیه های انشعاب تلفن ها و حتی بر روی پایه های پل پیاده روی ستارخان، شعار نوشتم. سپس در خیابان شادمان و خیابان آذربایجان که جمعاً بطور نسبی تعداد شعارها به ۳۰ عدد در این مسیرها رسید. در این مسیر، به یک ماشین گشت

که فردای همان روز عوامل رژیم طاقت نیاورده، پوسترهائی را روی شعارها چسبانند، اما چون پوسترهائی ارتجاعی تمامی طول شعارها را نپوشانده است، مردمی که رفت و آمد می کنند، با یک نگاه و با پیگیری کنجکاوانه، شعار را تشخیص می دهند. مزدوران رژیم برای عادی تر جلوه دادن رنگ دیوار، حتی روی شعار دیگری که خود رژیم برای کارگران از قدیم نوشته بود، نیز رنگ زده اند. البته نه تمام

مختصری از زندگی و فعالیت های مبارزاتی شخصیت محبوب و مبارز عشایر فارس، الله قلی خان جهانگیری

دیگری نیز از سوی مزدوران رژیم در تاریخ ۲۶/دیماه به کوههای اطراف نورآباد ممسنی صورت گرفت. در جریان این حملات علاوه بر نیروهای سپاه در منطقه، مزدوران کمیتته مرکزی و گروه عملیاتی دادستانی تهران نیز مستقیماً شرکت داشتند. سرانجام طبق اطلاعیهی منتشره از سوی باصطلاح دادستانی رژیم خمینی در مورد شهادت مبارز دلیر عشایر الله قلی خان جهانگیری، مشخص شد که او طی درگیری هائی که در روز ۲۵ بهمن بوقوع پیوسته، به شهادت رسیده است. قسمت هائی از اطلاعیهی دادستانی ضدانقلاب به شرح زیر است:

"در موقعیتی که صدام جنایتکار دست به تهدیدات مذبحخانه جهت بمباران مناطق غیرنظامی می زند باقی مانده ی گروهک های شکست خورده نیز همسو و هم جهت با این نوکر سرسپرده ی استکبار جهانی دست به دست هم داده تا به خیال خام خویش مناطقی از میهن اسلامی مان را ناامن سازند، غافل از اینکه خداوند در کمین تبهکاران است. دادستانی انقلاب اسلامی تهران براساس یک نفوذ حساب شده از مدتها قبل عده ای از این عوامل فراری که در شهرها و کوهستانهای مناطق فارس و کهگیلویه و بویراحمد و اصفهان به گشتار عشایر غیور و مسلمان و نیز غارت و چپاول محرومترین اقشار این منطقه مشغول بوده و درصدد تحقق بخشیدن به اهداف شوم و خائنانه ی اربابان جهانخوار خود در جبهه ی داخلی بودند را شناسائی و در سه مرحله به این شرح با همکاری برادران جان برکف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و کمیتته مرکزی انقلاب اسلامی، تشکیلات آنان را بگلی منهدم، عده ای از آنان را دستگیر و سران ایشان را به درگ واصل کرد. در تاریخ اول آذرماه/۶۲، سه لانه ی تیمی منافقین در شهرستان یاسوج مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد که مرکز تدارکات کوهستان این گروهک بود، پس از درگیری مسلحانه به تصرف برادران ایثارگر کمیتته مرکزی انقلاب اسلامی و گروه عملیاتی دادستانی انقلاب اسلامی تهران درآمد و طی آن دو تن از اعضای منافقین بهلاکت رسیده و ۵ نفر از آنان دستگیر شدند. در تاریخ

بقیه از صفحه ۹

به رزمندگان مجاهد خلق و در اختیار گذاشتن کلیه ی امکانات خود دربرنجند. کلیشه ی این پیام را که سال گذشته در نشریه ی شماره ی ۵۸ اتحادیه ی انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور مورخ ۲۳/مهر/۶۱ به چاپ رسیده است، در همین شماره ملاحظه می کنید.

از آن پس الله قلی خان و یارانش در کنار خواهران و برادران مجاهد خود در کوهستانهای اطراف این منطقه مستقر شده و همگام با مقاومت عادلانه و سراسری خلق درزنجیرمان به مقاومت و نبرد برعلیه رژیم جنایتکار خمینی برخاستند. در اوایل سال ۶۱ نیز ۱۲ تن از زندانیان مجاهد که موفق شده بودند از دست دژخیمان خمینی در زندان کازرون بگریزند، در کوه به همرزمان نشان پیوستند. از جمله عملیات مسلحانه ی مشترکی که از بهار سال ۶۱ به بعد در این منطقه انجام شده، می توان به موارد زیر اشاره نمود: عملیات کمین گذاری در منطقه ی مهور میلانی (فروردین ۶۱)، عملیات کمین در اردگان فارس (خرداد ۶۱)، عملیات در جاده ی نورآباد - کازرون (آذرماه ۶۱)، درگیری در تپه های مهور نورآباد (فروردین ۶۲) و ... که طی آنها دهها مزدور دشمن بهلاکت رسیدند و تنی چند از خواهران و برادران مجاهد از جمله مجاهدین شهید: بهروز نقدیانی (هدایت) و محمود اخوت (ابراهیم) و مجید نیکنام (امان) در کنار عشایر غیور و شرافتمند جان باختند.

روز نهم دیماه سال جاری سه پایگاه که نقش پشت جبهه ی تدارکاتی و ارتباطی برای رزمندگان مستقر در کوه را داشتند، در شهر یاسوج مورد حمله ی مزدوران رژیم قرار گرفتند. طی نبرد و مقاومت قهرمانانه ی مجاهدین در برابر پاسداران ظلمت و تباهی، دو تن از خواهران مجاهد بنام های منیژه و پروین (مریم شهکلاهی) پس از ساعت ها مقاومت، به شهادت رسیدند. خبر این درگیری در ستون پاسخ به نامه های رسیده در نشریه ی مجاهد شماره ی ۱۸۶، مورخ ۲۲/دیماه ۶۲ درج گردید. بدنبال این درگیری، حملات

پیام برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت شهادت شخصیت برجسته عشایری ایران

الله قلی خان جهانگیری

بقیه از صفحه ۹

موجود حاکی از انهدام شمار کثیری از آنان نیز هست. همچنین در تاریخ ۹/دیماه گذشته، سه پایگاه پشت جبهه ی مجاهدین مستقر در کوهستانهای فارس در شهر یاسوج مورد تهاجم مزدوران رژیم قرار گرفت که در یکی از این پایگاهها، دو بانوی قهرمان مجاهد پس از ساعت ها درگیری مسلحانه با مزدوران خمینی و بهلاکت رساندن تعدادی از آنان بشهادت رسیدند. یکی از این خواهران قهرمان بر حسب گزارشی که اخیراً دریافت کرده ام، مریم شهکلاهی (پروین) نام داشت که تمامی زندگی خود را وقف آرمان های رهائی بخش مردم و مجاهدین خلق ایران کرده بود.

به این ترتیب اگر سرخ و خونین مقاومت انقلابی، همگی شهرها و روستاها و جنگل ها و دشت ها و کوهستان های میهن را پیوسته شعله ور می سازد. حال بگذارید خمینی و دادستانی ضدانقلابی اش چنانکه دیشب کردند، پرونده ی درگیری های گذشته ی خود با نیروهای خلق را از نو باز نموده و با مسکوت گذاشتن تلفات خود، هر چه می خواهند قدرت نمائی کنند. چه کسی نمی داند که خمینی

بدینوسیله مذبحخانه تلاش می کند تا درقبال ابتکارات صلح آمیز ما مبنی بر قطع بمباران غیرنظامیان در جنگ ایران و عراق که استقبال و حمایت قاطع مردم را در سراسر کشور برانگیخته و رژیم را قویا منزوی و در بن بست قرار داده است، تحت الشعاع قرار بدهد.

اما ما همچون شهید الله قلی خان جهانگیری تکرار می کنیم که: "مرتجعین مزدور و بی وطن که همچون خفاشان، کشوری تاریک می خواهند تا در مفاک خویش اندیشه های قرون وسطائی شان را همچون تار عنکبوت بگسترانند؛ از نور و آگاهی در وحشتند، بدین خاطر است که تاریخ اندیشان حاکم با مغزهای علیل و امیال حقیر، مذبحخانه در تلاش آندند تا با دست های کوچک، جلوی طلوع خورشید حقیقت را بر سرزمین مقدس ما بگیرند. اما غافل از آنند که تاریخ حکم نابودی شان را بدست توده های میلیونی ایران صادر کرده است..."

مرگ بر خمینی
سلام به شهدای بی خون خفته ی
مقاومت عادلانه ی
عشایر دلیر ایران
زنده باد صلح و آزادی
مسعود رجوی
۳۰/بهمن/۶۲

شهادت قدرت فضلی
عضو دفتر سیاسی و کمیته مرکزی
حزب کار ایران در زیر شکنجه

حزب کار ایران در اطلاعیه ای که به تاریخ بهمن ماه ۶۲ انتشار داده و نسخه ای از آنرا نیز برای "مجاهد" ارسال داشته است، خبر شهادت "قدرت فضلی" عضو کمیته مرکزی و عضو دفتر سیاسی حزب کار ایران را منتشر ساخته است. براساس این اطلاعیه، "قدرت فضلی" که مسئول شاخه ی گیلان و مازندران حزب بود، در زمان رژیم گذشته نیز مدتی به خاطر مبارزات خود در زندان های شاه بسر برده و تحت شکنجه قرار گرفته بود. رزمنده ی شهید "قدرت فضلی" یکسال قبل توسط مزدوران خمینی دستگیر و پس از تحمل شکنجه های فراوان، عاقبت در دی ماه گذشته در زیر شکنجه به شهادت می رسد. برادر شهید "قدرت فضلی" بنام "داریوش فضلی" نیز در شهریورماه گذشته توسط دژخیمان خمینی به دار آویخته شد.

بی تردید شهادت قهرمانانه ی مبارز دلیر، الله قلی خان جهانگیری و دیگر عشایر غیور در کنار رزمندگان دلیر مجاهد خلق، یکی دیگر از جلوه های پرفروغ مقاومت سراسری خلق ماست که اینک شعله های سرکش آن در هر گوشه و کنار این میهن و در کوه و شهر و جنگل و گردستان، در همه جا زبانه کشیده است و لذا بی جهت نیست که رژیم خمینی در شرایطی که بدنبال ابتکار صلح آمیز برادر مجاهد مسعود رجوی در جهت قطع بمباران غیرنظامیان در جنگ و استقبال عمومی از شعارهای صلح خواهانه، در انزوا و بن بست کامل قرار گرفته است، چاره ای جز دست زدن به تبلیغات مسخره و ادعای نابودی و سرکوبی نیروهای مقاومت در گوشه ای از این میهن خونبار (کوهستانهای فارس) نیافته است.

شهادت مبارز دلیر الله قلی خان جهانگیری جز بر عزم استوار تمامی عشایر غیور فارس که سالها از نزدیک شاهد تلاش بی امان او در جهت احقاق حقوق از دست رفته شان بودند، نخواهد افزود و مقاومت عادلانه ی عشایر دلیر ایران همگام با مقاومت عادلانه و سراسری خلق به پیشتازی فرزندان مجاهدش، بنیان ظلم و جور خمینی جلاد را از این میهن برخواهد افکند و آن روز صلح، آزادی و استقلال و آبادی به این میهن خونبار باز خواهد گشت.

یاد مبارز دلیر عشایر
الله قلی خان جهانگیری
گرامی باد

برخی از پیام‌ها و اطلاعیه‌های نیروها و جمعیت‌های مبارز ایرانی بمناسبت بزرگداشت دومین سالگرد عاشورای مجاهدین

پیام حزب کار ایران (توفان)

یاد مجاهدان حماسه‌آفرین ۱۹ بهمن ۶۰ را گرامی می‌داریم! به سازمان مجاهدین خلق و به آقای مسعود رجوی مسئول اول سازمان بنام خلق ایران و بنام شهدای راه آزادی و استقلال دومین سالگرد شهادت مجاهدین خلق، موسی خیابانی، اشرف ربیعی (رجوی) آذر رضائی (خیابانی) و... را که نمونه‌های بارز از مقاومت انقلابی تاریخ میهن خونبار ما می‌باشند، به شما و از طریق شما به سازمان مجاهدین خلق ایران تسلیت می‌گوئیم. سیل خروشان هر انقلابی که با خون سرخ و پاک بهترین انقلابیون همراه است، بی‌شک بهترین ضامن پیروزی محتوم انقلاب بوده و تا این جانفشانی‌ها نباشد، نهال انقلاب نیز بارور نخواهد شد.

آقای رجوی! ما در دورانی زندگی می‌کنیم که دورانی قهرمانی‌های بی‌سابقه، اعم از قهرمانی‌های جمعی و فردی، دوران شکفتگی بی‌سابقه‌ی بهترین خصائل انسانی و دوران انسان‌های نوین است. در این دوران ستارگان پرفروغی بر آسمان جنبش‌های انقلابی جهان می‌درخشند که بهترین الهام‌بخش و بهترین رهنمون توده‌های رنج و کار در جهان ظلمانی بوده و منادی صبح پیروزی خلق‌اند. یاران شما که در این نبرد بزرگ، لرزه بر بکر بوسیده‌ی ارتجاع افکنده‌اند، از آن جمله‌اند.

با ایمان به سرنگونی جلادان حاکم و با ایمان به پیروزی شورای ملی مقاومت چینگر
۶۲/۱۱/۱۷

پیام سازمان فارغ التحصیلان ایرانی متعهد و دمکراتیک در آلمان فدرال

به سازمان مجاهدین خلق ایران

بمناسبت دومین سالگرد شهدای ۱۹ بهمن

زینون فرار دارد و خمینی جلاد او را مجبور کرد که برای استقرار صلح و آزادی و حاکمیت ملی دست به سلاح ببرد، نتیجه‌ی نبرد روز ۱۹ بهمن نیز مشخص بود، مجاهدین تا آخرین گلوله جنگیدند و شماری از عوامل سرکوب رژیم را به هلاکت رساندند. در آخر صحنه، اجساد پاک ۲۰ مجاهد خلق و شرف و عزت برای خلق قهرمان ایران و ننگ و نفرت برای رژیم خمینی برجای ماند. در بین شهدا، مجاهد کبیر موسی خیابانی که چون کوه پایدار و مقاوم بر علیه دو نظام ارتجاعی تاریخ ایران جنگیده بود همچنین اشرف ربیعی سمبل زن انقلابی، زنی که مقام ویژه‌اش تنها در نبرد تاریخی علیه ارتجاع و امپریالیسم تعیین می‌شود، قرار داشتند.

بعد از نشان دادن اجساد شهدا در تلویزیون ارتجاع، به گفته‌ی شاهدان عینی، مردم سراسر ایران یکپارچه به خاطر شهدای مجاهدشان به سوگ نشستند. رژیم خمینی که با ضربات پیاپی اولیه‌ی مقاومت به کلی بی‌آینده شده بود، شهادت موسی و یارانش را به حساب پیروزی بزرگی برای خود تلقی کرد، غافل از اینکه ارمغان شهادت آنها تقویت عزم و اراده‌ی هم‌زمانشان در سرنگونی رژیم خمینی است؛ گرچه رژیم خمینی دو ضربه به مجاهدین در بهمن ۶۰ و اردیبهشت ۶۱ زد، ولی بعد از آن معادله‌ی تعادل قوا با گسترش و سازماندهی نیروهای مقاومت و افت نیروهای سرکوب رژیم همراه بود. کلیه‌ی طرح‌های سرکوب رژیم در ضربه زدن به مقاومت عقیم ماند و خمینی در ادامه‌ی رسالت سلفش شاه خائن، ناموفق و ذلیل ماند.

برای ما فارغ التحصیلان، سازمان مجاهدین به عنوان یک گنجینه‌ی ملی بوده و مطمئن هستیم که روز ۱۹ بهمن، روز شهادت مجاهد کبیر موسی خیابانی و یارانش در تارک

مبارزه را بردوش دارید، تقدیم می‌نمائیم. دو سال پیش در چنین روزی شهادت سردارمان موسی و خواهر شهیدمان اشرف، اوراق خونین دفتر انقلاب نوین خلق ایران را ورق زد و آنرا به گونه‌ای وارسته، در لوح و ضمیر تک‌تک انسان‌های آزاده‌ی جهان نقش خواهد بست. این روز افتخار آفرین در حقیقت مبشر آزادی و زندگی خلق در بندگی است که نگهبانان شرف، مقاومت، آزادی و تمامی ارزش‌های والای انقلاب نوپایش اینگونه عاشقانه خود را فدیه‌ی رهائی و آزادی می‌نمایند و یکبار دیگر در ناقوس وجدان بشر طنین‌انداز خروش پرتوان مقاومتی پایدار و سترگ در مقابل رژیم غرقه به خون خمینی ضد بشر می‌شوند، مقاومتی عادلانه و مشروع در میدانی که مبارزین مجاهدش برآنند که موسی‌گونه بنای کاخ ظلم و تزویر فرعون زمان را با چنگ و دندان هم که شده از بن

برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده‌ی عالی سیاسی- نظامی سازمان مجاهدین خلق ایران زین آتش نهفته که در سینه‌ی منست خورشید شعله‌ایست که در آسمان گرفت "حافظ" دو سال از شهادت قهرمانانه‌ی بزرگ‌ترین پرچمداران آزادی و آزادی‌گویی خلق دلیرمان مجاهد شهید سردار خلق موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف ربیعی و دیگر شهدای به خون خفته‌ی ارجمندی همچون آذر رضائی و شماری دیگر از فرماندهان و رزمندگان مجاهد در آن صحنه‌ی باشکوه دوران ساز تاریخی نوع انسان با دشمنان ضد بشرش به سرگردگی خمینی دجال گذشت. به همین مناسبت صمیمانه‌ترین و گرم‌ترین درودهای انقلاب را به پیشگاه خلق قهرمان ایران و خصوصا شما برادر مجاهد که مسئولیت این دوران سازترین و باشکوه‌ترین و حماسه‌سازترین

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با سلام‌های صمیمانه و انقلابی و درود به همه‌ی شهدای مجاهد و مبارز دو سال پیش در چنین روزی جنگی خونین و نابرابر بین عوامل خمینی جلاد و ۲۰ تن از مجاهدین در گرفت، جنگی که در یک طرف عفریتی چون خمینی جلاد، سمبل شقاوت، جنایت، دناوت و دجالگری و در طرف دیگر مجاهد خلق مبشر صلح و آزادی قرار داشت. مجاهدی که در کنار شعله‌های آتش لوله‌ی سلاحش، شاخه‌ی

پیام کانون فارغ التحصیلان و متخصصین ایرانی در بریتانیا (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)

برکنند. آنان رسالت تاریخی- انقلابی‌شان را به انجام رساندند و ما اکنون رهروانی هستیم که قاصد آرمان‌های مقدس انقلابی آنان می‌باشیم. ما متخصصین و فارغ التحصیلان وظیفه‌ی خود می‌دانیم که این روز تاریخی بزرگ را، هر چه بیشتر گرامی بداریم و یکبار دیگر در مقابل خلق خود تجدید عهد می‌کنیم که ما هر چه در توان داریم برای نابودی و سرنگونی رژیم ضد بشری خمینی و برقراری تنها آلترناتیو دمکراتیک انقلابی تلاش بورزیم، زیرا که می‌دانیم و ایمان داریم همانطوری که شما بارها تاکید نموده‌اید: "خمینی رفتنی است و خلق ماندنی".

با درود به شهدای ۱۹ بهمن و آرزوی توفیق و پیروزی

کانون فارغ التحصیلان و متخصصین ایرانی در بریتانیا هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران

پیام

کانون فارغ التحصیلان و متخصصین ایرانی در بریتانیا (هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران)

برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده‌ی عالی سیاسی- نظامی سازمان مجاهدین خلق ایران زین آتش نهفته که در سینه‌ی منست خورشید شعله‌ایست که در آسمان گرفت "حافظ" دو سال از شهادت قهرمانانه‌ی بزرگ‌ترین پرچمداران آزادی و آزادی‌گویی خلق دلیرمان مجاهد شهید سردار خلق موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف ربیعی و دیگر شهدای به خون خفته‌ی ارجمندی همچون آذر رضائی و شماری دیگر از فرماندهان و رزمندگان مجاهد در آن صحنه‌ی باشکوه دوران ساز تاریخی نوع انسان با دشمنان ضد بشرش به سرگردگی خمینی دجال گذشت. به همین مناسبت صمیمانه‌ترین و گرم‌ترین درودهای انقلاب را به پیشگاه خلق قهرمان ایران و خصوصا شما برادر مجاهد که مسئولیت این دوران سازترین و باشکوه‌ترین و حماسه‌سازترین

برادر مجاهد مسعود رجوی فرمانده‌ی عالی سیاسی- نظامی سازمان مجاهدین خلق ایران زین آتش نهفته که در سینه‌ی منست خورشید شعله‌ایست که در آسمان گرفت "حافظ" دو سال از شهادت قهرمانانه‌ی بزرگ‌ترین پرچمداران آزادی و آزادی‌گویی خلق دلیرمان مجاهد شهید سردار خلق موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد شهید اشرف ربیعی و دیگر شهدای به خون خفته‌ی ارجمندی همچون آذر رضائی و شماری دیگر از فرماندهان و رزمندگان مجاهد در آن صحنه‌ی باشکوه دوران ساز تاریخی نوع انسان با دشمنان ضد بشرش به سرگردگی خمینی دجال گذشت. به همین مناسبت صمیمانه‌ترین و گرم‌ترین درودهای انقلاب را به پیشگاه خلق قهرمان ایران و خصوصا شما برادر مجاهد که مسئولیت این دوران سازترین و باشکوه‌ترین و حماسه‌سازترین

بازتاب مراسم بزرگداشت دومین سالگرد عاشورای مجاهدین در مطبوعات کشورهای مختلف جهان

همانطور که اطلاع دارید مراسم بزرگداشت دومین سالگرد ۱۹ بهمن (عاشورای مجاهدین) و تظاهراتی که به همین مناسبت در کشورهای مختلف جهان برگزار شد، انعکاس بسیار گسترده‌ای در مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های کشورهای مختلف داشت. در شماره‌ی گذشته‌ی مجاهد ضمن گزارش این تظاهرات به گوشه‌هایی از انعکاسات آن نیز اشاره گردید. در این شماره فشرده‌ای از انعکاسات این تظاهرات در مطبوعات جهان از نظر آنان می‌گذرد:

آلمان

بسیاری از روزنامه‌های آلمانی مانند گنزال آنسایگر-PPP - فرانکفورتر آلتگماینه - دی تاگس سایتونگ و... اخبار و گزارشات و عکس‌های مختلفی پیرامون تظاهرات و راهپیمایی اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان به مناسبت دومین سالروز عاشورای مجاهدین در شهرهای مختلف و بخصوص بُن و برلین درج کرده‌اند.

روزنامه‌ی "دی تاگس سایتونگ" در این رابطه می‌نویسد:

Freitag, 10.2. 84

die tageszeitung

Internationaler Aktionstag Demonstrationen gegen Khomeini

روز آکسیون بین‌المللی تظاهرات علیه خمینی

پیش به همراه ۱۸ نفر دیگر از اعضای سازمان کشته شدند. در پایان تجمع، سخنرانان خواستار قطع روابط سیاسی و اقتصادی با رژیم خمینی و حمایت از مقاومت ایران بودند. براساس یک بیانیه‌ی مجاهدین خلق، تظاهرات مشابهی در همان روز در ۱۲ کشور دیگر نیز انجام گرفته است.

روز چهارشنبه بعدازظهر حدود ۵۰۰ نفر که عمدتاً ایرانی بودند، در داخل شهر بُن علیه رژیم خمینی به تظاهرات پرداختند. شرکت‌کنندگان در مرگ ۲ نفر از اعضای رهبری - کننده‌ی ایوب‌سیون مجاهدین خلق، موسی خیابانی و اشرف ربیعی را گرامی داشتند. آنها ۲ سال

کویت

روزنامه‌ی کویتی‌السیاسه نیز به درج خبر برگزاری تظاهرات در چندین پایتخت مهم دنیا پرداخته و می‌نویسد:

راهپیمایی‌های خشمگین ایرانیان در خارج بمناسبت سالگرد کشته شدن موسی خیابانی

گردهم آمده و از سازمان ملل خواستند که جهت پایان دادن به نقض حقوق بشر و اعدام و شکنجه در ایران اقدام کند. آنها همچنین خواستار تشکیل یک کمیسیون جهانی، جهت تحقیق و بررسی جنایات رژیم حاکم بر ایران شدند. در آلمان نیز حدود ۷۰۰ نفر از اعضای اتحادیه‌ی دانشجویان مسلمان (هواداران مجاهدین خلق) در برلین غربی و بُن تظاهراتی به مناسبت دومین سالگرد اعدام خانم اشرف ربیعی همسر رهبر سازمان مجاهدین آقای مسعود رجوی و معاون او، موسی خیابانی برگزار کردند. همچنین بعدازظهر دیروز صدها تن از شهروندان ایرانی مقیم اسپانیا به همین مناسبت به سوی یکی از خیابان‌های مادرید پایتخت اسپانیا شتافته و در راهپیمایی که به همین مناسبت علیه رژیم خمینی ترتیب یافته بود، شرکت کردند.

دیروز هزاران تن از طرفداران سازمان مجاهدین خلق ایران، برای محکوم کردن رژیم ایران در خیابان‌های اصلی پایتخت انگلیس دست به تظاهرات زدند. سخنگوی تظاهرکنندگان به خبرگزاری "واع" گفت که این راهپیمایی‌های اعتراضی به مناسبت دومین سالگرد کشته شدن "موسی خیابانی" فرماندهی هسته‌های مقاومت سازمان در داخل ایران بدست مقامات دولتی می‌باشد. همچنین صدها تن از دانشجویان ایرانی در هند در تظاهراتی که در دهلی‌نو برگزار گردیده بود، شرکت نمودند. این تظاهرات بخاطر محکوم کردن قتل‌عام‌ها و اعدام‌هایی که بدست رژیم ایران، صورت می‌گیرد بر پا شده بود. در پایان مسیر راهپیمایی، تظاهرکنندگان در جلوی مرکز اطلاعات وابسته به سازمان ملل متحد در پایتخت هند

EL PAIS,
viernes 10 de febrero
de 1984

اسپانیا

روزنامه‌ی اسپانیولی الپائیس که یکی از معروف‌ترین پرتیراژترین روزنامه‌های اسپانیاست، ضمن چاپ عکسی از تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان اسپانیا به مناسبت دومین سالگرد عاشورای مجاهدین چنین می‌نویسد:

مجاهدین بر علیه خمینی دست به اعتراض زدند



مجاهدین خلق جنبش چپ اسلامی که بوسیله‌ی دولت ایران ممنوع اعلام شده‌اند، روز چهارشنبه بمناسبت دومین سالگرد مرگ فرماندهی مقاومت در داخل ایران موسی خیابانی و اشرف ربیعی همسر مسعود رجوی که اکنون در فرانسه بسر می‌برد و هیجده تن دیگر از یاران آنان که در درگیری با نیروهای دولتی از پای درآمدند، در پایتخت‌های مختلف جهان تظاهراتی بر علیه خمینی ترتیب دادند. عکس فوق صحنه‌ای از تظاهرات مادرید را نشان می‌دهد که در آن سیمصد نفر، که اکثریتشان اتباع ایرانی بودند، شرکت جستند.

سوئیس

روزنامه‌های سوئیس که به سه زبان مختلف آلمانی، فرانسه و ایتالیایی منتشر می‌شوند، عمدتاً اخبار و گزارشات پیرامون تظاهرات دومین سالروز ۱۹/بهمن را منعکس نموده‌اند. منجمله روزنامه‌ی آلمانی زبان "نویه زوریخ سایتونگ" چنین می‌نویسد:

Neue Zürcher Zeitung

Donnerstag, 9. Februar 1984
پنجشنبه ۹ فوریه/۱۹۸۴

Demonstration gegen Khomeiny-Regime

تظاهرات علیه رژیم خمینی

به مناسبت دومین سالگرد کشته شدن دو تن از رهبران مقاومت ایران، هواداران مجاهدین خلق در زوریخ ایران در مبارزه علیه رژیم تظاهراتی برگزار کردند.

خمینی، آرزوی پیروزی نمود. او به عنوان یک سوسیالیست و یک سندیکالیست، همبستگی خودش را با تظاهرکنندگان اعلام کرد و با اشاره به آنان گفت: "تاریخ نشان می‌دهد که چنین کسانی پیروز می‌گردند، زیرا باطل در طول زمان نمی‌تواند پایدار بماند." روز ۸ فوریه، سالگرد کشته شدن موسی خیابانی، فرماندهی نظامی مقاومت علیه رژیم خمینی و نیز اشرف ربیعی سمبل زن مجاهد در ایران است. ۲ سال قبل این دو نفر به همراه گروه دیگری از رزمندگان مقاومت بدست گاردهای خمینی به قتل رسیدند. هر دوی آنها سال‌های زیادی علیه رژیم‌های شاه و خمینی مبارزه کرده بودند.

بازتاب مراسم بزرگداشت دو مین سالگرد عاشورای مجاهدین در مطبوعات کشورهای مختلف جهان

سوئد

آمریکا

THE NEW YORK
TIMES

FEBRUARY 9, 1984

Iran Resistance Group Holds Midtown Protest

روزنامه‌های نیویورک تایمز، لوس آنجلس تایمز، لوس آنجلس هرالد اکزمینر، دیلی نیوز، ایونینگ آوتلوک، آزیکا، واشنگتن تایمز، این دیز تایمز، شیکاگو سان تایمز، شیکاگو دیفندر، دیلی نیوز از جمله روزنامه‌ها و نشریات آمریکایی بودند که اقدام به درج اخبار گوناگونی پیرامون تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا در دو شهر نیویورک و لوس آنجلس به مناسبت ۱۹ بهمن نمودند. انعکاسات فوق علاوه بر مصاحبه‌ها و اخباری است که در همین رابطه از چندین رادیوی سراسری و منطقه‌ای پخش گردید.

روزنامه‌ی نیویورک تایمز در شماره‌ی ۹ فوریه‌ی خود در رابطه با تظاهرات نیویورک می‌نویسد:

نیویورک تایمز

۹ فوریه/۸۴ گروه مقاومت ایرانی در مرکز شهر تظاهرات برپا می‌کنند

پایان یافت. تظاهرکنندگان خواهان صلح و دمکراسی در ایران شده و تصویری را حمل می‌کردند که خمینی را به صورت یک خفاش خون‌آشام نشان می‌داد. تظاهرکنندگان وی را به عنوان "سمبل مرگ، جنگ و خرابی" به باد حمله گرفتند. پلیس متذکر شد که حدود ۴۰۰ نفر در این تظاهرات منظم شرکت داشتند. *

بن و وین برگزار شده است. این تظاهرات که در مانهاتن برگزار شده بود، در پارک برینانت واقع در خیابان ۴۲ غربی، کمی قبل از ظهر شروع شد و تظاهرکنندگان در مرکز شهر به حرکت درآمدند، در حالیکه این تظاهرات گاهی باعث بند آمدن خفیف ترافیک می‌شد. تظاهرات در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر با یک گروه‌مآبی در "داگهامرشولد پلازا" روبه‌روی مقر سازمان ملل

دیروز صدها تن از اعضاء و هواداران انجمن دانشجویان مسلمان در آمریکا و کانادا تظاهراتی به منظور اعتراض به رژیم آیت‌الله خمینی و نیز به منظور گرامیداشت خاطره‌ی موسی خیابانی و دیگر رهبران مقاومت که دو سال پیش در ایران کشته شدند، برپا داشتند. سخنگوی این گروه گفت که تظاهرات مشابهی در دیگر شهرها از جمله لندن، مونترال،

در سوئد بسیاری از نشریات و منجمله روزنامه‌های داگنزی‌هتر - استکهلمز تیدنینگ، سیدسونسکا‌داگ بلاوت، یوتد بوری تیدمینگ، اسمولنینگن به چاپ عکس و اخبار و مقالاتی پیرامون ۱۹ بهمن و تظاهراتی که به همین مناسبت در بسیاری از کشورهای جهان برپا شده بود، پرداختند. نشریه‌ی "داگنزی‌هتر" در شماره‌ی ۸ فوریه‌ی خود چنین می‌نویسد:

داگنزی‌هتر

DAGENS NYHETER

تاریخ: ۱۹۸۴/۲/۸

Bishop stöder motståndsrörelse

Världspötest mot Khomeini

امروز (چهارشنبه)

ایرانی هادرهمه نقاط جهان بر علیه رژیم خمینی

دست به تظاهرات می‌زنند

جنبش انقلابی مجاهدین که اکنون در پاریس در تبعید بسر می‌برد، امضا کرده است. در نامه‌ی مذکور "لارش کارلسون" همدردی و همبستگی خود را به مناسبت روز ۸ فوریه اعلام می‌کند. *

دروئد اسقف

LARS KARLSON

(لارش کارل سون) موضع روشنی به نفع جنبش مقاومت مجاهدین که بر علیه رژیم خمینی مبارزه‌ی مسلحانه می‌کند، اتخاذ کرده است. در دو سال پیش دو نفر از رهبران مهم مجاهدین در یک درگیری مسلحانه با پاسداران خمینی کشته شدند. این دو (موسی خیابانی و اشرف ربیعی) سمبل مقاومت گشته و روز مرگشان با تظاهرات گرامی داشته می‌شود. به همین مناسبت اسقف "لارش کارل سون" نامه‌ی خطاب به مسعود رجوی رهبر

نشریه‌ی "داگنزی‌هتر" در شماره‌ی روز بعد خود، ضمن چاپ عکسی از تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان در استکهلم چنین می‌نویسد:

DAGENS NYHETER

داگنزی‌هتر

تاریخ: ۱۹۸۴/۲/۹

اعتراض بر علیه خمینی

I protest mot Khomeini



سالگرد این روز در همه‌ی نقاط جهان بوسیله‌ی ایرانیانی که در تبعید بسر می‌برند، گرامی داشته شد. در تظاهراتی که در استکهلم بر علیه رژیم خمینی ترتیب یافته بود، تقریباً ۲۵۰ نفر شرکت داشتند. ۲۰ تن ایرانی با لباس‌های سفید در پیشاپیش حرکت می‌کردند. آنها بطور سمبلیک نشانگر آن تعداد از اعضاء مجاهدین بودند که دو سال پیش در تهران در یک نبرد مسلحانه با پاسداران خمینی کشته شدند. سالگرد این روز در سراسر جهان توسط ایرانیان در تبعید گرامی داشته شد.

•••

روزنامه‌ی لس‌آنجلس تایمز تظاهرات شهر لس‌آنجلس را چنین توصیف می‌کند:

Los Angeles Times

لس‌آنجلس تایمز

تاریخ: ۹ فوریه/۱۹۸۴

Thursday, February 9, 1984

خلق، گروهی که ۱۹ سال پیش در مخالفت با شاه ایران تشکیل شده، می‌باشند. این گروه در حال حاضر مخالف خمینی است و او را به خیانت به انقلابی که شاه را در سال ۱۹۷۹ سرنگون کرد، متهم می‌کند. سخنگوی انجمن دانشجویان مسلمان ایرانی که این تظاهرات را ترتیب داده بود، گفت این تظاهرات کمک می‌کند تا نشان دهیم که مقاومت بر علیه خمینی "زنده و در حال گسترش است"

حدود ۲۰۰ دانشجوی ایرانی و هواداران آنها در حالیکه شعار "مرگ بر خمینی" می‌دادند، در گرامیداشت ۳ تن از رهبران مقاومت ایران که دو سال پیش توسط پاسداران وفادار آیت‌الله خمینی کشته شدند، از "وست وود" به صورت مسالمت‌آمیز راهپیمایی کردند (تظاهرکنندگان توسط حداقل ۲۴ افسر پلیس سوار بر اسب از نزدیک کنترل می‌شدند). آنها هواداران سازمان مجاهدین

مراسم شورای ملی مقاومت بمناسبت پنجمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

به منظور بزرگداشت ۲۲ بهمن سالروز قیام پرشکوه خلق، از سوی نمایندگی‌های شورای ملی مقاومت، مراسمی در کشورهای مختلف جهان برگزار شد. زمان و مکان برگزاری مراسم قبلا طی اطلاعیه‌ی دبیرخانه‌ی شورای ملی مقاومت به آگاهی عموم رسیده بود.

کلیه‌ی مراسم مزبور با پخش سرودهای ملی و انقلابی آغاز گردید. سپس پیام‌های آقای بنی‌صدر و برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت قرائت شد و آنگاه نمایندگان شورا و سخنرانان دیگر، در رابطه با قیام ۲۲ بهمن و تداوم آن و تشریح مواضع و نقطه‌نظرات شورای ملی مقاومت پیرامون مسائل گوناگون

وطنمان به بحث و گفتگو پرداختند و در پایان مراسم برنامه‌ی پرسش و پاسخ برگزار گردید. این جلسات در روزهای ۲۰ تا ۳۰ بهمن در کشورهای انگلستان، ایتالیا، اسپانیا، آمریکا، یونان، آلمان و سوئد تشکیل شد که طی این شماره‌ی نشریه و شماره‌ی آینده گزارش‌های آن به نظر خوانندگان عزیز خواهد رسید.

لازم به یادآوری است به دلیل اعلام ممنوعیت هرگونه تظاهرات از سوی مقامات انتظامی فرانسه، انجام مراسم پاریس توسط دبیرخانه‌ی شورای ملی مقاومت طی اطلاعیه‌ی ملغی اعلام گردید و بدین ترتیب متأسفانه مراسم بزرگداشت سالگرد قیام ۲۲ بهمن در پاریس برگزار نشد.

ژاندارمری به هنگام هجوم به خانه‌های خارج از محدوده، مبارزه‌ی توده، مبارزه‌ی بود خودجوش و سازمان‌نیافته، و از همین رو ناهمگون و ناهماهنگ، پس به‌ناچار حداقل همگونی را از سنت "چهلیم" بیرون کشید. مبارزه‌اش را با دم‌دست‌ترین فرهنگ، یعنی فرهنگ اسلامی، گره زد. و

ظلم و ستم، بتدریج ولیکن مدام، به میدان آمدند. با شهادت و دلاوری به مقابل تانک‌ها و مسلسل‌های ارتش شاهنشاهی شتافتند، بانک‌ها، این مظاهراستعمار، ساختمان‌های حزب رستاخیز، این نشانه‌های استبداد و مراکز تجمع آمریکائیان، این نموده‌های سلطه‌ی بیگانه را به آتش

انگلستان

این برنامه در ساعت ۷ بعدازظهر روز ۲۰ بهمن ماه (۹ فوریه) در سالن بونیون دانشگاه لندن با شرکت عده‌ای از هموطنان ایرانی مقیم انگلیس آغاز گردید. هواداران گروه‌های مختلف سیاسی نیز در بیرون سالن برای ارائه‌ی نشریات و کتاب‌های خود به شرکت‌کنندگان میز گذاشته بودند. در آغاز برنامه آقای دکتر غلامحسین باقرزاده نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در انگلستان پیام‌های ۲۲ بهمن را قرائت کرد؛ سپس یک برنامه‌ی هنری موسیقی همراه با سرود و ترانه‌ی گردی توسط هنرمندان وابسته به انجمن دانشجویان مسلمان انگلستان اجرا شد و پس از آن آقای مهدی خانبا با تهرانی نماینده‌ی شورای ملی مقاومت در آلمان سخنرانی خود را تحت عنوان "از بهمن تا بهمن" آغاز نمود. آقای تهرانی ابتدا به تشریح وضعیت نیروی مردم در مقطع قیام و انگیزه‌هایی که آنها را به حرکت خواند پرداخت و افزود که به دلیل عدم حضور عنصر سازمان‌یافتگی بطور خودبخودی شبکه‌ی روحانیت در رأس جنبش قرار گرفت، ولی آنان که داعیه‌ی رهبری جنبش خلق را داشتند به جای تکیه به مردم و حرکت در جهت هدایت درست مبارزات آنان، از ابتدا مشغول زدو بند با قدرتهای بزرگ بودند تا آنها را به بودن شاه راضی کنند و قبل از اینکه رادیکالیزاسیون جنبش اوج گیرد و مهار انقلاب از دست آنان بیرون رود، به نوعی کنترلش کنند. در این مورد آقای تهرانی چنین گفت: "... در آن هنگام در یک سو توده‌های زحمتکش قرار داشتند. اینان با خشمی شعله‌ور گشته از درد و رنج، با نفرتی ریشه در جان دوانده از

نماینده‌ی می‌کردند، یکی بودند و سازمان‌یافته. چه به کمک باقیمانده‌های سازمان‌هایی چون جبهه‌ی ملی و نهضت آزادی و نظایرشان و چه به کمک قوی‌ترین شبکه‌ی سازمانی غیرنظامی موجود در کشور، یعنی مسجدها و منبرها. امری که به وزنی روحانیت سنگینی ویژه‌ای می‌بخشید. این رهبران هر یک عمری به انتظار چراغ سبز بارگاه کاخ سفیدنشینان سپری کرده بودند. اکنون هم بیشتر چشم امید بدان بارگاه دوخته بودند. آنها می‌خواستند ارباب اعظم دست از پشتیبانی شاه بردارد و پشتش را خالی کند. تمام مانورهایشان، تمام کوشش‌هایشان در خدمت این سیاست قرار داشت. آنها می‌خواستند "با" یا "بدون" شاه مستقیما با آمریکا به توافق برسند. پس، پیش و بیش از آنکه در فکر مبارزه باشند، در اندیشه‌ی مماشات بودند و این مشی آنها ثابت بود. از همین رو



گوشه‌ای از مراسم پنجمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران توسط شورای ملی مقاومت در انگلستان. آقای خانبا با تهرانی (نماینده‌ی شورا در آلمان) در حال سخنرانی در این مراسم

وقتی که توده‌ها به تعرض پرداختند، آنها را به آرامش دعوت می‌کردند و مقاومت منفی را توصیه می‌نمودند و آنگاه که تعرض توده‌ها تشدید شد، شعار "ارتش برادر ماست" را به گوششان خواندند. اگر زحمتکشان، مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه را نه تنها مبارزه‌ای علیه استبداد، که مبارزه علیه همه‌ی نموده‌های گوناگون استثمار نیز می‌دانستند، هرچند که این نه آگاهانه که غریزی بود، کوشش‌های رهبران، با نیت حفظ منافع طبقاتی‌شان

چنین شد که در چهلیم قم، تبریز بپا خاست و در چهلیم تبریز شهرهای دیگر یکی پس از دیگری. خیزش آنها در زمینه‌ای نسبتا مساعدتر از گذشته هم صورت می‌گرفت. واقعیت اینست که پیش از به میدان آمدن توده‌ها - و البته به صورت توده‌ای و تعرضی - "رهبران" به علت فعل و انفعالاتی که در "بالا" صورت گرفته بود، به عرصه‌ی سیاست قدم‌رنجه فرموده بودند. آنها اگرچه دو جریان را

کشیدند جنگیدند و شهید دادند، ولی از پای ننشستند. سیل توفنده‌ای که خود به راه انداخته بودند، آنان را نیز با خود می‌برد. مردم به پیکاری ادامه می‌دادند که نزدیک‌ترین نمودهایش هنوز در یادها زنده بود: حماسه‌ی نبرد خونین فدائیان و مجاهدین خلق و سایر نیروهای رادیکال در برابر دیکتاتوری سلطنتی و امپریالیسم آمریکا و مقاومت دلاورانه‌ی تهیدستان در قبال بولدوزرها و چماق‌بدستان شهرداری و مسلسل بدستان شهربانی و

آگاهانه صورت می‌گرفت. آنها در اندیشه‌ی منافع سرمایه بودند و نه استقلال و آزادی ایران و جز این نمی‌توانستند. پس به سرمایه‌داران داخلی قول روزهای بهتر می‌دادند و به سرمایه‌گذاران خارجی قول امنیت و آرامش و حفظ "منافع مشروع" شان را.

اگر اشکال مبارزه‌ی زحمتکش و روشنفکران برخاسته از امید به فردائی غاری از زور و ستم، غاری از استثمار و فقر بود، اشکال مبارزه‌ی اینان را منافع طبقاتی‌شان با عقب‌ماندگی تاریخی‌شان دیکته می‌کرد. پس اگر توده‌ها بی‌پروا و دلاورانه می‌جنگیدند و برای بدست آوردن فردا از سخت‌ترین پیکارها و نابرابرترین مقابله‌ها نمی‌هراسیدند، رهبران اگرچه مایل به دستیابی به فردائی بهتر بودند، قصد از دست دادن امروز را هم نداشتند. امروز که به هر رو به گونه‌ای مطبوع داشتندش، پس شیوه‌های مبارزه‌ی را می‌پسندیدند که بی‌خطر باشد. و چه مبارزه‌ی کم‌خطرتر از مذاکره کردن. توده‌ها خطر می‌کردند و در خطر می‌افتادند و اینان اغلب خطر کردن توده‌ها را هم خطرناک می‌دانستند. پس همواره دنباله‌رو توده‌ها بودند. نام هر کدامشان را که ببرید فرقی نمی‌کند. آیات عظام قم و مشهد، بهشتی و رفسنجانی، خامنه‌ای، موسوی اردبیلی و مطهری، بازرگان و سبحانی، صدر حاج سیدجوادی یا یزدی، اینان همه در آن زمان یکدست بودند و یکرنگ

آقای تهرانی آنگاه به بررسی اردوگاه دشمن (شاه و اعوان و انصارش) در ماههای قبل از قیام پرداخت و مانورهای "تغییر دولت"، "فضای باز سیاسی" و "حکومت نظامی" را تشریح کرد که "هیچکدام کار ساز نبودند و نمی‌توانستند سدی در برابر حرکت توفنده‌ی خلق ایجاد نمایند. امپریالیسم نیز چون دریافت که دیگر شاه نمی‌تواند در درازمدت منافع او را تامین نماید، سعی کرد از یک طرف هر مهره‌ای را وارد کارزار کند و از طرف دیگر تز "گذار سلامت‌آمیز" را مورد پذیرش قرار داد، تزی که اساسا هیچ تضادی با خواست‌های خمینی و روحانیون دیگر و سایر به‌ظاهر "رهبران" نداشت و مورد قبول آنان نیز

مراسم شورای ملی مقاومت بمناسبت پنجمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

ایتالیا

مراسم شرکت کرده بود، ابتدا این نکته را یادآوری کرد که: "به جا می بود این شعرخوانی را با شری که به یاد موسی خیابانی سروده ام آغاز کنم. بدبختانه آن شعر در اختیار من نیست و به من نرسیده، اما شهیدان بسیار بزرگ و بزرگوار دیگری داشته ایم در راستای انقلاب ایران. برخی از شعرهایی که در آغاز برایتان خواهم خواند درباره ی این بزرگ مردان است" وی سپس تعدادی از اشعار سروده ی خویش را خواند که مورد استقبال حضار قرار گرفت و با کفزدن های ممتد همراه بود (قطعه های از این اشعار در همیس شماره ی نشریه چاپ شده است).

آنگاه برادر مجاهد محمدعلی جابرزاده سخنان خود را که، اساساً در رابطه با تشریح موقعیت مجاهدین و مقاومت سراسری و نیز وضعیت رژیم در مانده ی خمینی بود آغاز کرد و ضمن آن به پاسخگوئی به سوالاتی که در این رابطه مطرح است پرداخت.

در آغاز سخنران، این نکته را یادآور شد که گرچه موضوع سخنرانی مستقیماً به شورای ملی مقاومت و ۲۲ بهمن مربوط

عکس شهدای ۱۹ بهمن مجاهدین و نمایشگاهی از فعالیت اتحادیه ی انجمن های دانشجویان مسلمان توسط انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا، ترتیب یافته بود. هواداران سایر گروه های سیاسی نیز میز کتاب و نشریه و... گذاشته بودند.

ابتدا آقای دکتر هزارخانی، پس از خوشامدگوئی به شرکت کنندگان، به ضرورت بزرگداشت چنین روزی اشاره کرد و تأکید نمود که در شرایطی که ضدانقلاب غالب و مغلوب هر یک در رابطه با ۲۲ بهمن به تبلیغات سوء و عوامفریبی های خود پرداخته اند، وظیفه ی ماست که این روز را هر چه باشکوه تر گرامی بداریم. پس از آن به یاد شهدای بهمن ماه: سردار کبیر خلق موسی خیابانی، سبیل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی، خسرو گل سرخی، کرامت الله دانشیان، شهدای سیاهکل، شهدای سربدارو... یک دقیقه اعلام سکوت نمود.

سپس پیامها قرائت گردید و آنگاه آقای دکتر اسماعیل خوئی شاعر مبارز و متعهد که بنا به دعوت نمایندگی شورای ملی مقاومت در ایتالیا در

در ایتالیا علاوه بر مراسمی که برای هموطنان ایرانی مقیم آن کشور ترتیب یافته بود، مراسمی نیز با شرکت شخصیت های سیاسی، نمایندگان احزاب و سندیکاهای کارگری و مطبوعات ایتالیا به زبان ایتالیائی برگزار شد که ذیلاً گزارش هر دوی این مراسم را ملاحظه خواهید کرد:

مراسم بزرگداشت سالگرد ۲۲ بهمن که برای هموطنان ایرانی مقیم ایتالیا ترتیب یافته بود، در یکی از سالن های دانشگاه رم، در ساعت ۵ بعدازظهر روز شنبه ۲۲ بهمن، با شرکت آقای دکتر منوچهر هزارخانی نماینده ی شورای ملی مقاومت در ایتالیا، برادر مجاهد محمدعلی جابرزاده مشاور دفتر سیاسی سازمان مجاهدین خلق ایران، دکتر اسماعیل خوئی شاعر و نویسنده ی مبارز و متعهد و آقای حسین نقدی و با پخش سرود "ای ایران... آغاز گردید.

سالن محل برگزاری مراسم با پرچم ایران و پلاکاردهائی در رابطه با قیام ۲۲ بهمن، آزادی، صلح و شورای ملی مقاومت تزئین شده بود. در بیرون محوطه ی سالن نمایشگاه

بودند و پائینی ها فشار وارد می کردند. در این میان شعبده بازان برای حل تمامی این معضلات راه چاره ای جستند و معرکه ی گروگان گیری و اشغال سفارت آمریکا را به قصد منحرف ساختن سمت مبارزات دمکراتیک و سرکوب جنبش به راه انداختند. با یک تیر، دو نشان زدند. نخست روند اصیل مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک را منحرف ساختند و به علت عدم شناخت علمی توده از این پروسه ی نبرد، عده ای از سازمان ها و نیروهای مردمی را هم به دنبال خود کشاندند. سپس حریفان داخلی خود را در حاکمیت و نیروهای دمکرات را با چماق باصطلاح مبارزه ی ضدامپریالیستی منکوب کردند و از میدان بدر نمودند. انگل ها با دامن زدن به جهل و تعصب توده، در زیر علم مبارزه با "لیبرالیسم"، آزادی ها را سرکوب کردند و با برقراری جو اختناق و تحکیم حاکمیت ارتجاع، راه وابستگی به امپریالیسم را در پیش گرفتند.

همه ی رخدادهایی که در این پنج سال شاهدش بودیم، اوج گرفتن مبارزات و اجتماعی تر شدن آنها از یک سو و تشدید فشار حاکمان خون آشام از سوی دیگر، نتیجه ی همین تناقضات و ناخوانی ها بود و پیروزشدن پیروزشدگان قیام بهمن ماه، یعنی توده های زحمتکش.

در عوض زمامداران مآشات و مداراکننده، پیروزی را از آن خود کردند و گام به گام به تقویت موضع پرداختند. شوراها و کمیته های کارگری و مردمی را سرکوب کردند، سانسور را در رادیو و تلویزیون برقرار ساختند، قانون "دادگاههای ویژه ی انقلاب" را تصویب نمودند، اعتصابات کارگری را ممنوع کردند. "نیروی ویژه ی" ضد کارگری بوجود آوردند. سپاه ضدانقلاب براه انداختند، مجلس خبرگان را به جای مجلس موسسان نشانند. مطبوعات آزاد را توقیف کردند. مسلحانه به خلق ها یورش بردند و کشتار کردند. کودتای ۲۸ مرداد دیگری را براه انداختند و با تعطیل احزاب، جمعیت های دمکراتیک، ملی، انقلابی، قانون اساسی خبرگانشان را تحمیل نمودند و مجلس گماشتگان فقیه را به جای مجلس شورای ملی عزم کردند.

در اثر سیاست صدور "انقلاب"، جنگ ناخواسته ی

قرار گرفت اما دیگر حرکت مردم اوج گرفته بود و بدون توجه به تمامی زدوبندها و قرار و مدارهایی که بین سردمداران روحانیت و یاران خمینی از یکسو و نمایندگان امپریالیسم از سوی دیگر انجام شده بود دریای خروشان خلق با یک جرعه به انفجار کشیده شد و با حمله ی مزدوران گارد شاهنشاهی به پادگان نیروی هوایی حریق درگرفت و محاسبات آنان را باطل کرد...

توده ها برخلاف میل رهبران و علیرغم خواست و اقدامات آنان قیام کردند و قیام را به پیروزی رساندند، ولی چاره ای جز پذیرش رهبری همان رهبران را نداشتند. پس برمسند قدرت نشانندشان.

قیام صورت گرفت و رهبران چنین وانمود کردند که آنها رهبرش بودند، ولی هیچگاه نتوانستند کتمان کنند که قیام هم "زائد" بود و هم "مضر". آنها امروزه نیز هرگاه لب به شکوه می گشایند از این می نالند که دیگران آنقدر ماجرا را طول دادند تا مردم مسلح شدند.

توده ها رهبران را زمامدار کردند، ولی کماکان رهبران را در فشار گذاشته بودند. رهبران زمامدار، خواستار "سازندگی" بودند، ولی توده ها تخریب را کافی نمی دانستند. "روحانیت-جزء" به رهبری خمینی بر این خواست توده ها سوار شد و سیاست ارتجاعی خود را پیش برد. کمیته های امام به مانند قارچ از زمین سبز شدند. روحانیون همه گاره شدند و دولت بودن را بر دولت امامی بازرگان تلخ کردند. و البته به رهبری امام. امامی که قصد تجربه کردن ولایت فقیه اش را داشت. پس تا آنجا که مایل بود رادیکالیسم توده را به این سمت کشاند، ولی تناقضها و ناخوانی ها از بین نرفت.

رهبران، آزادی را مضر می دانستند، ولی توده های مردم و شهروندان خواستار حقوق دمکراتیک شان بودند. کارگران از طریق شوراها اعمال قدرت می کردند. خلق ها خواست خودمختاری را رساتر از پیش و نیرومندتر از گذشته مطرح نمودند... زنان برابری حقوق اجتماعی شان را طلب داشتند... جوش ضدامپریالیستی هنوز در توده ها نمرده بود. بالائی ها به جان هم افتاده

اعتقادشان به قدرت و نیروی خودشان است. آنچه ماندنی است تجربه ی قیام مسلحانه و تجربه ی پیکار برای آزادی و استقلال است که شورای ملی مقاومت ادامه دهنده ی این راه ر پیکار و حامل این تجربه و نتیجه ی منطقی تجارب جنبشها و قیام های از مشروطه تا بهمن است.

شورای ملی مقاومت که از میان خاکستر آتش قیام بهمن چون ققنوس برخاست، امروز مظهر مقاومت عادلانه ی سراسری مردم میهن ماست. شورای ملی مقاومت با تکیه بر آگاهی مردم ایران در راه سرنگونی رژیم قرون وسطائی خمینی برای ایجاد ایرانی آزاد، آباد و مستقل، پرچم خونین قیام بهمن را تا صبح پیروزی بر دوش می کشد.

پس از اتمام سخنرانی آقای تهرانی از سوی شرکت کنندگان سوالاتی در رابطه با مسائل گوناگون مطرح شد که از طرف آقای تهرانی به آنها پاسخ گفته شد و مراسم در ساعت ۲۲ و ۲۵ دقیقه شب پایان یافت.

مطیع بودن رئیس جمهور... کارگر شدن کارگر، مدیر شدن مدیر... سخن کوتاه، با روند بازسازی نظام سرمایه داری وابسته روبروئیم و سمت گیری ایران به سوی همان نقشی است که در استراتژی درازمدت امپریالیسم جهانی برایش پیش بینی شده بود. و البته با تفاوت های، ولی نه بزرگ، این بار مأمور اجرا شاه تاجدار نیست، خمینی دستار بر سر است. و خمینی ملسود ناقص الخلقه ی رژیم قبلی است. حال چه هواداران نظام ستم شاهی بخواهند و چه نخواهند این یک واقعیت است، او زائیده ی فرهنگ استبدادی و سرکوبگر و شخصیت کش نظام سلطنت استبدادی است.

"رهبران" به آنچه می خواستند رسیدند، ولی توده ها؟ آنها کم کم و بتدریج در این فرایند دردناک متوجه شده و می شوند که با وجود چنین "رهبری"، قیام یک سوء تفاهم بود. گیریم که چنین باشد، آنچه ماندگار است، اعتلای آگاهی توده ها، افزایش

به مردم زحمتکش ایران تحمیل کردند و باعث خرابی کشور و بر باد دادن ثروت ملی و نیروی انسانی شدند. جنگی که تاکنون بیش از ۲۰۰/۰۰۰ تن از هموطنان بی گناه ما را به کام مرگ کشانده و صدها هزار تن معلول به جای گذارده است. با اعدام بیش از ۳۰/۰۰۰ تن از بهترین فرزندان مجاهد و مبارز، چپ، دمکرات، ملی، کرد، ترک، فارس، بلوچ، عرب و بالاخره زن و مرد ایرانی، جنایتی را مرتکب شدند که در تاریخ میهن ما بی نظیر است. به بند کشیدن بیش از ۶۰/۰۰۰ تن از مبارزین و آزادی خواهان ایران در حقیقت ترجمان به خون نشستن قیام بهمن ماه است.

و اکنون پنج سال از آن قیام شکوهمند می گذرد و ما با زوئندی روبرو هستیم که در واقع می بایست پس از سازش "رهبران" با ژنرال هویز شروع می شد، ولی به تاخیر افتاد: برقراری ثبات و امنیت "سرمایه"، دولت شدن دولت، نخست وزیر بودن نخست وزیر و تابع و

مراسم شورای ملی مقاومت بمناسبت پنجمین سالگرد

انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

نی‌شود؛ اما با توجه به سوالاتی که اینجا و آنجا مطرح است و نیز پیشنهاد آقای دکتر هزارخانی، مناسب دیدم قدری در باره "مجاهدین و مقاومت" گفتگو کنم.

برادر جابرزاده در این رابطه طی سخنرانی خود که ذیلاً خلاصه شده‌ی آنرا ملاحظه می‌کنید، گفت: این روزها گاهی سوالاتی در رابطه با مسئله‌ی مقاومت و اینکه آیا ادامه دارد یا نه؟ و نیز بود و نبود مجاهدین و امکان‌پذیر بودن قیام یا عدم امکان آن، مطرح می‌شود. البته این سوالات همیشه از جانب کسانی که برای رفع ابهام، درصد پی‌بردن به واقعیت قضایا هستند مطرح نمی‌گردد، بلکه غالباً به منظور دامن‌زدن به جو یأس و ناامیدی و پاسیویزم، بخصوص توسط ضدانقلاب غالب و مغلوب، تبلیغات وسیعی در این زمینه به عمل می‌آید - تبلیغاتی که پیام مشترکشان تمام شدن مجاهدین و از بین رفتن مقاومت است - البته این تبلیغات چیز جدیدی نیست و سابقه‌ی بسیار طولانی دارد. از زمان شاه هر وقت عملیاتی می‌شد یا درگیری رخ می‌داد، رژیم شاه خائن اعلام می‌کرد که "بقایای مارکسیست - اسلامی‌ها" عامل درگیری بودند و پس از این ضربه تمام شدند. خمینی هم از آغاز مقاومت انقلابی مسلحانه مستمرا تکرار می‌کرد که ۸۰ یا ۹۰٪ و یا تمامی مجاهدین از بین رفته‌اند.

در رابطه با این تبلیغات باید گفت: طبیعی است هر واقعیتی اعم از سیاسی، اجتماعی و یا هر واقعیت دیگر اگر در عالم خارج از ذهن وجود داشته باشد، نمی‌توان با تبلیغات و گفتن و نگفتن، آنرا تغییر داد و اگر به فرض برای مدتی هم بتوان آنرا پوشاند، ولی بالاخره واقعیت سرسخت خارج از ذهن، خود را تحمیل خواهد کرد و هر تلاشی برای سربوش گذاشتن بر این واقعیت کاری عبث خواهد بود. این قاعده، دوست و دشمن هم نمی‌شناسد؛ چه ما علاقمند باشیم یا نباشیم، بالاخره واقعیت روشن خواهد شد. پس از ذکر این نکته‌ی مقدماتی لازم است مطلب دیگری را نیز یادآور شوم و آن اینکه هنگام بحث درباره‌ی

سوالات فوق اساساً روی سخن ما با کسانی است که به هر دلیل از اطلاعات کافی و تحلیل‌های واقع‌گرایانه برخوردار نیستند. و گرنه ما به هیچ عنوان درصدد پاسخگوئی و اضع ضدانقلاب مغلوب نیستیم کما اینکه طبعاً هدف ما متقاعد کردن رژیم خمینی هم نیست. ما با کسی کار داریم که درد خلق و انقلاب داشته و درصدد برداشتن باری از دوش خلق باشد؛ وگرنه ناظر بی‌طرف که هیچ کاری به انقلاب و مقاومت و سرنوشت خلق و آزادی و استقلال ندارد و هرطور شود و

توانشان را در جهت تلاش برای سرنوشتی خمینی بکار گیرند؛ بعکس طلبکاری‌شان شروع شد که پس چطور شد؟ چرا خمینی سقوط نکرد؟ پس چرا خمینی هنوز بر سر قدرت است؟ معلوم می‌شود که رژیم او تثبیت شده! این چنین افرادی در زمره‌ی ناظران بی‌طرف و گزارشگران آن چه می‌بینند، می‌باشند بدون اینکه بتوانند یا بخواهند از طریق مشاهداتشان پی به عمق واقعیت ببرند. در حالی که باید با گزار از واقعیت ساده و ملموس به عمق قضایا دست یافت و این مبنای کار هر عنصر انقلابی است.

تیره‌ترین شرایط هم افق پیروزی را می‌بیند. البته طبیعی است که چنین درکی صلاحیت می‌خواهد و کار هر کسی نیست. مثال دیگر در این رابطه به سال‌های قبل از قیام ۲۲ بهمن برمی‌گردد. مثلاً در سال ۵۶ وقتی کارتر به ایران سفر کرد، هر چند مسئله‌ی حقوق بشر را در رابطه با رژیم مطرح نمود، ولی رژیم ایران را تثبیت شده خواند و ایران را "جزیره‌ی ثبات" نامید. آیا با یک نگرش پوزیتیویستی، در آن شرایط که هنوز توده‌ها بطور فعال وارد مبارزه نشده و شعار "مرگ بر شاه" اجتماعی نشده بود، واقعا رژیم یا ثبات بنظر نمی‌آمد؟ ولی یکسال بعد، تمام خلق حرکت کردند و با عزم راسخ "جزیره‌ی ثبات" را به دریای طوفانی انقلاب بدل نمودند و



گوشه‌ای از مراسم شورای ملی مقاومت در ایتالیا - از راست به چپ: دکتر منوچهر هزارخانی و برادر مجاهد محمد علی جابرزاده (در حال سخنرانی) دیده می‌شوند.

بالاخره شاه سقوط کرد. بنابراین نیابستی فقط به نمود قضایا توجه کرد، بلکه باید عمق وقایع را دید؛ جنایات و خیانت‌های شاه و تضادهای لاینحل اقتصادی و اجتماعی که در متن جامعه گره خورده بود، در پیوند با عمل انقلابی پیش‌تاز مسلح خلق، راهگشائی کرد و به یکباره تمام مردم را به حرکت درآورد.

به این ترتیب مشخص می‌شود که برخوردهای پوزیتیویستی هرگز قادر نبوده و نخواهد بود که واقعیت اجتماعی و مبارزاتی را کشف و بیان کند. برادر مجاهد محمدعلی جابرزاده آنگاه به بررسی محتوا و مضمون سوالاتی که در رابطه با مجاهدین و مقاومت و از بین رفتن آنها مطرح می‌شود پرداخت و گفت: به هر حال

به همین دلیل اگر بخواهیم صرفاً برطبق "آنچه هست و آنچه بطور ملموس واقعیت دارد" حرکت کنیم، سنگ روی سنگ بنده نشده و گامی به پیش برداشته نمی‌شود. به عکس بایستی از آنچه هست راهی به سوی آنچه باید باشد گشود و معنی انقلابی هم همین است. پیش‌تاز هم یعنی همین. مثلاً بعد از زفرم ارضی شاه در سال ۴۲ ظاهر واقعیت ملموس، اینطور حکم می‌کرد که یکبار دیگر مردم شکست خورده‌اند و شاه به سمت تثبیت هرچه بیشتر پیش می‌رود! ولی درون همان سال‌ها انقلابیون و پیش‌تازان خلق برخاستند تا بن بست شکنی کنند و موفق هم شدند. بنیانگذاران سازمان مجاهدین در چنین شرایطی به امر انقلاب ایمان آوردند و در راه آن کوشیدند. عنصر انقلابی در

هر اتفاقی بیفتد او فقط گزارش را می‌نویسد، طرف خطاب نیست. چنین کسی که برخوردش با مسائل صرفاً پوزیتیویستی است، وقتی خمینی سر کار باشد گزارش می‌کند که خمینی مانده است و می‌ماند و فردا هم که سقوط کرد گزارش می‌کند که سقوط کرد! حرف ما با چنین کسی هم نیست. چنین کسانی که در فاز اول و در نتیجه‌ی درخشش برق تهاجم مسلحانه‌ی ما، به سرنوشتی سریع رژیم خمینی دل بسته بودند، آنگاه که بنا به دلائلی که در جمع‌بندی یکساله‌ی مقاومت مسلحانه آمده، سقوط ضربه‌ای امکان‌پذیر نشد، به جای اینکه عواطف و احساسات انسانی‌شان علیه خمینی و جنایاتش هر چه تیزتر شود و به جای اینکه با توجه به مشکلات مبارزه، تمام

تمامی این سوالات در نهایت به نوعی به ایده‌ی تثبیت رژیم راه می‌برد. اعم از اینکه از موضع ضدانقلابی باشد و یا از موضع چپ‌نمایانه و یا بواسطه‌ی بی‌اطلاعی و فقدان تحلیل صحیح. اما ما به عنوان نیروئی که بیش از هر نیروی دیگر در جریان واقعیات مربوط به اختناق مطلق حاکم بر کشور است و معنی و مفهوم مقاومت در چنین شرایطی را خوب درک می‌کند و می‌داند در شرایط فعلی حتی تکثیر و پخش یک اعلامیه، یک عمل پیچیده‌ی نظامی محسوب می‌گردد؛ می‌گوئیم که رژیم خمینی تثبیت شده نیست و مبارزه هم کوتاه‌مدت است، کوتاه‌مدت بودن سقوط رژیم، قبل از هر چیز به دلیل ضربات استراتژیکی است که از مقاومت دریافت کرده و در همان فاز اول مقاومت بی‌آینده شده است. تمام تلاش خمینی هم در این است که بتواند به هر شکلی خودش را سرپا نگهدارد. خط ادامه‌ی جنگ به هر قیمت و گسترش اختناق در گسترده‌ترین شکل، صرفاً برای جلوگیری از بروز تضادهای اجتماعی است و اگر یک درجه اختناق را کاهش دهد، دیواره‌ی حاکمیت اختناق ترک برمی‌دارد و به یکباره رژیم او فرومی‌ریزد. یعنی اساساً رژیم تمامیت خودش را مدیون دو عامل جنگ و اختناق است."

آنگاه سخنران بطور مشروح به ذکر دلایل بی‌ثباتی رژیم خمینی پرداخت و نشان داد که اتفاقاً خمینی به دلیل وضعیت متزلزل و بی‌ثبات رژیمش به جنگ‌افروزی و سرکوب مطلق پناه برده است. چرا که اگر رژیم خمینی بی‌آینده نبود و از حداقل ثباتی برخوردار بود لزومی نداشت تا این حد، خود را در انتظار جهانیان رسوا کند. برادر مجاهد جابرزاده در ادامه‌ی سخنانش به تشریح ناتوانی‌های رژیم از حل مسائل در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی پرداخت و منجمله به عواقب جنگ یعنی کشته‌ها، آوارها و خانواده‌های عزادار اشاره کرد و نیز یادآور شد که بلحاظ سیاسی اگر رژیمی با ثبات باشد در رویارویی با مشکلات، توان رفرم‌پذیری خواهد داشت. به این ترتیب رژیمی که تنها سلاح و ابزار سرکوب و جنگ‌افروزی است، حتی اگر بتواند موقتا از بروز ناراضی‌ها جلوگیری کند به تدریج خشم متراکم خلق را خواهد افزود؛ خشمی که در یک لحظه، هستی او را به باد خواهد داد. این چنین است که بازتاب تمامی تضادهای اجتماعی به صورت بقیه در صفحه‌ی ۲۰

کوچکترین برادر من

سروده‌هایی از:
دکتر اسماعیل خوئی

دکتر اسماعیل خوئی شاعر مبارز معاصر، هفته‌ی گذشته در مراسمی که بمناسبت بزرگداشت ۲۲ بهمن در ایتالیا توسط شورای ملی مقاومت بر پا شده بود، شرکت کرد و تعدادی از سروده‌های خود را برای حاضرین خواند. اشعار "از پشت ابر اندوهت"، "در بودن و تناور بودن" و "کوچکترین برادر من" که ذیلاً ملاحظه می‌کنید، از مجموعه اشعار فوق انتخاب شده اند.



از راست به چپ دکتر اسماعیل خوئی، دکتر هزارخانی و برادر مجاهد محمدعلی جابرزاده در مراسم بزرگداشت قیام ۲۲ بهمن در ایتالیا

— "این کیست؟"
پرسیده‌ام چه بس
بسیار از خود
— "این کیست؟"
این چه می‌گوید؟
این چه می‌جوید؟"
شک می‌کند به هر چه‌ها که من
از دیرباز
در باور خود داشته‌ام
شک می‌کند به هر چه‌ها که من
از دیرباز
حتی در برابر خود داشته‌ام

اینک جوانترین برادر من
سرشاخه‌ای شگفته‌تر از آذرخش
در برابر من:
— "تو بینش بسترون خود را،
آئینه‌ی زمانه‌ی خود کرده بودی؛
تو می‌سروده‌ای من خود را!"
پرخاش می‌کند.
— "شاید... ولی...
نه! جان برادر!
من گر به نیشخنده‌ی تاریکم
— گر نیک بنگری،
بالا ترک،
نگاهی هم دارم من
"گاینده‌ی زلال تو را فاش می‌کند"

با این همه،
بار دگر، برادر من
می‌ایستد برابر من:
با آن نگاه تابستانی
و بی‌امان
که، بی‌گمان،
روشن‌وشی‌ست
هم نهاد پگاهان و آسمان.
و از هم‌اکنون، من می‌بینم
یا،
یعنی

باید ببینم آن
جانمایه‌ی جوان بودن را
که خفته‌بوده‌است در نهفته‌ترین لایه‌های گوهر من
وینک شگفته‌است
می‌شکوفد و خواهد شگفت
در جان پرجوانه‌ی کوچک‌ترین برادر من!

"در گسترای بینش شاداب خویش
چه می‌بینی
شاعر؟! "
— "رنگین‌گمان پرش زیبای یک شهاب،
بامی فراتر از مدار شبی همسرشت خواب
در آسمان فردائی از پاکی
بر پهنه‌ی بهشتی خاکی."
دانستن و توانستن را،
اما،
در ذات این برادر پادراهِ
گویا هنوز نیز
منی در شاعر،
باور نمی‌کند
از من به او بگوئید:
— این نیست،
دیگر آنچه تو بودی.
این دیگرست.
این:
تندیسوار گین نیست
در صخره‌ای که خشم فرو خورده‌ی تو بود
این خیزش طپنده‌ی فواره‌ست.
این،
آن چنان که برگه‌ی آرام را استگونی افسرده‌ی تو بود،
آئینه‌ای بی‌آئین نیست،
هرگز،
به هیچ روی،
تنها
سیماب یخسرشتی
آن سوی هر چه شک و یقین نیست.
این دیگرست
چون نیک بنگری
این موج نو شونده‌ی تاریخ
زیبا ترست.
این یک گواه نیست:
این داورست.
— "این کیست؟"
گویا هنوز نیز
منی در شاعر
از خود به خیره می‌پرسد:
— "این کیست؟"
این چه می‌گوید؟
این چه می‌جوید؟"

از پشت ابر اندوهت

سروده‌هایی از: دکتر اسماعیل خونی

چندین هزار ساله است؟ "خورشید، پشت پلک من، اعدام می‌شود" * بگذار تا بشوید اندوهم را ابر گریستن.	چون ذات نیستن آه، آه، آه، آنگ ابر: آویخته چو من، چو کشور من بین زمین که می‌لغزد، حالی، اندکی از پایم پائین‌تر و آسمان که تا جاویدان بسیاری بالا تر خواهد ماند از سر من و مثل من که انبوهی از اندوهم؛ و مثل کشورم که ... خدایا؟ آیا ...؟	اما در کشوری به هیئت یک آسمان خراش با هر ستونش از پولاد اما بر باد: یا، یعنی، با سازمانش از سیمان اما بی پایه‌هایش بر ایمن ... باری در کشوری میان زمین و آسمان آویزان زیستن ...
و ابر می‌خندد: - نه! پرش گلوله پرواز دلنواز کبوتر نیست. - می‌دانم، آری، می‌دانم.	باری، چنین شده‌ست که من حجم سرخ تاریخ را، چون گهگشانی از خون، بر دوش می‌برم. نه! مهربان‌ترین من، ای شعر! انگشت‌های ترد تو را یارای کمترین یاری نیست بگذار بگذرم.	و زیستن در آویزانی و درد سرسپردن و سرگردن با هستنی که پنداری یخپشته‌ای‌ست و مانده از زمستانی زان سوی باستان بر قطب بی‌زمانی و بی‌تاثیری: بی‌جنبش‌تصویر و تصویری هرگز در گذورت بی‌موجش از رستن و شگفتن یا، حتی، از پژمردگتی و پیری نابوده‌واری بی‌هیچ بار و برگ در ناکجای آن سوی هیچ‌جای مرگ: نابوده‌واری، آری، نابوده‌واری بس بسیار
- اما ای چشم دیرباور از پشت ابر اندوهت می‌بینی، آی، می‌بینی، با میله‌های باران یک جنگل از بهاران دارد شکل می‌بندد در طرح مرگ یاران	آه، ای ابر این غبار بر آئینه‌ی دلم	

* از شاعر انقلابی شهید خسرو گل‌سرخ

در بودن و تناور بودن

در لحظه‌ی هماره که از آسمان هفتم پستی‌تان باران زهر می‌بارد بر بیشه‌ی شما. و مرگ، بی‌گمان و همانا، گرمی‌ست زشت و حقیر، چون گرم اما چون مرگ، بی‌امان اما شایسته‌ی سترونی ریشه‌ی شما.	با این همه، می‌ایستد، تناور و سرسخت: با گاکلی فشانده‌تر از خورشید بر بام‌های آبی هفت آسمان بلندتر از آسمان هفتم اندیشه‌ی شما در اوج نیکی‌بخت و ریشه‌هاش ژرف‌تر از زخم هر تبر که هر آن بدتر از نهاد شما بر تنش روا می‌دارد و چتر سایه گستری از برگ و بار خویشتنش بر سر: زین گونه بود خواهد و بوده‌ست این درخت
--	--

مراسم شورای ملی مقاومت بمناسبت پنجمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

بقیه از صفحه ۱۷

رشد دم افزون تضادهای درونی رژیم ظاهر می شود تا آنجا که رژیم خمینی نمی تواند هیچگونه ابوزیسیون قانونی را تحمل کند و این نیز یکی دیگر از نمونه های پوسیدگی و بی ثباتی رژیم خمینی است. به این دلیل است که پاسخ تمامی مشکلات از نظر خمینی یا سرنیزه است یا ادامه جنگ افروزی. سخنران در قسمت آخر سخنان خود در رابطه با وضعیت مقاومت و مجاهدین به گفتگو پرداخت و یادآور شد که هر چند می توانم با تشریح تمامی توانمندی های مجاهدین و ترسیم شعله های فروزنده ی مقاومت؛ منجمله عمق، گستره و هماهنگی فعالیت های سراسری هسته های مقاومت مجاهد خلق؛ به ابهام فوق پاسخ بگویم ولی چه به دلیل اطلاعاتی که مسلما در جریان آن هستید و چه به دلیل کمی وقت، صرفا به تشریح یک نکته ی اساسی می پردازم: نابودی و حذف هر پدیده، ملاک و معیاری دارد. هر پدیده، بویژه پدیده های زنده (مانند سازمان های سیاسی)، برای رسیدن به زوال و نابودی باید پروسه های را طی کنند؛ این جریان از ایزولاسیون شروع می شود و بعد بتدریج تضادهای داخلی پدیده فعال می گردد و آنگاه هماهنگی سیستم در هم می ریزد. به عبارت دیگر اگر پدیده های با محیط پیرامونش رابطه ی فعال دارد و با آن تطبیق داشته و آداپته است و نیز فضای تنفسی اش باز بوده و رو به رشد و گسترش می باشد، بی تردید چنین پدیده های زنده و پویاست. حال سوالی که مطرح است این است که آیا سازمان مجاهدین و مقاومت سراسری شامل چنین جریانی شده است تا ما آنرا مرده تصور کنیم؟ اگر به واقعیات عینی توجه کنیم در خواهیم یافت که اتفاقا سازمان مجاهدین، بخصوص از قیام ۵۷ به این سو، تنها سازمانی است که علیرغم گذار از مقاطع حساس سیاسی و نظامی و تحمل بیشترین فشارها همچگونه انشعاب و تجزیه های در آن صورت نگرفته و بالعکس امروز در عالی ترین سطح وحدت ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی در تمامی سطوح سازمانی قرار دارد.

بی مناسبت نیست در اینجا به یک مقایسه ی ساده ی نظامی - تشکیلاتی بین رژیم و مجاهدین

نیز اشاره کنم: رژیم خمینی علیرغم تمام فشارها و سرکوب ها فقط توانسته است دو نفر از کادر رهبری سازمان را به شهادت برساند که عبارتند از موسی (از دفتر سیاسی) و محمد ضابطی (از مرکزیت سازمان)، در حالیکه رژیم ۶۰ درصد رهبری سیاسی خود را ریز ضربات مقاومت از دست داده است. به این ترتیب بلحاظ معادله ی صرف نظامی هم ما از رژیم جلو تریم.

آنچه می ماند پیچیدگی شرایطی است که در آن بسر می بریم و فازی که در حال گذراندن آن هستیم. این فاز یعنی "فاز نذارک قیام" الزامات خاص خود را دارد و به امکانات و ارتباطات ویژه ای نیازمند است که علیرغم اختناق قرون

برادر مجاهد محمد علی جابرزاده و دکتر اسماعیل خوئی و بخصوص از انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا که تمام زحمت برگزاری مراسم را متحمل شده بود، تشکر کرد و جلسه در ساعت ۳:۰۹ دقیقه شب پایان یافت.

برنامه به زبان ایتالیائی

همچنانکه ذکر شد به ابتکار نمایندگی شورای ملی مقاومت در ایتالیا جلسهای نیز به زبان ایتالیائی به مناسبت سالروز قیام ۲۲ بهمن در ساعت ۱۱ روز ۱۰ فوریه (۲۱ بهمن) در محل انجمن ملی پارتیزان های ایتالیا (منطقه ی رم) به ریاست آقای رضا اولیا، تشکیل شد.

از قدیم با مسائل ایران آشنا و با نیروهای مترقی و دمکرات ایرانی که بر علیه شاه مبارزه می کرده اند در ارتباط بوده و دو بار به عنوان وکیل از طرف انجمن بین المللی حقوقدانان دمکرات برای شرکت در محاکمات سیاسی زمان شاه به ایران سفر کرده است. او همچنین گفت که پس از انقلاب نیز یکبار به تهران سفر کرده و اظهار امیدواری کرد که بدنبال این نشست تماس های بیشتری با شورای ملی مقاومت ایران پیدا کند.

بعد آقای دکتر منوچهر هزارخانی نماینده ی شورای ملی مقاومت در ایتالیا گزارش مختصری از وضع ایران، ترانزنامه ی رژیم خمینی پس از پنج سال حکومت و وضع مقاومت به سم حضار رساند و از آنان خواست تا در بحث شرکت فعال کنند.

آقای دکتر فراری از دفتر خارجی حزب لیبرال ایتالیا



مراسم ۲۲ بهمن برای شخصیت ها و احزاب ایتالیا از چپ به راست: آقای کاوالیری از "انجمن ملی پارتیزان های ایتالیا"، آقای رضا اولیا و آقای فونگی مسئول روابط خارجی حزب کمونیست ایتالیا (فدراسیون رم)

وسطائی حاکم، در جهت تحقق آنها حرکت می کنیم. طبعاً از آنجا که در این فاز در پی تدارک قیام هستیم، اساساً در پی زدن مهره های رژیم نمی باشیم. ما توانمان را برای بسیج و تمرکز نیروها بکار می گیریم تا بتوانیم تور اختناق را که سراسر جامعه را پوشانده بدسیم؛ و پتانسیل عظیم توده های رعب زده را آزاد کنیم و قیام را تحقق بخشیم.

پس از پایان سخنان برادر مجاهد محمد علی جابرزاده پیرامون محورهای سخنرانی و سایر مسائل جنبش، سوالاتی از طرف شرکت کنندگان مطرح شد که به آنها پاسخ داده شد و در آخر، آقای دکتر هزارخانی از

در این جلسه که عده های از نمایندگان احزاب و سندیکاها و مطبوعات ایتالیا شرکت داشتند، ابتدا رئیس جلسه، ضمن خوشامدگویی به حضاران، به یاد شهدای ۱۹ بهمن و همه ی شهدای جنبش مترقی و دمکراتیک ایران، یک دقیقه سکوت اعلام کرد.

سپس آقای کاوالیری، رئیس انجمن ملی پارتیزان های منطقه ی رُم و عضو انجمن بین المللی حقوقدانان دمکرات، ضمن ابراز خوشوقتی از اینکه حضار در محل انجمن ملی پارتیزان ها جمع شده اند تا در باره ی مقاومت ایران بحث کنند، به همه خوش آمد گفت. آقای کاوالیری یادآور شد که

ضمن اظهار تشکر از دعوتی که برای شرکت در این جلسه از اوبه عمل آمده، گفت: "پشتیبانی حزب لیبرال را از مقاومت عادلانه و دمکراتیک ایران در مقابل یکی از خونخوارترین و فنانیک ترین رژیم های جهان اعلام می کنم. رژیم خمینی در واقع حاصل جمع تمام بدی های انواع دیکتاتورهای قرن اخیر است و بیشتر به یک حکومت قرون وسطائی شباهت دارد تا به یک سیستم حکومتی مدرن. به همین جهت قبل از هر چیز ناگزیریم این رژیم را از دیدگاه اخلاقی و سیاسی محکوم کنیم. اما علاوه بر آن، از دیدگاه منافع و ارتباطات اقتصادی نیز رژیم خمینی محکوم کردنی است

و باید علیه آن مبارزه کنیم. تروریسم خمینی و پشتیبانی مالی و تشکیلاتی او از تروریسم بین المللی و تروریسمی که در لبنان علیه سازمان آزادیبخش فلسطین اعلام شد و بعد به مرحله ی اجرا درآمد و نیز تروریسمی که علیه مخالفان و نمایندگی های دیپلماتیک در پاریس و سایر نقاط جهان اعمال می شود تماماً باید محکوم گردیده و علیه آن با قاطعیت و شدت مبارزه شود. از سوی دیگر جنگ طلبی خمینی که مانع هرگونه توافق برای خاتمه ی جنگ می شود، نه فقط عامل مهمی در بی ثباتی منطقه است بلکه امنیت کل خاورمیانه و کشورهای عربی خلیج فارس را نیز تهدید می کند. "آقای فراری در دنباله ی سخنانش گفت: "متأسفانه نیروهای دمکراتیک ایتالیا آنطور که باید و شاید به مسائل ایران توجه ندارند و علیرغم ادعای دمکراتیک بودن، در بعضی موارد به تشویق و تبلیغ برای رژیم خمینی دست می زنند. مثلاً سناتور "اورلاندو" مسئول بخش روابط بین المللی حزب دمکرات مسیحی، اخیراً در گفتگو با یکی از نشریات سفارت جمهوری اسلامی ایران از رژیم خمینی و عملکردهای آن حمایت کرده است. این اقدامات و اینگونه موضعگیری ها باید افشا و علیه آن مبارزه شود. باید سوال کرد، چرا وقتی پاسداران مستقر در لبنان به عرفات حمله کردند هیچ نیروی دمکراتیکی در ایتالیا اعتراض نکرد. آیا برای اینکه مبارزهای علیه خمینی صورت گیرد و اقدامی از طرف ما - نیروهای دمکراتیک ایتالیا - به عمل آید، می بایست منتظر می شدیم تا همه ی احزاب و سازمان های سیاسی در ایران ممنوع اعلام شوند؟ خبر داریم که تظاهرات ۸ فوریه (۱) به این دلیل ممنوع اعلام شد که سفارت ایران تهدید کرده بود در صورت برگزاری این تظاهرات ممکن است اتفاقاتی بیفتد و بدنبال این تهدید وزارت کشور این تظاهرات را ممنوع اعلام کرد. چنانچه این خبر صحت داشته باشد، کل مسئله بسیار خطرناک است. چگونه مقامات کشور ما بخود اجازه دادند که تسلیم تهدیدهای سفارت

پاروقی:

۱ - منظور تظاهراتی است که قرار بود بمناسبت سالگرد ۱۹ بهمن توسط انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا و با همکاری فدراسیون جوانان سوسیالیست و جوانان لیبرال ایتالیا برگزار شود.

مراسم شورای ملی مقاومت بمناسبت پنجمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

خمینی شوند؟ این مسئله باید پیگیری شود.

آقای اسکانی مسئول روابط خارجی حزب سوسیالیست ایتالیا ضمن اظهار تشکر از دعوت، یادآوری کرد که: "سوسیالیست‌های ایتالیایی در این سال‌ها از دیدگاه بشردوستانه پشتیبانی خود را از قربانیان خفقانی که نه فقط در تاریخ معاصر، بلکه در تمام طول تاریخ جهان کم‌نظیر است اعلام کرده‌اند و کماکان از هرگونه مبارزهای برای پایان دادن به این اختناق حمایت می‌کنند. اما مسئله ایران و بطور کلی مسئله کشورهای مسلمان خاورمیانه، مسئله‌ای است که باید با دقت کامل بررسی و تجزیه و تحلیل شود و اعلام پشتیبانی‌ها یا محکوم کردن‌ها بدون بررسی جوانب مختلف مسئله کمکی به هیچ جنبش دمکراتیکی نخواهد کرد. مثلا باید بدانیم که امروز ایران در یک جنگ خارجی درگیر است و در عین حال یک جنبش مقاومت دمکراتیک در داخل کشور علیه حاکمیت فعلی مبارزه می‌کند. در چنین شرایطی کوشش جنبش مقاومت برای اثبات حقانیت خود، نه تنها در داخل، بلکه در خارج کشور هم بسیار مشکل است. رفقای ایرانی ما می‌گویند که پایان جنگ و سقوط حکومت اختناق به یکدیگر وابسته‌اند، ولی از طرف دیگر هرگونه تماس مقاومت ایران در خارج کشور برای یافتن راه حلی صلح‌آمیز می‌تواند به گونه‌ای دیگر تعبیر شود. این یکی از مشکلات است. از سوی دیگر پیش بردن یک انقلاب دمکراتیک شاید چندان مشکل نباشد، ولی حکومت بر یک کشور توسط یک نیروی دمکراتیک پس از انقلاب، چندان آسان به نظر نمی‌رسد.

مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد مسئله اسلام بطور عام و شیعه بطور خاص است که امروز نه فقط در ایران، بلکه در کل منطقه بصورت یک عامل بسیار مهم درآمده است. یک جنبه از این مسئله وجه ضدغربی آنست. حال باید توجه داشت که این ضدیت شیعه با غرب، الزاما به معنای ضدیت آن با

مذرتیسم نیست. یک نمونه کوچک: شما در خیابان‌ها، در مترو و در ایستگاه‌های اتوبوس، جوانان ایرانی بسیار مودبی را می‌بینید که به شیوهی بسیار موثر و حتی ابتکاری و مدرن، به تبلیغ نظراتشان و جلب افکار عمومی به مسئله اختناق در ایران، می‌پردازند. حال اگر دخترانشان با روسری در این فعالیت‌ها شرکت می‌کنند، این از اعتقاداتشان ناشی می‌شود، همان اعتقادی که به آنان امکان می‌دهد علیه خشونت‌های جنین وحشتناک به مبارزه برخیزند. من ممکن است این روسری یا چادر سرکردن را نفهمم، چون از یک فرهنگ و تاریخ دیگر می‌آیم، ولی مبارزه‌ی او را - حتی اگر علیه من، به عنوان غرب طرف دیگر همین شیعه مانند هر اصول اعتقادی دیگر دارای جنبه‌های گوناگونی است. اگر ما امروز نتوانیم با آن بخش از مردمی که با اعتقاد به مذهب شیعه و با تکیه به جنبه‌های مثبت و دمکراتیک و مترقی آن (یعنی چیزهایی که با واقعیت موجود در غرب نزدیک‌ترند) به مبارزه برخاسته‌اند، گفتگو و ارتباط برقرار کنیم، موقعیت بسیار ارزنده‌ای را از دست داده‌ایم، زیرا این مبارزه، هر چند جنبه‌های ضدغربی هم می‌تواند داشته باشد، ولی بطور عمده علیه "شیعه" دیگری انجام می‌گیرد که هرگونه امکان تفاهم و ارتباط را از میان برده است. همین که یک گروه از مسلمان‌های ایرانی با مارکسیست‌ها و غیرمذهبی‌های ایران برای یک عمل سیاسی در جبهه‌ی واحدی جمع شده‌اند، بسیار مثبت است. من فکر می‌کنم که این مسائل اهمیت بسیاری دارند و ما به عنوان نیروهای سیاسی ایتالیا که جرئی از جهان غرب هستیم، باید در آنها دقت و بررسی بیشتری بکنیم.

آقای فونگی، مسئول روابط خارجی حزب کمونیست ایتالیا (فدراسیون رم) گفت یکی از مهمترین مسائلی که مردم ایران با آن دست به گریبانند، مسئله جنگ است. این جنگ باید هر چه زودتر پایان یابد و وظیفه‌ی تمام نیروهای دمکراتیک

است که تمام کوشش خود را برای یافتن یک راه حل سیاسی برای خاتمه‌ی جنگ بکار ببرند. متأسفانه نیروهای دمکرات ایتالیایی تاکنون تحرک زیادی در این زمینه از خود نشان نداده‌اند. گویا گاه فراموش می‌شود که خطر گسترش جنگ ایران و عراق نه فقط مردم منطقه، بلکه اروپا را نیز تهدید می‌کند. درباره‌ی آنچه در اینجا عنوان شد، در ارتباط با سازمان آزادیبخش فلسطین، گر چه قصد جدل ندارم، ولی چقدر بهتر بود احزابی که در دولت هستند فشار می‌آوردند تا این سازمان توسط دولت ایتالیا برسمیت شناخته شود (فکر می‌کنم فشار آنها به دولت در این زمینه، مفیدتر از پشتیبانی لفظی آنان از سازمان آزادیبخش در اینگونه جلسات است). مسئله دیگری اینکه، هر چند بسیار غم‌انگیز است، ولی بنابر آنچه دوست ایرانیان گفت و بنابر اخباری که از ایران می‌رسد و نیز خاطراتی که از زمان شاه بجا مانده است، مثل اینکه حالا دیگر زندان اوین بصورت سمبل مقاومت مردم ایران درآمده است. فجایعی که در اینجا برشمرده شدند و اتفاقاتی که در این زندان می‌افتد، واقعا تکان دهنده است. از این مساله که بگذریم می‌خواستم در دو مورد چند کلمه صحبت کنم.

یکی تجربه‌ی خودمان را در دوره‌ی تسلط فاشیسم یادآوری کنم. باید به خاطر بیاوریم که اگر نیروهای مقاومت ایتالیا توانستند پیروز شوند، تنها به دلیل وحدت تمامی نیروهای دمکراتیک در جنبش مقاومت بود. به نظر من این تجربه‌ی ایتالیا تنها مورد نیست، تفرقه در نیروهای دمکرات عملا به نفع حکومت‌های ارتجاعی است و وحدت تمام نیروهای دمکرات در یک جبهه‌ی واحد، قدم اول برای به پیروزی رساندن یک مبارزه است. مساله‌ی دوم اینست که ما بعنوان نیروهای دمکراتیک ایتالیا، غیر از افشاگری یا اعتراض لفظی، عمل مشخصی به نفع مقاومت ایران صورت نداده‌ایم. می‌خواستم پیشنهاد کنم که همه‌ی نیروهای دمکراتیک ایتالیا فعالیت واحدی را شروع کنند. مثلا می‌توانیم در مورد

پناهندگان اقدام مشترکی کنیم و در پارلمان بطور دستجمعی به عمل واحدی دست بزنیم.

آقای جولیماناتی، نماینده‌ی کنفدراسیون عمومی کارگران ایتالیا (C.G.I.L) پس از تشکر از برگزارکنندگان جلسه گفت: "قبلا یادداشت‌هایی آماده کرده بودم تا بر اساس آنها در این جلسه حرف بزنم، ولی با توجه به چند مساله که توسط دوستان مطرح شد، ترجیح می‌دهم درباره‌ی آنها صحبت کنم. اول در مورد مساله‌ی فرهنگ مذهبی و ریشه‌های آن باید بگویم در بسیاری موارد با حرف‌هایی که رفیق اسکانی زد موافقم. مثلا اینکه برای تحلیل اوضاع ایران باید به مساله‌ی شیعه توجه داشت. یا اینکه توجیه خمینی از شیعه یک ایدئولوژی تروریستی ساخته‌ولی باید متوجه بود که بسیاری از نیروهای که در منطقه‌ی خاورمیانه تحت عنوان شیعه مبارزه می‌کنند، نه تروریست هستند و نه ارتجاعی، بلکه برای داشتن حق حیات و برای دمکراسی مبارزه می‌کنند. در رابطه با سازمان آزادیبخش فلسطین من فکر می‌کنم دولت ایتالیا یک موقعیت تاریخی تکرارشدنی را برای شناسایی این سازمان از دست داد و آن زمانی بود که عرفات در لبنان از هر طرف در محاصره بود و نیاز مبرمی به یک گشایش سیاسی در سطح بین‌المللی داشت. گمان می‌کنم دولت ایتالیا - که تحت رهبری سوسیالیست‌ها تا حدودی در برابر آمریکا استقلال رای از خود نشان می‌دهد، که البته بسیار ارزنده است - در این مساله درست عمل نکرده و یک فرصت تاریخی را از دست داد. در پایان می‌خواهم تاکید کنم که همه‌ی نیروهای دمکراتیک باید در چارچوب مقاومت علیه خمینی متحد شوند. این اتحاد باعث کمک‌ها و حمایت‌های بیشتری از سوی نیروهای مترقی جهان غرب خواهد شد و بدین ترتیب مقاومت ایران بیشتر استحکام پیدا می‌کند و می‌تواند در مبارزه علیه رژیم خمینی چشم‌انداز روشن‌تری داشته باشد."

پس از سخنان آقای جولیا ناتی، آقای رضا اولیاء گفت: "می‌خواهم یکبار دیگر از آقای عزیز لوشیچی کاوالیری و نمایندگان احزاب دمکراتیک و ضدفاشیست و سازمان‌های سندیکائی تشکر کنم که سهم

خودشان را در حمایت از مبارزه‌ی مردم ما ادا کردند. می‌خواهم یکبار دیگر بنام شورای ملی مقاومت از همه‌ی دنیا تقاضای همبستگی و حمایت بیشتری با مردم ایران کنم. ما نمی‌خواهیم بین بد و بدتر مقایسه کنیم. رژیم خمینی رژیمی است که باید ساقط شود و ساقط خواهد شد، همچنانکه رژیم منفور پهلوی ساقط شد. من نمی‌خواهم برای شورای ملی مقاومت تبلیغ کنم، ولی همه‌ی احزاب دمکراتیک و سازمان‌های مردمی در این شورا شرکت دارند، مثلا حزب دمکرات کردستان ایران که حزبی است اصیل و مردمی و در همان اوایل تاسیس شورای ملی مقاومت به شورا پیوست. حال اگر کسانی خارج از این اتحاد مانده‌اند، مردم ایرانند که باید در اینباره قضاوت کنند. در هر حال شورای ملی مقاومت همواره از کسانی که واقعا در کنار مردم ایران مبارزه می‌کنند، برای پیوستن به شورا دعوت کرده است و می‌کند. با اظهار تشکر مجدد ختم جلسه را اعلام می‌کنم."

جلسه در ساعت یک بعدازظهر پایان یافت.

آمریکا

این مراسم از طرف نمایندگی شورای ملی مقاومت در آمریکا و با همکاری فعال شورای متخصصین ایرانی (هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران) و شورای دمکراتیک ایرانیان و همچنین انجمن دانشجویان مسلمان آمریکا در شهر لس‌آنجلس (جنوب کالیفرنیا) و در سالن دانشگاه (USC) برگزار شد. در تزیین سالن، علاوه بر پرچم ۲ رنگ ایران، از پلاکاردهای حامل شعارهای مترقی و انقلابی مانند "سرافراز باد شورای ملی مقاومت"، "صلح و آزادی"، "مرگ بر خمینی" و "مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه تاکتیک محوری مرحله‌ی کنونی" استفاده شده بود. تصاویر ستارخان، دکتر مصدق، آیت‌الله طالقانی، سردار شهید خلق موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی، شهید شکرالله پاک‌نژاد و شهید سعید سلطانپور شکه خاصی به سالن بخشیده بود.

برنامه با قرائت پیام‌ها در ساعت ۶ بعد از ظهر ۲۲ بهمن آغاز شد. سرود "ای ایران..." توسط گروه گر هوادار شورای ملی مقاومت بطور دستجمعی اجرا

مراسم شورای ملی مقاومت بمناسبت پنجمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران

گردید. آنگاه شعر "صلح و رهایی" به صورت دکلمه خوانده شد که مضمون آن بیانگر خواست خمینی بر ادامه جنگ و خواست مردم بر استقرار صلح بود.

سپس آقای دکتر فغفوری سخنان خود را با تحلیل وضعیت رژیم خمینی و بحران‌هایی که با آن روبروست، آغاز کرد و گفت: "خود رژیم نیز شرایط بحرانی و سقوط محتمل را دریافته و در این صورت، به‌عنوان جانشین، چشم‌اندازی جز شورای ملی مقاومت وجود ندارد". وی سپس به عمده مسائلی که در رابطه با شورای ملی مقاومت مطرح می‌شود، اشاره کرد و گفت که یکی از این مسائل انتخاب نام "جمهوری دمکراتیک اسلامی" توسط شورا است... دکتر فغفوری در رابطه با انتخاب کلمه "اسلامی" و برگزیدن نام اسلام توضیحاتی داد منجمله گفت اسلام را در ایران، نه فقط به‌عنوان مجموعه‌ای از اعتقادات مذهبی و ایدئولوژیک، بلکه به‌عنوان نیروی سیاسی و اجتماعی نیز باید مورد توجه قرار داد؛ که دارای محتوایی پویاست و اگر شناخت دقیقی از ابعاد آن بدست آید، بر لزوم انتخاب کلمه "اسلامی"، توسط شورای ملی مقاومت، می‌توان پی برد. وی اضافه کرد که برای تبدیل ایدئولوژی به موتور محرکه انقلاب، باید پیوند عمیق آنرا با توده‌ها و پیوند عملی تئوری و ایدئولوژی با فرهنگ موجود در هر کشور را در نظر داشت. مسئله‌ای که شورای ملی مقاومت در مصوبات خود، از عنوان حکومت موقت گرفته تا مسائل دیگر، مورد توجه قرار داده و بطور دقیق مراعات کرده است."

وی آنگاه به مسئله دیگری که در رابطه با شورای ملی مقاومت مطرح می‌شود اشاره کرد و آن لزوم جدایی دین از دولت است؛ و در این مورد بیان داشت که: "هدف شورا تاسیس یک استبداد دینی نیست، چرا که در اینصورت نیازی به مبارزه با رژیم فعلی نبود. در نظام پیشنهادی شورا پیروی از دین بخصوص شرط شرکت در حکومت قرار داده نشده، بلکه هدف، حکومت

مردمی است. در این دیدگاه مرزبندی در بین انقلاب و ضد انقلاب، ترقی و ارتجاع و قانون و بی‌قانونی صورت گرفته است و نه بر اساس پیروی از مذهب." آقای دکتر فغفوری سپس به این نکته اشاره کرد که در عین حال بافت شورا یک بافت ضد مذهبی هم نیست. در این نوع بینش رابطه دین و دولت می‌بایست از کانال مردم عبور کند و قانونی مشروعیت دارد که به تأیید و تصویب مردم برسد.

در رابطه با این سوال که آیا شورا و مجاهدین پس از به دست گرفتن قدرت هم به همین میزان متعهد به آزادی و دمکراسی خواهند ماند یا نه؟ دکتر فغفوری اظهار داشت که علت توسل به زور از جانب

استقلال و آزادی بود که این دو خواسته از طرف رژیم خمینی پاسخ داده نشد. این خواسته‌ها همچنان پابرجاست و شورا نیز بدان متعهد است و این علاوه بر سوابق بعضی سازمان‌های عضو شورا است که در بیست سال گذشته صداقت خود را در وفاداری به آرمان‌های خلق زیر شکنجه و در شرایط ترور و اختناق اثبات کرده‌اند و این خود بزرگ‌ترین تضمین ممکن است. چنانکه در عمل فعلی نیز هیچگونه وجه تمایزی در تصمیم‌گیری در دل شورا برای خودشان قائل نیستند؛ و بالاخره بزرگ‌ترین تضمین خود آگاهی مردم است که در کوره‌ی سوزان مبارزه با شاه و خمینی پاسخگوئی به تاریخ در فردای انقلاب ایران به عهده‌ی کسانی

است که استبداد خمینی را فراموش کرده و در عوض شورای ملی مقاومت را مورد حمله قرار می‌دهند و تمام توان خود را در جهت تضعیف آن بکار می‌گیرند."

پس از سخنرانی آقای فغفوری قسمت اول برنامه پایان یافت. در قسمت دوم ابتدا یک ترانه‌ی ملی توسط گروه موسیقی اجرا گردید و آنگاه آقای علی شاکری سخنان خود را با یادآوری خاطره‌ی شهدای قهرمان خلق در "بهمن"‌های گذشته آغاز نمود؛ و به ترفندها و عوامفریبی‌های ضدانقلاب مغلوب اشاره کرد که می‌کوشد از جنایت‌ها و خیانت‌های خمینی و رژیمش به مردم و آرمان‌های انقلاب، علیه خود انقلاب استفاده کند و مثلاً روز ۲۲ بهمن را "عزای ملی" اعلام می‌نمایند. در صورتی که آنچه ضدانقلاب مغلوب برای آن عزادار است، رژیم خمینی و خیانت‌های او نیست، بلکه استبداد



صحنه‌ای از نمایش جنایات ضد بشری خمینی در مراسمی که به مناسبت پنجمین سالگرد انقلاب ضد سلطنتی مردم ایران، توسط شورای ملی مقاومت در آمریکا برگزار گردید

پهلوی است که چون سرنگون شده او را عزادار کرده است وگرنه خمینی در انهدام انقلاب و انقلابیون ادامه‌دهنده‌ی رسالت‌های ناتمام شاه بوده است و طبیعی است که از این جهت آنها از خمینی راضی و خشنودند. او در ادامه‌ی سخنانش پیرامون تفاوت وضعیت فعلی انقلاب و نیروهای انقلابی با شرایط قیام ۲۲ بهمن گفت: "خوشبختانه انقلاب ما و جنبش

آبدیده‌تر شده‌اند و افزایش آگاهی توده‌ها به حدی است که راه مستبدین بعد از خمینی را بسیار بسیار ناهموار کرده‌است." آقای دکتر فغفوری سپس افزود که: "در شرایط فعلی جنبش میهنان بسیاری از ایراداتی که به شورا گرفته می‌شود از نوعی تنزه‌طلبی ناشی می‌گردد و از عدم درک صحیح مرحله‌ی مبارزاتی تاریخ ایران حکایت می‌کند." وی در پایان اظهار داشت که: "مسئولیت عظیم

حکومت‌ها عدم پاسخ به خواست‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک یا چند طبقه و گروه اجتماعی است که این نیز با بررسی خواست‌های مردم و نیز نقطه نظرهای اعلام شده‌ی شورای ملی مقاومت و مجاهدین و انطباق آن با خواست مردم به خوبی قابل جوابگوئی است خواست اساسی مردم که در انقلاب ۲۲ بهمن مطرح بود

ما در این مقطع زمانی با وضعیتی مواجه است که با نیروئی منسجم، سیاسی و گسترده با ابعاد دمکراتیک و ملی بنام شورای ملی مقاومت مواجه است." آقای شاکری پیرامون مسائل شورا و آنچه بایستی وجهی نظر شورا قرار گیرد چنین گفت: "شورای ملی مقاومت مسئله‌اش بحث گروهی، اختلاف نظرهای عقیدتی، دعوای کوچک، دامن‌زدن به اختلافات حرفه‌ای، ایجاد تفرقه... منم‌های بی‌خودی، گنده‌گوئی‌های بی‌عملی و بالاخره تبلیغ پاسیویسم نیست. شورای ملی مقاومت اگر چنانچه مسائلی چون طرح صلح یا طرح خودمختاری کردستان و یا جنگ مسلحانه‌ی توده‌های را در دستور کارش قرار نمی‌داد و بالاخره تدارک قیام توده‌های مسلحانه به‌خاطر سرنگونی خمینی را سازمان نمی‌داد، برای ما امر عجیبی بود؛ و جمع شدن ما و دفاع از شورا تبدیل به دفاع از یک جریان و یک گروه سیاسی (صرفاً) روشنفکری می‌شد. رفقا! وظیفه‌ی شورا که حتی‌الامکان سعی کرده، یا تمام اشکالات خودش، تمام خواسته‌ها را از بطن ملموس‌ترین نیازهای مردم بیرون بکشد و بدان تحقق ببخشد و در این نبرد پایدار بماند و بهایش را بپردازد، دفاع انقلابی و انسانی ما و تمام ایرانیان میهن‌پرست خارج کشور را می‌طلبد." او در پایان ضمن یادآوری مجدد خاطره‌ی شهدای بهمن ماه اظهار امیدواری کرد که بتوانیم رسالت آنان را ادامه دهیم.

پس از سخنرانی آقای شاکری گروه موسیقی آهنگ "ایران ای سرای امید" را اجرا کرد و در پایان برنامه نمایشنامه‌ی با عنوان "مقاومت" که توسط گروه هنری هوادار شورا تهیه شده بود، به نمایش گذاشته شد و در آن وحشیگری‌های مزدوران خمینی در زندان‌های رژیم و مقاومت انقلابی مجاهدین و مبارزین در برابر این دژخیمان و وفاداری آنان به مردم نشان داده شد. در پایان نمایشنامه، کودکی که پدرش را خمینی اعدام کرده است از مادر خود سوال می‌کند پدرم کجاست؟ و مادرش جواب می‌دهد: "پدرت پیش ستاره‌هاست و صبح با خورشید برمی‌گردد." این مراسم در ساعت ۱۱ بعد از ظهر پایان یافت.

بازتاب مراسم بزرگداشت دومین سالگرد عاشورای مجاهدین در مطبوعات کشورهای مختلف جهان

بقیه از صفحه ۱۴

کانادا

تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان کانادا در شهر مونترآل نیز در مطبوعات این کشور انعکاس وسیعی داشت، روزنامه‌ی کانادائی "لا پرس" در این رابطه چنین می‌نویسد:

لا پرس

تاریخ: ۹ فوریه/۱۹۸۴

la presse

تظاهرات برعلیه اختناق و جنگ در ایران Manif contre la répression et la guerre en Iran

پاسدارانش زندانیان را به زنجیر می‌کشید. خمینی در این صحنه لباس سیاه به تن و یک داس در دست داشت (در کانادا داس سمبل مرگ می‌باشد) این تظاهرات به مناسبت دومین سالگرد کشته شدن ۱۸ مبارز در تهران، برپا شد. در میان آنان از اشرف ربیعی و موسی خیابانی که به ترتیب همسر و معاون مسعود رجوی رهبر مجاهدین بودند، می‌توان نام برد.

*

حدود ۲۵۰ دانشجوی ایرانی نزدیک به مجاهدین خلق (جپ اسلامی) همانند سایر هموطنان و هواداران خود در ۱۹ شهر آمریکا، اروپا و آسیا، دیروز در مرکز شهر مونترآل با فریاد "زنده‌باد صلح" و "زنده‌باد آزادی" برعلیه رژیم خمینی تظاهرات کردند.

در این تظاهرات یک صحنه دراماتیک به نمایش گذاشته شد که طی آن فردی که به شکل خمینی درآمده بود به کمک

بلژیک

نشریه‌ی بلژیکی "د. استاندارد" ضمن درج عکس بزرگی از آکسیون دانشجویان هوادار سازمان مجاهدین خلق در بروکسل می‌نویسد:

De Standaard

"مجاهدین ایرانی که در میدان "دولامونه" ی بروکسل گردآمده بودند، با هوای بسیاری مواجه شدند. آنها بانمایش جنایات رژیم خمینی، علیه دیکتاتوری در ایران برخاستند. این اعتراض به مناسبت دومین سالگرد کشته شدن، ۲۰ تن از رهبران مجاهدین، در تهران صورت گرفت. در بین آنها از فرمانده خیابانی معاون آقای رجوی و اشرف ربیعی همسر آقای رجوی می‌توان نام برد. در همین روز تظاهرات مشابهی در بسیاری از شهرهای اروپائی و آمریکائی و آسیائی برگزار شد. در پاریس مقامات انتظامی با برگزاری چنین تظاهراتی موافقت نکردند. گذشته از نشریه‌ی "د. استاندارد" بسیاری از نشریات دیگر بلژیک و منجمله نشریه‌ی "هست نیوزبلا" و "سولیدر" نیز گزارشات و عکسهای مشابهی از مراسم دومین سالگرد ۱۹ بهمن در بروکسل را چاپ کرده‌اند.*

دانمارک

روزنامه‌ی برلینسکی از روزنامه‌های سراسری دانمارک مقاله‌ای پیرامون ۱۹ بهمن و وضعیت متزلزل رژیم خمینی به چاپ رسانده است که ترجمه‌ی قسمت‌هایی از آن در زیر می‌آید:

برلینسکی

BERLINGSKE

8. FEBRUAR 1984

تاریخ: ۸ فوریه/۱۹۸۴

Aytollah Khomeni har myrdet 30.000 personer

کشتاره ۳۰ هزار نفر توسط آیت‌الله خمینی

یکی از هواداران این گروه در دانمارک که مایل است نامش مخفی بماند، می‌گوید که جنگ بین ایران و عراق ۳۰۰ هزار تن را به کشتن داده و ۱۶۰ هزار نفر را معلول نموده است، بدون آنکه مسئولین حکومتی را نگران کرده باشد.

خمینی به خاطر اینکه مردم را از اعتراض به مشکلات اقتصادی و اجتماعی باز دارد، جنگ را ادامه می‌دهد. ۳ میلیون آواه شده‌اند، هیچگونه محصولات کشاورزی و صنعتی وجود ندارد.

ما لیست اسامی ۷۷۴۴۶ نفر از ۳۰ هزار نفر اعدام شده را اکنون در دست داریم. ۲۶ نفر از مجاهدین کشته شده‌اند.

*

یک گروه ایرانی (مجاهدین خلق) اخبار خوفناکی را از افرادی که در راس حکومت خمینی قرار دارند، جمع‌آوری کرده‌اند.

آنها می‌گویند: خمینی پس از به حکومت رسیدنش، ۳۰ هزار نفر را اعدام و ۱۰۶ هزار نفر دیگر را نیز به جرایم سیاسی زندانی کرده است. اکثر این زندانیان به طریقی تحت یکی از انواع ۲۹ فرم شکنجه‌ی موجود در ایران قرار گرفته‌اند. "مجاهدین خلق ایران" امروز در ۱۲ کشور مختلف جهان تظاهراتی را به مناسبت دومین سالگرد کشته شدن خیابانی معاون رهبر سازمان، ترتیب دادند.

ایتالیا

همانطور که در شماره‌ی قبل اشاره شد به دلیل ممانعت مقامات انتظامی ایتالیا، امسال تظاهراتی که قرار بود در رم برگزار شود، لغو گردید. با وجود این اغلب روزنامه‌ها و نشریات ایتالیا در روزهای ۹ و ۸ فوریه، ضمن درج خبر لغو تظاهرات به معرفی و تجلیل خاطره‌ی سردار شهید خلق و سمبل زن انقلابی مجاهد پرداختند. در این رابطه می‌توان از روزنامه‌های رپوبلیکا، اونیتا، اساتامپا، پائیزه‌سرا، ایل مانیفیستو، کوریر-دلا سرا، آوانتی و اونیتا نام برد. منجمله روزنامه‌ی اونیتا (ارگان حزب کمونیست ایتالیا) ضمن چاپ تصویری از سردار چنین می‌نویسد:

l'Unità

MERCOLEDÌ
8 FEBBRAIO 1984

IRAN

Oggi verrà ricordata la tragica fine di Mussa Khiabani



رژم - دو سال پیش، ۸ فوریه/۱۹۸۲، موسی خیابانی در یک درگیری مسلحانه با پاسداران (گارد انقلاب) کشته شد، او بازوی راست رهبر مجاهدین خلق، مسعود رجوی و مسئول سیاسی - نظامی سازمان در داخل ایران بود (همانطور که می‌دانید رجوی در پاریس در تبعید بسر می‌برد و شورای ملی مقاومت را رهبری می‌کند). به همراه خیابانی همسر وی آذر رضائی و نیز همسر رجوی، اشرف ربیعی و ۱۷ تن دیگر از مجاهدین کشته شدند. پایگاهی که آنها در آن مخفی بودند توسط پاسداران مورد حمله قرار گرفت، خیابانی و یارانش تسلیم نشدند و همه تا آخر جنگیدند. مصطفی، کوچولوی یکساله، پسر اشرف و رجوی، از این فاجعه جان سالم بدر برد و توسط



گوشه‌ای از مراسمی که به مناسبت حماسه‌ی ۱۹ بهمن (عاشورای مجاهدین) از طرف انجمن دانشجویان مسلمان در هندوستان برگزار گردید.

بازتاب مراسم بزرگداشت دومین سالگرد عاشورای مجاهدین در مطبوعات کشورهای مختلف جهان



نگردیدند و همگی کشته شدند. همان شب تلویزیون ایران دادستان خمینی را نشان داد که مصطفی فرزند اشرف را در حالیکه در کنار جسد مادر او ایستاده بود، در دست داشت. از آن لحظه به بعد موسی و اشرف در وجدان هم میهنان خود قهرمان شدند.

قبل از حکومت خمینی موسی خیابانی و اشرف ربیعی توسط شاه زندانی شده بودند. ساواک (پلیس هولناک و مشهور رژیم) آنها را به سختی شکنجه داده بود. موسی ۷ سال در زندان باقی ماند، ولی بالاخره از اعدام نجات یافت. شاه بعد از فشار افکار عمومی مجبور شد برخلاف میل خود حکم اعدام او را به حبس ابد مبدل سازد. داستان اشرف نیز مشابه است. او هم توسط ساواک دستگیر شد و به همین علت دچار ناراحتی‌های قلبی شد. شکنجه‌گران برای اینکه مسئولیت مرگ او را به گردن نداشته باشند، او را آزاد کردند اما در سال ۱۹۷۶ اشرف بار دیگر دستگیر شد و مجدداً تحت شکنجه قرار گرفت. اینبار در اثر شکنجه شنوایی یک گوش خود را از دست داد، برای مدت زیادی بیهوش ماند، ولی هیچگاه حاضر نشد حرفی بزند.

او در سال ۱۹۷۹ همزمان با سقوط رژیم شاه از زندان آزاد گردید، ولی سه سال بعد به طرز دلخراشی در درگیری با پاسداران رژیم خمینی کشته شد.

وانت سرباز، یک ایرانی نشسته بود که لباس سیاه به تن کرده و ماسک خمینی را به صورت داشت. در مقابل او دختری ایستاده بود که چشم‌هایش بسته بود و حلقه‌ی دار را به گردن داشت. مردم با شگفتی توقف می‌کردند و توریست‌ها از این صحنه عکس می‌گرفتند.

یک صحنه وحشت بار

پاسداران خمینی سه سال پیش به منزل موسی و اشرف حمله نمودند. بعد از آنکه دو قهرمان تاریخ نوین ایران و همزمانشان حاضر به تسلیم



بخارست - گوشه‌ای از آکسیون خیابانی که به مناسبت حماسه‌ی ۱۹ بهمن (عاشورای مجاهدین) از طرف هواداران سازمان در رومانی برگزار شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت.

ایتالیا

لاجوردی دادستان اسلامی که حمله به دستور او صورت گرفت، همان شب در تلویزیون نشان داده شد. خیابانی یکی از چهره‌های سرشناس مقاومت علیه شاه بود که ۷ سال تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها در زندان‌های شاه قرار گرفت و در دوران انقلاب از عوامل آزاد ساختن تبریز و بعد گاندید مجلس جمهوری از همین شهر بود. همچنین اشرف ربیعی در زندان شاه تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار داشت. وی بعد از آزادی بار دیگر مبارزه علیه دیکتاتوری جدید بنیادگرایان را از سر گرفت.

به همین مناسبت در روز ۸ فوریه در بسیاری از شهرهای دنیا از سوی انجمن دانشجویان مسلمان تظاهراتی برپا می‌شود، اما اداره‌ی پلیس رم به خاطر حفظ نظم عمومی اجازه‌ی این تظاهرات را در رم لغو نمود. . . . بعد از جواب منفی پلیس رم، سازماندهندگان تظاهرات تصمیم گرفتند که آکسیون برنامه‌ریزی شده‌ی خود را لغو کنند. آنان از کلیه‌ی نیروهای سیاسی و سندیکائی که پیوستگی خود را با تظاهرات اعلام کرده بودند، تشکر نمودند *

گزارش کوتاهی از مراسم بزرگداشت دومین سالروز ۱۹ بهمن در پاکستان

دانشجویان هوادار مجاهدین در پاکستان روز ۱۹ بهمن امسال به مناسبت دومین سالگرد عاشورای مجاهدین اقدام به برگزاری میتینگ در سالن ایرانی‌ها در خوابگاه بین‌المللی دانشگاه کراچی نمودند.

این مراسم با یک دقیقه سکوت به احترام شهدای افتخار آفرین ۱۹ بهمن و قرائت آیاتی از قرآن مجید شروع شد و به دنبال آن قسمتی از نوار صدای سردار شهید خلق موسی خیابانی پخش گردید، سپس قسمت‌هایی از پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به مناسبت دومین سالگرد ۱۹ بهمن خوانده شد. در پایان قطعنامه‌ی تظاهرات سراسری اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان نیز قرائت گردید. در این میتینگ همچنین پیام‌هایی از سوی دانشجویان ملی پاکستان و انجمن حقوق بشر پاکستان خوانده شد *

یونان

روز پنجشنبه ۹ فوریه اکثریت قریب به اتفاق روزنامه‌ها و نشریات یونان، قسمت‌هایی از صفحات خود را به تجلیل از سردار شهید خلق موسی و سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف و درج عکس‌ها و گزارشاتی از تظاهرات ۱۹ بهمن اختصاص داده بودند.

در این میان می‌توان از نشریات الفتروس تیپوس، تائنا، مسینوینی، آتن نیوز، آلفتری گنومی، گاتی مرینی، آوگی، آیدی سیس، اپرکیوماتین، ورا دینی، الفتروتیا و الحوار نام برد.

نشریه‌ی "آلفتروس تیپوس" به همین مناسبت ضمن درج عکس‌هایی از تظاهرات انجمن دانشجویان مسلمان در آتن چنین می‌نویسد:

ΕΛΕΥΘΕΡΟΣ ΤΥΠΟΣ Πέμπτη 9 Φεβρουαρίου 1984

الفتروس پیپتوس

Γλίτωσαν από το Σάχη τους εκτέλεσε ο Χομεινί

از دست شاه نجات یافتند ولی خمینی آنها را کشت

بازسازی صحنه‌ی اعدام در قلب آتن

روز ۸ فوریه برای ملت ایران که با رژیم خمینی در حال مبارزه است، روزی تاریخی است. دیروز دومین سالگرد مرگ فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین در داخل ایران موسی خیابانی و اشرف ربیعی سمبل زن مجاهد انقلابی، آذر رضائی

(همسر موسی خیابانی) و ۱۷ تن دیگر از فرماندهان و اعضای سازمان بود.

به مناسبت سالروز ۸ فوریه، هواداران "مجاهدین خلق ایران" دیروز یک راهپیمائی ترتیب دادند. این راهپیمائی بسیار جالب توجه بود. در روی یک

روز ۸ فوریه برای ملت ایران که با رژیم خمینی در حال مبارزه است، روزی تاریخی است. دیروز دومین سالگرد مرگ فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین در داخل ایران موسی خیابانی و اشرف ربیعی سمبل زن مجاهد انقلابی، آذر رضائی

برخی از پیام‌ها و اطلاعیه‌های نیروها و جمعیت‌های مبارز ایرانی بمناسبت بزرگداشت دومین سالگرد عاشورای مجاهدین

بقیه از صفحه ۱۲

پیام جمعی از ورزشکاران به برادر مجاهد مسعود رجوی بمناسبت عاشورای مجاهدین و سالگرد قیام ۲۲ بهمن

اطلاعیه سازمان توده انقلابی دانشجویان

"ستاد" - کانادا

آتش زباده فتنه شرانگیزتر شود چون می‌پراکند خطر انگیزتر شود ما شیشایم و پاک نداریم از شکست شیشه چو می‌شکند تیزتر شود در سینه همه فریاد است، فریاد. بیاد آنکه راه مرگ سرخ را برگزید.

دو سال از شهادت افتخارآمیز موسی خیابانی عضو برجسته کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران و یکی از رهبران جنبش دمکراتیک ضدامپریالیستی ملت ایران می‌گذرد. دو سال پیش از این، موسی بنا به پایبندی به تعهداتی که نسبت به خلقش و انقلاب مردمش داشت، در درگیری با نیروی سیاه مذهبی حاکم بر جامعه، به شهادت رسید. او راه شهادت را برگزید. او راه ایثار و جانفشانی را در پیش گرفت چون موسی به درستی می‌دانست که انقلاب ملت دلیر ایران را تنها و تنها از خودگذشتگی، دلیری و جوانمردی پاسدار تواند بود. موسی خود برای ما از تعهدات تاریخی‌اش می‌گوید:

"در این موقعیت برای ما در جهت حفظ انقلاب و نجات آن، فقط یک راه باقی ماند، و آن راه مقاومت و مبارزه‌ی مسلحانه و قهرآمیز بود."

بی‌شک نام موسی در تاریخ مبارزاتی این ملت دلیر به عنوان جزئی از افتخارات ملی این سرزمین ثبت خواهد گردید. نامی که برای خلق گردآفرین ما، دلیری، جوانمردی، از خود گذشتگی، غیرت و گردن‌فرازی خود در برابر دستگاه پرجبروت پادشاهان و خلفای جهنمی ولایت فقیه‌ی را با آن تجسم می‌کند.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی زنده باد دلاوری خلق برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان توده انقلابی دانشجویان "ستاد" - کانادا

استقلال میهن را برافراشته نگاه داشته‌اید و اجازه ندادید مشعل انقلاب خلق را که قهرمانانی چون موسی بر دوش کشیده بودند خاموش گردد. اینک در سالگرد بهمن بسی افتخار که همچنان سرود مقاومت بر پهنه‌ی ایران زمین طنین افکن است و پیک‌های آزادی، رزمندگان مجاهد و هسته‌های مقاومت پیام‌آور نوین خلق ما هستند.

امروز برای ما بوضوح روشن است که به پاس وجود مقاومت رزمندگان مبارز و مجاهد و به پاس وجود و استواری شورای ملی مقاومت به عنوان تنها آلترناتیو دمکراتیک، فردای میهن روشن و گل‌های انقلاب به برخواهند نشست. رژیم جنایتکار خمینی رفتنی است و دور نیست روزی که مردم میهنمان با نجات از دست این جانیان قرون وسطائی و برپائی حکومتی دمکراتیک و مردمی شاهد پیروزی را در آغوش کنند.

بها امید پیروزی - مرگ بر خمینی زنده باد شورای ملی مقاومت تنها آلترناتیو دمکراتیک

مسلم اسکندر فیلابی - کاظم غلامی - حسن نایب آقا - عباس نوین روزگار - سید جبار مهدیون - جعفر آرمگین - فرهاد آذری - عباس علیزاده - یوسف مهدوی - اصغر ادیبی - فرامرز کمانگیر تهرانی - اسماعیل معمم - مرتضی عابدی - اردشیر عسکری

پیش‌کسوتان انقلاب و پیام‌آوران مقاومت و انقلابی عمیق‌تر با کاروانی از دهها هزار شهید مجاهد و مبارز خلق است. آنان بپا خواستند تا میراث شهیدان انقلاب به یغما نرود. آنان سمبل تداوم و تبلور آرمان‌ها، آزادی، آزادی و شرف ملی ما هستند.

آنان زداینده‌ی هرگونه یاس و ابهام از سرنوشت خلقی بودند که دست‌آورده‌های انقلابشان را خمینی ربوده بود و امروز هم کسانی شایسته‌ی تبریک‌اند که اجازه ندادند شعله‌های انقلاب خاکستر شود؛ میراث شهیدان را حفظ کردند و استوار و پیگیر آن را بسوی سرمنزل مقصود رهنمون می‌شوند.

برادر مجاهد مسعود: ما ورزشکاران، ضمن گرامی‌داشت دومین سالروز ۱۹ بهمن و خاطره‌ی سردار شهید مجاهد کبیر موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی و نیز پنجمین سالگرد انقلاب و قیام مردم در بهمن ۵۷ را به شما و تمامی خلق قهرمانان تبریک می‌گوییم. این تنها تبریک ما نیست؛ با استفاده از این موقعیت تبریک بزرگ‌تر ما به شما، سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت این است که در موضع رهبری مقاومت شکوهمند و سراسری مردم ایران علیه رژیم ضدبشری خمینی پرچم آزادی و

برادر مجاهد مسعود رجوی، مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران و مسئول شورای ملی مقاومت:

بار دیگر بهمن‌ماه یادآور روزها و خاطره‌های فراموش‌نشدنی و پراهمیتی در تاریخ انقلاب خلق ما است؛ از غرش مسلحانه‌ی پیشگامان انقلابی خلق در سکوت شاهنشاهی، از جنبش سرخ شهادت احمد رضائی تا فردای طوفان خلق در ۲۲ بهمن ۵۷ و تا عاشورای مجاهدین در ۱۹ بهمن ۶۰، هر روزش آفرینش حماسه‌ی تازه‌ی و سرایش سرود رهاسازندگی و افشاندن غنچه‌های لبخند ارغوان بر بوستان میهن است و پشتوانه‌ی آن خلقی است استوار که با ایثار قهرمانان نام‌آور و هزاران هزار قهرمان گمنام دیگر، راه خود را در مسیر جنبش رهاثیبخش میهن گشوده و می‌گشاید. اما در این میان کدامین روز و تاریخ را به نشانه‌ی عظمت و اهمیت نشانه کنیم و از کدام قهرمان شهید به نشان سمبل و سالار شهیدان نام ببریم؟ و به چه کس سخن و پیام خود را خطاب کنیم؟ بدون شک ۲۲ بهمن روزی است که خلق ما در راستای حرکت پیشتازان انقلابی خود تاریخ را ورق زد و سد زمانه را شکست و درهم ریخت. عاشورای ۱۹ بهمن ۶۰ یادآور شهیدانی است که

پیام شورای متخصصین ایرانی در آمریکا (هوادار سازمان مجاهدین خلق)

حقانیت و پیروزی را بیش از پیش عمق و غنی بخشیدند. روز فراموش‌ناشدنی ۱۹ بهمن برای هر ایرانی وطن‌پرست و بویژه زنان نسل نوین ایران روزی پر ارج و گرانبهاست، چه در این روز است که ستاره‌ی تابناک مبارزات قهرمانانه‌ی خلق ما و بخصوص زنان انقلابی کشورمان بر بلند قله‌ی افتخار و پیروزی و شرف درخشیدن گرفت. اشرف، این مظهر برحق زن انقلابی مجاهد، تا آخرین لحظات حیات پربار خویش نه تنها به عنوان رزمندگای بقیه در صفحه‌ی بعد

شهادت سردار کبیر خلق موسی و سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف در ۱۹ بهمن سال ۱۳۶۰ گر چه وجدان بیدار ملت‌مان را به سوگ نشانده اما حیات نویینی به مبارزه‌ی بی‌امان خلق قهرمان و بویژه مجاهدین جان بر کف بخشید. موسی و اشرف و هم‌زمان همسنگران به اسطوره‌ها پیوستند و حیات جاودان یافتند و با شهادت قهرمانانه‌ی خود، در قلب هر مجاهد خلقی، در میدان‌های تیرباران، بر فراز چوبه‌های دار و در زیر شکنجه‌ی دژخیمان، طنین مقاومت و امید به

آقای مسعود رجوی: رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران و مسئول شورای ملی مقاومت با گرم‌ترین درودهای انقلابی؛ در آستانه‌ی سالروز ۱۹ بهمن و شهادت تاریخی سردار کبیر خلق موسی خیابانی و سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف ربیعی (رجوی) وظیفه‌ی خود می‌دانیم که این روز تاریخی را، که برگی نوین در دفتر زرین مبارزات افتخارآمیز ملت ایران به رهبری سازمان پرافتخار مجاهدین خلق گشود به آن فرمانده‌ی ارجمند شادباش گوئیم!

اطلاعیه‌های نظامی مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

تهاجم گسترده پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران با همکاری پیشمرگه‌های مجاهد خلق به پایگاهها و مراکز مزدوران خمینی در شهرک ربط

و به هلاکت رسیدن فرمانده یکی از پایگاههای سپاه ضد خلقی

و از پای درآمدن بیش از ۷۰ پاسدار و مزدور دشمن

در ساعت ۳۰۸ دقیقه شب ۲۲ بهمن ماه جاری و در سالگرد قیام بهمن ماه ۵۷، در شرایطی که رژیم ضد خلقی خمینی در وحشت از تهاجمات انقلابی پیشمرگان دلاور کردستان به کلیه نیروهایش آماده باش داده بود، پیشمرگان حزب دمکرات با همکاری پیشمرگه‌های مجاهد خلق، طی یک عملیات مشترک و هماهنگ، پایگاه و مراکز استقرار پاسداران، جاشها و مزدوران خمینی جلاد در شهرک ربط را (واقع در تقاطع جاده‌ی "سردشت - مهاباد - پیرانشهر") مورد تهاجم قرار می‌دهند. با شروع عملیات، پیشمرگان ابتدا پایگاه سپاه ضد خلقی موسوم به پایگاه پمپ بنزین را بطور کامل محاصره کرده و سپس با گشودن آتش مسلسل و موشک‌های "آر. پی. جی" و انفجار نارنجک‌های خود، پایگاه دشمن را به تصرف در می‌آورند. در جریان تصرف این پایگاه شکاری از مزدوران منجمه "رشید - عبدالوند"، فرماندهی جنایتکار پایگاه بهلاکت می‌رسند. ضمناً اجساد ۱۶ تن از پاسداران مزدور نیز تا پایان درگیری در دست پیشمرگان بوده است. پس از این مرحله،

پیشمرگان قهرمان طی تهاجم انقلابی خود به سایر پایگاهها و مراکز مزدوران، منجمه مقرر سپاه واقع در موتورخانه‌ی شهر را کاملاً درهم گوییده و منهدم می‌سازند. این درگیری و تهاجم گسترده که ۴ ساعت بطول انجامید با به هلاکت رسیدن و مجروح شدن بیش از ۷۰ تن از پاسداران و مزدوران خمینی و اسارت ۹ تن دیگر از آنان و همچنین مقادیر قابل توجهی سلاح و مهمات دشمن که توسط پیشمرگان به غنیمت گرفته شد، به پایان رسید. ضمناً در تمام مدت حضور رزمندگان دلاور خلق در منطقه‌ی عملیات، اهالی شهرک مزبور، با تمامی امکانات از فرزندان دلاور خود حمایت و استقبال نمودند.

اسامی ۹ تن از پاسداران و مزدوران رژیم که در این عملیات به هلاکت رسیدند، بقرار زیر است:

- ۱- رشید عبدالوند فرماندهی پایگاه پمپ بنزین
- ۲- حسن محمدزاده
- ۳- سید محمد سبزمیری
- ۴- احمد حبیب‌اللهی
- ۵- کاظم سلیمانی
- ۶- حمید رضا گرمی
- ۷- قنبر آجرو
- ۸- مسعود رسولی

۹- حسین مینه‌شان
همچنین اسامی ۹ تن از مزدوران ضد خلقی که به اسارت پیشمرگان قهرمان درآمدند نیز به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- تقی واقعی اهل اصفهان
- ۲- منصور رمضانپور اهل بابل
- ۳- امیر حسین سالاری اهل مشهد
- ۴- محمد مسعودی اهل مشهد
- ۵- ابوالقاسم اسماعیلی اهل اصفهان از مزدوران بسیجی
- ۶- مهدی بخشی اهل اصفهان
- ۷- محمود نائینی اهل اصفهان
- ۸- محمدرضا گوهستانی اهل تربت حیدریه
- ۹- لطف‌الله آشوری اهل مشهد

در جریان این عملیات قهرمانانه، محمد باقرزاده یکی از پیشمرگان دلاور حزب دمکرات کردستان ایران نیز به شهادت رسید و خون خود را فدیه‌ی راه آزادی ایران و خودمختاری کردستان نمود. ما ضمن بزرگداشت خاطره‌ی این پیشمرگ قهرمان، شهادت او را به هم‌زمان دلیرش در حزب دمکرات کردستان ایران تبریک و تسلیت می‌گوئیم.

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۲۷/بهمن ماه/۶۲

عملیات تهاجم پیشمرگه‌های مجاهد خلق بر روی پایگاه نوری در منطقه سردشت و به هلاکت رساندن ۱۰ پاسدار و مزدور ضد خلقی و انهدام ۴ سنگر اجتماعی و انفرادی دشمن

پیشمرگان مجاهد خلق در منطقه سردشت در ساعت ۲ بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۷/بهمن ماه جاری طی یک رشته عملیات غافلگیرانه، پایگاه جدیدالتاسیس پاسداران و بسیجی‌های ضد خلقی در منطقه سردشت واقع در ارتفاعات گوه نوری را مورد تهاجم انقلابی خود قرار دادند. پیشمرگان مجاهد خلق ضمن نفوذ به منطقه‌ی حفاظت شده‌ی دشمن در فاصله‌ی سیصد متری از سنگرهای مزدوران ضد خلقی مستقر شده و با موشک‌های "آر. پی. جی" و خمپاره‌های ۶۰ میلیمتری و آتش نارنجک‌های تفنگی، با شعارهای گوینده‌ی "مرگ بر خمینی -

درد بر رجوی" تهاجم خود را آغاز کردند. دشمن ضد خلقی که با تهاجم برق‌آسا و غافلگیرانه‌ی پیشمرگان بشدت وحشتزده شده بود، مرتباً با خمپاره‌های منور و خمپاره‌ی ۱۲۰ میلیمتری و ۶۰ میلیمتری، "آر. پی. جی" و سلاح‌های سبک، بدون هدف اقدام به توپ و خمپاره‌باران نواحی اطراف خود نمود. با بالا گرفتن درگیری، مزدوران دشمن گروه گروه و سنگرهای خود را ترک کرده و به داخل پایگاه می‌گریختند. در این درگیری چهار سنگر اجتماعی و انفرادی دشمن درهم گوییده شد و حداقل ده تن از مزدوران و پاسداران خمینی جلاد به هلاکت رسیده

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۶۲/۱۱/۲۷

برخی از پیام‌ها و اطلاعیه‌های...

پیام شورای متخصصین ایرانی در آمریکا

بقیه از صفحه قبل

پرتوان و شایسته‌ی همسنگری سردار کبیر باقیماند و با وارد آوردن کاری‌ترین ضربه‌ها به دشمن سفاک خدا و خلق دین واپسین نیز مادری مسئول و همسری دلسوز و نمونه بود و چون سربازی منضبط به وظایف چندگانه‌ی خویش به بهترین وجهی عمل کرد. براستی که قلم را توان شرح شخصیت غنی و ابعاد عظیم روح پرخروش اشرف نیست. اما اغراق نخواهد بود که او را تجلی ایمان و اراده‌ی انقلابی نسل زنان مجاهد خلق نامید. روح مقاومتی که در فرد فرد اعضا و هواداران مجاهدین ریشه دوانیده؛ انعکاس روح اینارگر سردارها و اشرف‌هاست که اینچنین به آنان نیرو می‌دهد که حلاج‌گونه بر طناب دار بوسه زنند و تا آخرین نفس بر سر پیمان مقدس خود با خدا و خلق وفادار بمانند. اینچنین است که شهادت موسی و اشرف و دیگر همسنگرانشان عین حیات است و نویددهنده‌ی آزادی و زندگی و احیاءکننده‌ی پیام حسین که "ان الحیاه عقیده و جهاد". عاشورای مجاهدین با شهدای گرانقدرش موسی و اشرف و سایر هم‌راهانشان ظلیعهای نوین در مبارزات میان نور و تاریکی، جهل و آگاهی و ایمان و ریا گردید. مسیری هموارتر شد که پویندگان آن با اراده‌ی خلل‌ناپذیر و قلبی پر از عشق به خدا و خلق و آکنده از کینه و خشم به شب‌پرستان و دشمنان خدا و خلق، با نثار خون خود ابرهای تیره‌ی جهل و کفر را از آسمان میهن در بندمان بزدايند و نویدبخش طلوع ستاره‌ی صبح آزادی گردند. طی نمودن چنین راه دشواری بدون نثار چنان شهدای والا مقام چگونه ممکن بود، شهادتی که روز شهادتشان نیز چون روز ولادتشان نویدبخش حیات و روشنائی است.

شهادت قهرمانانه‌ی موسی و اشرف براستی راهی را هموار نمود که در طی آن

تمام مرزهای جغرافیائی، سنتی، خانوادگی، حرفه‌ای و تخصصی شکست. کارگر و بزرگر، معلم و دانشجو و دانش‌آموز و اداری و کاسب را دوش بدوش پزشک و استاد و وکیل و مهندس در یک صف متحد برای مبارزه بر ضد ظلم و جهل قرار داد و به همه این افتخار را ارزانی بخشید که از صفوف خود برای ادامه‌ی راه مقدس موسی و اشرف، مشتاقانه شهیدانی پاک‌باخته تقدیم راه آزادی و استقلال ایران نمایند.

در این روز تاریخی، ما زنان و مردان عضو شورای متخصصین ایرانی (هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران) بار دیگر پیمان خود را با سردار کبیران موسی و اشرف عزیز تجدید می‌کنیم و در پیشگاه خدا و خلق عهد می‌بندیم و به خون مقدس آنان و همه‌ی شهدای مجاهد خلق و دیگر شهدای راه آزادی ایران سوگند می‌خوریم که تا آزادی میهن و خلق دربندمان لحظه‌ای از حمایت از اهداف مقدس سازمان مجاهدین خلق ایران باز نایستیم و برای نیل به آن اهداف از آنچه در توان داریم دریغ نوزیم. امیدواریم که با ایثار توشه‌ی علمی ناچیز مان بتوانیم قدمی هر چند کوچک در ادامه‌ی راه مقدس شهدای والا مقامان موسی و اشرف برداریم. بگذار دیو فرتوت جماران با ادامه‌ی حیات ننگین خود چند صباحی بیشتر شهدای دیگری برای تعمیق انقلاب از خلق قهرمانان بطلبد. اما دیری نخواهد پایید که جهل و سیاهی شب در چنگال سپیده دم علم و روشنائی بامداد، مفلوب و ناپدید شود و خورشید آزادی در لاجوردین آسمان میهنمان نور و گرمی خویش را نثار خلق قهرمانان نماید.

سلام بر موسی
سلام بر اشرف
درد به همه‌ی شهدای
راه آزادی ایران
و بویژه شهدای
سازمان مجاهدین خلق
شورای متخصصین ایرانی
هوادار سازمان
مجاهدین خلق ایران

زنده باد صلح و آزادی

گزارشی از فعالیت های تبلیغی و سیاسی - اجتماعی هسته های مقاومت

بقیه از صفحه ۱۰

که حتی چند روز پیش، پس از رنگ پاشیدن روی شعارها توسط رژیم، باز هم عابرین تقریباً بدون استثناء به در و دیوار و کنافت کاری های بزدلانهی رژیم دقت می کنند.

اینرا هم اضافه کنم من قبلاً زیر پل ستارخان را انتخاب کرده بودم که جای مناسبی بود، اما وقتی به آنجا رفتم دیدم که بوسیلهی دیگر برادران و خواهران هسته های مقاومت، در آنجا شعار نوشته شده که البته آنها نیز توسط فالانژها تا حدودی پاک شده بود. به همین دلیل حساب کردم که این شعارها اثرش را در منطقهی فوق گذاشته است، بنابراین به محل دیگری رفتم.

* تهران:

هسته مقاومت مجاهد شهید

میرزائی

این هسته ۳۰۰ عدد تراکت حول شعارهای مختلف در رابطه با "صلح و آزادی" و بر علیه جنگ افروزی های خمینی در کارخانجات مینو، ایران ناسیونال و چند کارخانهی دیگر واقع در جادهی کرج، پخش نموده است.

شیوهی کار این هسته، چسباندن تراکتها به دیوار کارخانهها و یا پخش آنها در نقاط مختلف داخل و بیرون کارخانه بوده است. کارگران استقبال خوبی از شعارها و تراکتها نموده اند. این هسته در گزارش دیگری قید کرده است که مجدداً ۲۶۰ تراکت دیگر را در محل های فوق الذکر پخش نموده است.

* تهران:

هستهی مقاومت مجاهد شهید

نادیا گاوپانی

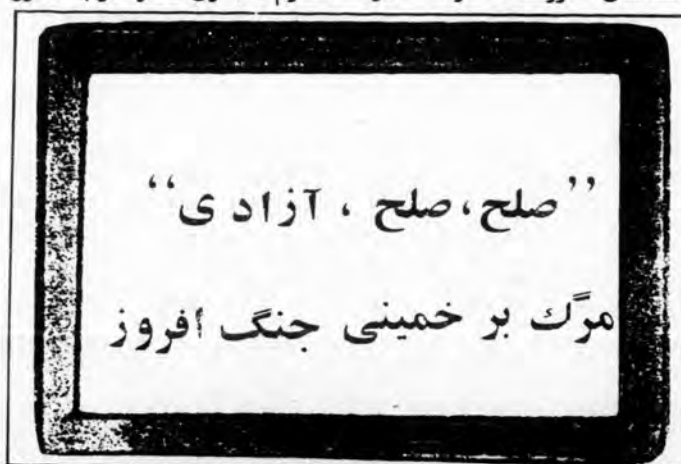
این هسته در تاریخ ۱۰/۲۳ تراکت های "هفتهی صلح" را در بلوار کشاورز پخش نموده و به در و دیوار چسبانده است. در کنترل بعدی از بلوار، مشاهده شده که تنها تعدادی از تراکتها پاره شده، اما در مجموع قابل خواندن بوده است. این هسته همچنین در یک مرحلهی دیگر از فعالیت های تبلیغی - اجتماعی خود، تعدادی تراکت را در

بمناسبت "هفته صلح"

منطقهی افسریه تهران پخش نموده است. تعدادی از این تراکتها نیز در مسیر عبور مردم قرار داده شده است. این هسته همچنین مشاهدات خود از پخش تراکت "صلح" توسط دیگر هسته های رزمنده را، در

انجام گرفت.

۳ - نوشتن شعارهای فوق در پُربیننده ترین نقاط و محلات شهر که جالب ترین آنها نوشتن شعار "مرگ بر خمینی" در روی پیشانی پوستر بزرگ بهشتی معدوم، جلوی دفتر حزب منفور



نمونه ای از تراکت های تکثیر و پخش شده توسط هسته ی مقاومت مجاهد شهید وحیده پیرایش در تهران

ترمیبال خزانه، گزارش کرده است. همین هسته در گزارش دیگری آورده است که در تاریخ ۶۲/۱۰/۲۰ حدود ۱۰۰ تراکت و شعار را در رابطه با "هفتهی صلح" در "وحیدیه" و خیابان های فرعی "تهران نو" پخش کرده است. شعار نویسی بوسیلهی مائیک هم در تلفن های عمومی و سایر اماکن عمومی انجام شده است.

* گرگان:

هسته مقاومت ...

"... در رابطه با نوع کارمان تبلیغات وسیعی را بر علیه رژیم خمینی بخصوص در رابطه با جنگ و مسایل اقتصادی و با استفاده از رهنمودهای رادیویی و ابتکارات مشخص شروع کردیم که ذیلاً فهرست وار به ذکر آنها می پردازیم:

۱ - کندن پوسترهای خمینی دجال و کارگزاران مزدور و همچنین شعارهای ارتجاعی از دیوار و سالن های مربوطه.

۲ - در رابطه با نوع کار برادرمان که همه روزه با ۳۰۰ - ۴۰۰ نفر در تماس است و تبادل پول با مردم دارد، با نوشتن شعارهایی از قبیل "مرگ بر خمینی" و بخصوص شعارهایی در رابطه با جنگ و تبلیغ صلح در پشت اسکناسها و رساندن آن به دست مردم در سطح وسیع

دیگری که دیگر هسته های مقاومت به اتومبیلها نصب کرده بودند، بوده است.

* تهران:

هسته مقاومت ...

"... ما بدلیل موقعیت میدان امام حسین، از آنجا که این محل را مناسب برای پخش تراکت صلح تشخیص داده بودیم، بلحاظ زمانی هنگام شب را برای چسباندن تراکت انتخاب کردیم و در تاریخ ۱۰/۲۳ تعدادی تراکت حول شعار محوری، دورنادور میدان امام حسین چسبانیدیم. شعارها روز بعد نیز در جای شان باقی بود و مردم با مشاهدهی تراکتها لیخند می زدند..."

* تهران:

هسته مقاومت ...

این هسته در روز ۲۳ دیماه، تعداد ۱۰۰ عدد تراکت "صلح" را در منطقهی آریاشهر و میدان توحید پخش نموده و در موقعیت های مناسب به دست عابرین داده است. در گزارش دیگری که هسته ی فوق الذکر از فعالیت های روزهای دیگر خود برایمان ارسال نموده، آورده است که در تاریخ هیجدهم و نوزدهم و بیستم دیماه نیز تراکت "صلح" را در خیابان های "سلسبیل" و "پاستور" و "آذربایجان" پخش کرده است.

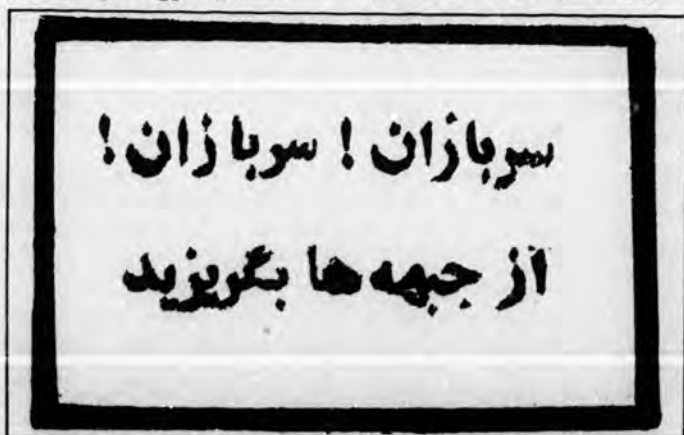
* تهران:

هسته مقاومت ...

(گزارش دهندگان:

مهدی واکرم)

هسته ی فوق الذکر تعدادی



نمونه ای از تراکت های تکثیر و پخش شده توسط هسته های مقاومت مجاهد شهید وحیده پیرایش در تهران

تراکت در باره ی "هفتهی صلح" را با رعایت مسایل امنیتی در خانه های اهالی محل خودشان انداخته است. این هسته سپس مشاهدات خود را از عکس - العمل مثبت و خوشحالی مردم محلشان گزارش نموده است.

خیابان های جمهوری، جامی، پاستور، راه آهن و... چسبانده است. مردم به خواندن تراکتها پرداخته و از آنها استقبال خوبی کرده اند. مزدوران رژیم با خشم و عجله، اقدام به از بین بردن تراکتها نمودند. هسته ی فوق الذکر در هنگام عملیات، شاهد تراکت های

* تهران:

هسته مقاومت ...

(گزارش دهنده: بهمن)

این هسته تعداد ۵۰ عدد تراکت و اطلاعیهی مربوط به "هفتهی صلح" را به آدرس های مختلف پست کرده است.

* تهران:

هسته مقاومت ...

این هسته ۳۰۰ عدد تراکت از شعار "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی - زنده باد صلح و آزادی" را در تله کابین و پارک خرم ... پخش نموده است.

هسته ی فوق تعدادی از تراکتها را در مسیر عبور مردم قرار داده و برخی را نیز بین اتومبیل های در حال عبور توزیع نموده است.

* اصفهان:

هسته مقاومت مجاهد شهید

"محمد ضابطی"

"... صبح روز ۲۰ دی برای چاپ اعلامیه به محلی که دستگاه را گذاشتیم، رفتم. تراکت "زنده باد صلح و آزادی" را ۲۰۰ عدد زده و برای منگنه و پاکت کردن به خانگی محل استقرار خود برده و بعد از اینکه آنها را در پاکت گذاشته و آماده کردم، در ساعت ۶ و ۲۵ دقیقه از خانه خارج و به محلی که در نظر گرفته بودیم، رفتیم و چون قبلاً آنجا اقدام به پخش تراکت کرده بودیم تا حدودی با محل آشنا بودیم. اولین نقطه خیابان "وحید" بود که بخوبی و بی دردسر مقداری از تراکتها را به خانه ها انداختیم. بعد به خیابان "نظر" رفته و مقداری دیگر را پخش کردیم... سپس به خیابان های "میر" و "فیض" رفته و اقدام به پخش کردیم. ضمناً ترکیب ما به این صورت بود که (الف) رانندگی موتور را بعهده داشت و من تراکتها را پخش می کردم. بعد به خیابان "بزرگمهر" رفته و همهی تراکتها را پخش کردیم. بعد از اینکه مطمئن شدیم که پشت سر ما پاک است، (الف) در یکی از خیابانها پیاده شد و من خورجین موتور را جمع و زیر پایم گذاشتم و بعد از زدن چند ضدتعقیب به خانه برگشتم. (الف) هم آمد. بطور کلی ساعت ۱۵ و ۷ دقیقه کار ما تمام و در خانه بودیم. ضمناً اولین بار بود که تعداد ۱۰۰ عدد تراکت را پخش می کردیم و مدت یک ساعت برای پخش ما رکورد بود.

زنده باد صلح و آزادی

گزارشی از فعالیت های تبلیغی و سیاسی - اجتماعی هسته های مقاومت

بمناسبت "هفته صلح"

۶۲/۱۰/۲۱، صبح برای تکثیر مقاله جدیدی بنام "صلح و آتش‌بس یعنی سرنگونی خمینی" که از رادیو پیاده کرده بودیم، به محل دستگاه تکثیر رفتیم. پس از شروع کار متوجه شدم که دستگاه منظم کار نمی‌کند و خیلی تیره می‌زند و کاغذ را خراب می‌کند و هرچه به دستگاه ور رفتیم، نتوانستم درستش کنم. بعد از ظهر شده بود و کاری از پیش نبرده بودم. زیرا درست کردن دستگاه احتیاج به ابزار داشت که در دسترس نبود. محل دستگاه را ترک کرده و به خانه رفتیم. فردای آن روز در تاریخ ۱۰/۲۲ با ابزار به محل دستگاه رفتیم. (م) را هم با خودم بردم تا کمک کند. دستگاه را بطور کلی باز کرده و یک سرویس کامل کردم و اینکار تا ظهر طول کشید. دستگاه درست شد. شروع به تکثیر کردیم و از تراکت "زنده باد صلح و آزادی" و مقاله "صلح و آتش‌بس..." ۱۳۴ عدد زده و منگنه و در پاکت گذاشته و آماده‌ی پخش کردیم... در ساعت ۱۰:۰۶ دقیقه با همان ترکیب قبلی از محل دستگاه خارج شده و به محل‌هایی که از قبل شناسایی شده بود، رفتیم. اولین خیابان، خیابان "رباط" بود که تعدادی از تراکت‌ها را پخش کردیم، ولی بطور دلخواهمان موفق به انجام کار نشدیم. بهرحال از آن محل خارج و به خیابان "خمینی" (انوشیروان سابق) رفتیم و تعدادی از تراکت‌ها را پخش و از آنجا به خیابان "ناصرخسرو" رفته و بعد از پخش تعدادی از تراکت‌ها به محله "جوزدان" رفته و تعداد زیادی از تراکت‌ها را پخش نموده و از آنجا به خیابان "گاشانی" (مصدق سابق) رفته و بعد از پخش تعدادی از تراکت‌ها در فرعی‌های آن، به خیابان "طالبانی" و از آنجا هم به خیابان "اردبیه‌ت" رفته و تعدادی دیگر را در این نقاط پخش کردیم. سپس به خیابان "شیخ‌بهبایی" رفته و بعد از پخش تعدادی از تراکت‌ها، دوباره به قسمت بالایی خیابان اردبیه‌ت رفته و تعدادی دیگر

از تراکت‌ها را پخش کردیم. آنگاه پس از اینکه از پاک بودن پشت سرمان مطمئن شدیم، (الف) در یکی از خیابان‌های شلوغ پیاده شد و من خورجین را به او دادم، آنگاه من و (الف) کلاه را از سر برداشتیم و من به طرف خانه آمدم. در مسیر به یک ماشین گشت برخوردیم که یک پیکان سفید رنگ بود و سر یک چهارراه اصلی جلوی چند نفر را گرفته و بازرسی می‌کرد. من مسیر را از طرف آنها تغییر داده و به طرف دیگری رفتم و بعد از زدن چند ضدتعقیب به خانه رفتم..."



نمونه‌ای از تراکت‌های تکثیر و پخش شده توسط هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید وحیده‌ی پیرایش در تهران

* تهران: هسته‌ی مقاومت... این هسته دهها تراکت راجع به "صلح و آزادی" در ساختمان‌ها و شرکت‌های مختلف نصب نموده است. * تهران: هسته‌ی مقاومت... این هسته در ابتکار این بار خود، تعدادی تراکت در رابطه با جنگ‌افروزی‌های خمینی را به سفارتخانه‌های کشورهای خارجی و همچنین، تعدادی از خانه‌های مردم پست کرده است. * تهران: هسته‌ی مقاومت... این هسته شب ۲۱ دیماه تعداد ۵۰ عدد تراکت "مرگ بر خمینی - زنده باد صلح و آزادی" را در خیابان‌های جامی و شیخ‌هادی چسبانده است. این هسته همچنین

پیوند شاخه زیتون

بر سر خبوته مقاومت

دکتر محمد قرائی

تقدیم بدستی
که برده‌ان خمینی جنگ طلب کوفت

ایران!
در این شبانه‌ی دلگیر
کز سموم نفس‌های جنگ
خشکیده هر جوانه و جوبار زندگی
اینک کدام دست خجسته؟
پیوند داد شاخه‌ی زیتون را
بر سر خبوته‌ی مقاومت
در این شبانه‌ی دلگیر
آکنده از تعفن خرناسه‌های مرگ
اینک
نسیم کدامین نفس
عطر شکوفه‌ی زیتون را
در هر کرانه پراکند

* * *

اینگونه عاشقانه!
که دیده‌ست؟
خیز گبوترانه‌ی فریاد صلح را
در دشت تفته‌ای که بجز گرگان پیر
بر اجساد پاره‌پاره‌ی قربانیان نمی‌گذرند
ایران من!
این عطر صلح
این نسیم سرور انگیز
این عاشقانه‌ترین مرهم
بر جراحت جانگاہ سینه‌ات
از باغ آرمان شهیدان خلق وزیده‌ست
از چشمه‌سار قلب روشن یارانم
در عمق تیره‌ی زندان‌ها
وزنای پرخروش مسلسل‌ها
در بیشه‌های جهاد
آری
درین شبانه‌ی دلگیر
این عطر صلح
این نسیم سرور انگیز
رمزی ز صبح قیام است
صبح خجسته‌ی آزادی

بود... در رابطه با پخش تراکت "صلح" و اعلامیه، چند محل: یک شهرکی در کرج، و بقیه در تعدادی از خیابان‌های تهران شناسایی شد... نوشتن شعارهای "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی - زنده باد صلح و آزادی" بطور فردی و جمعی و در هر فرصتی با واسطی مثل مداد شمعی، خودکار و برچسب در سینماها و اتوبوس‌ها و تلفن‌ها و ساختمان - های عمومی انجام گرفت. همچنین تراکت‌ها را در کوچه‌های اطراف خیابان جمالزاده بر روی دیوار و تیر چراغ برق نیز چسباندیم. ضمناً مطالبی را که توسط (S) از طریق رادیو در مورد جنبش صلح‌طلبی و جنگ‌افروزی‌های خمینی ضبط و پیاده شده بود، شب قبل از عمل با کاربن در ۲۸ نسخه تکثیر نمودیم و در کوچه‌های فرعی شهرک مذکور پخش کردیم. نحوه‌ی پخش نیز به این ترتیب بود که یکی پخش می‌کرد و دیگری مراقب اطراف بود. در طول کار هیچگونه ضایعاتی نداشتیم..."

صلح، صلح، صلح، نا آزادی!

بقیه از صفحه ۸

خواهد باخت؛ و اولین و قاطع‌ترین دلیل آن نیز شور و شغف و استقبال بی‌حد و حصر مردم از اقدامات و ابتکارات انقلابی برادر مجاهد مسعود رجوی در جهت درهم شکستن ظلم جنگ‌افروزی‌های خمینی می‌باشد. در همین رابطه بی‌مناسبت ندیدیم جهت انعکاس احساسات مردم در چند روز اخیر، گوشه‌هایی از آنها را که از زبان مردم کوچه و بازار و محافل گوناگون جمع‌آوری شده، عیناً به استحضار خوانندگان "مجاهد" برسانیم:

دریگ تاکسی

"مسافری خبر پیام مسعود را از رادیو گوش می‌کردند. یکی گفت: کاش آقای رجوی این پیام را کمی زودتر می‌داد. راننده وقتی دید همه کنجاو شدند و می‌خواهند گوش کنند، زد کنار خیابان تا راحت بشوند. همه‌ی مسافرها یک صدا گفتند: حالا اگر خمینی قبول کند همه چیز درست می‌شود، ولی خمینی کارش فقط با جنگ پیش می‌رود. راننده‌ی تاکسی هم گفت: خدا حفظش کند مسعود را، مگه اینکه اون بداد ما برسد. وقتی دید همه‌ی مسافرا از خودموندند، گفت: درود بر رجوی. پشت چراغ، راننده‌ها و مردم به همدیگر تبریک می‌گفتند و خوشحال بودند. وقتی از تاکسی پیاده شدم، راننده گفت: پولش را بده به مجاهدین. فقط اونا می‌توانند کاری بکنند، خدا پشت و پناهاشان."

دریگ مغازه حوالی بازار

"صاحب مغازه و مشتری‌ها همه راجع به پیام و قطع بمباران صحبت کرده، اظهار خوشحالی و رضایت می‌کردند. یکی گفت: به‌هر نحوی شده باید این کار ادامه پیدا کند و به صلح ختم شود. هر کس هر کاری از دستش می‌آید، باید بکند. یکی دیگر گفت: رجوی یک هفته عمر ما را خرید."

دانگاه تهران

"تقریباً تمامی دانشجویان، چه مخالف رژیم، چه وابسته به رژیم از موضوع اطلاع داشتند و راجع به آن صحبت می‌کردند. فالانژها از شدت بیچارگی

حرف‌های رکیک می‌زدند. اما معلوم بود از چه می‌سوزند."

راننده تاکسی

"از صبح تا حالا مسافری نیست که سوارنکرده باشم و راجع به این موضوع تو تاکسی صحبت نشه. حال می‌فهم سازمان‌چقدر ارزش داره و این کار چقدر ارزنده بود."

دانشجو

"من از صدای مجاهد به تمام جریانات گوش میدم. مردم خیلی خوشحالند. همینطور باید پشت مسئله را گرفت و به یک جایی رسوند. مردم یکصدا از جنگ بیزارند و خواستار صلحند."

یک نفر اهل بهبهان

"هفته‌ی پیش بهبهان بودم، شهر خلوت بود و همه رفته بودند، ولی دیروز رفته بودم همه برگشته بودند سرکار و زندگی‌شان. مردم مطمئن بودند که عراق نمی‌زند. توی جاده‌ی بهبهان که داشتیم برمی‌گشتیم، تعداد زیادی از بروبچه‌ها کنار خیابان بودند، تا مرا توی ماشین دیدند، از همانجا بلند داد زدند: فلانی! مسعود گفته بمباران نکنید، آنها هم نمی‌زنند. درو دیوار شهر هم پر از شعار راجع به پیام مسعود، راجع به قطع بمباران و شعار صلح بود."

دریگ مغازه

"میگن عراق باز هم توی این هفته زده."

دولت دروغ میگه، مردم مطمئن هستند که نمی‌زنند.

دولت می‌خواد حرف مسعود را از اثر بیندازه، شاید تا شب عید

نتیجه‌ی کار معلوم بشه. خدا را چی دیدی شاید اگر مسعود همینطور اقدام کنه تا شب عید جنگ تموم بشه.

تا عید که یکماه بیشتر نمونده، خمینی مگه به این زودی‌ها ول می‌کنه."

یک کاسب در صف ناوائی

"والله ما که جان به لبمان رسیده، اما جنگ همین طور ادامه داره. بعد با کتایه گفت: البته یک طرف دعوا اصلا

دلش نمی‌خواد جنگ تموم بشه، بلکه بیشتر پافشاری می‌کنه، همینطور ادامه داشته باشه. اصلاً معلومه باعث و بانسی این جنگ کیه، ولی هر چی هست خدا کنه زودتر تموم بشه."

یک کارمند در اداره

"جریان پیام برادر دهان به دهان به همه رسیده، کسی نیست از قضیه خبر نداشته باشد. همه از موضوع راضی هستند.

یک کارمند دیگر گفت: من از رادیو عراق شنیدم، ولی رادیو ایران اعلام کرد که قطع بمباران دروغه و عراق، باز هم بمباران کرده. کارمند دیگر: مثل همه اخبارش دروغه، می‌خواد مسعود را خراب کنه."

یک جوان در تاکسی

"دیشب من از رادیو عراق شنیدم. تو خونه همه خوشحال بودند. روزنامه‌ها هم نوشته‌اند. خمینی هم گفته: از کی تا حالا اینها هوادار ملت شده‌اند که طرح امضاء می‌کنند. خوب دیگه معلومه از چی ناراحته."

یک زن خانه‌دار

در صف ناوائی
"خدا آنهایی را که در این راه کمک می‌کنند، تا جنگ تمام بشه، خیر بده!"

در صف ملاقات زندان

"تموم بچه‌های بند قضیه را شنیده‌اند و شدیداً ابراز خوشحالی می‌کردند. اولین چیزی که بچه‌ها توی ملاقات از خانواده‌هاشان سوال می‌کردند، راجع به پیام مسعود و قطع بمباران بود. بچه‌ها می‌گفتند انشاءالله این کار باعث بشه جنگ تموم بشه."

دریگ کارگاه صنعتی

"همه‌ی کارگران آنجا از مسئله خوشحال بودند. یک کارگر گفت: این نشان‌دهنده‌ی قدرت سازمانه."

یک راننده

"نمی‌دونم چقدر خوشحال شدم، همه خوشحالند. انشاءالله دو طرف زودتر از جنگ دست بکشند و با هم صلح کنند."

دریگ تعمیرگاه

"مسعود با این کارش جان خیلی از ماها را خرید، اونجا هم که هست آروم نمی‌نشینه، همماش به فکر یه کاری برای مردم بیچاره‌اس. نمی‌دونم خمینی بعدش چکار می‌کنه."

یک دبیر

"بایستی فقط هم آقای رجوی، اینکار را می‌کرد، چون واقعا وطن‌پرست هست. کارش واقعا قابل ستایشه. هر کاری که توی این راه بکنه، درسته. اون می‌فهمه که مردم چه می‌خواهند و طالب‌چه چیزی هستند."

یک خانه‌دار

"برای خرید به ۷-۸ مغازه سرک کشیدم، توی همه‌ی آنها راجع به قطع بمباران و کارهای رجوی صحبت بود."

یک نفر اهل دزفول

"من تازه از دزفول آمدم. تا قبل از این جریان همه‌ی مردم نگران بودند و جو شدیداً متشنج بود، اصلاً توی تمام شهرهای جنوب این چند روز اینطوری بود. پاسدارها مانع از خروج مردم و بردن اسباب و اسلحه از شهر می‌شدند. اما حالا مردم همگی آرام شدند. خیالشان راحت شد. باید به مسعود گفت: "دَپت گرم".

کارمند

"خیلی عالی شد. همه خوشحالند که عراق اینطوری روی حرف مسعود حساب کرد. همه چیز درست می‌شه."

کارمند بیمارستان

"امروز در میان همکاران، توی بیمارستان، توی آزمایشگاه و همه‌ی فامیل و دوستان، صحبت از قطع بمباران و اقدام سازمان بود و همه روی نقش مسعود انگشت می‌گذاشتند. کاش این برنامه ادامه پیدا کنه. جو جامعه حول همین مسئله حسابی تحریک شده و فوق‌العاده حساس است. خدا کنه همینطوری به سمت صلح پیش بریم. خدا کنه از دست این رژیم پست و جنایتکار هم خلاص بشیم."

درازه‌آهن

"حالا که مردم خیلی خوشحالند، ولی گمونم موقتی باشه، باز هم کشت و کشتار شروع بشه. رژیم همه‌چیز را معکوس نشون می‌ده، مسائل را وارونه جلوه می‌ده. ولی حتماً به ضرر خودش تموم می‌شه.

یکی دیگر: البته این آتش‌بس کوتاه مدته، باید دید بلند مدت چی میشه. خدا کنه باز آقای رجوی یک کاری بکنه."

یک کارگر

"همه خوشحالند، دست مسعود درد نکنه، مگه اینکه اون به فکر مردم باشه، راست راستی که فالانژها خیلی ناراحتند، دارند می‌ترکند."

دریگ تاکسی

"بین مسافران صحبت از قطع بمباران شد، یک خانم مسن خانه‌دار گفت: هر کسی برای صلح اقدام کنه، انشاءالله خدا کمکش کنه، خدا مسعود را حفظ کنه! بعد رو به من کرد و گفت: شما جوان‌ها دعایتان بهتر مستجاب می‌شه. از خدا بخواهید جوان‌های ما را حفظ کنه و جنگ زودتر تمام بشه. ما که چند تا فامیل آواره داریم که به خاک سیاه نشستند."

یک کارمند در جمع کوچک

همکارانش در اداره

"جای قدردانی داره، واقعا جای قدردانی داره، هر انسان شریفی که حتی یک قدم کوچک برای صلح برداره باید برایش آرزوی موفقیت کرد. جنگ داره تمام خانه و آبادی ما را به باد می‌ده. والله هرکی دلش می‌خواد آرامش باشه، صلح و صفا باشه، هر کس که بخواد توی این راه قدم برداره، من دستش را می‌بوسم."

یک خانم خانه‌دار

درگرمانشاه

"میگه امروز آمدند و از روی شهر رد شدند. مردم به جان پناه رفتند، ولی از بمباران خبری نشد، خدا کنه همماش همینطوری باشه. خدا به مسعود عمر بده. اگر او نبود باز هم چند هزار نفر تلف می‌شدند."

نگاهی بدوستانها و کمندها

فتوای بمباران شهرها و غیر نظامیان
برگ دیگری از سیاست‌های
"ضد بشری" خمینی دجال

بقیه از صفحه آخر

خوشحالیم، اگر ما هم کشته بشویم ما حرفی نداریم.!!
اما اقدام به موقع و هوشیارانه‌ی برادر مجاهد مسعود رجوی، مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران و مسئول شورای ملی مقاومت که طی تلگرافی به وزیر خارجه‌ی عراق، ضمن محکوم شناختن "هرگونه حمله‌ی علیه شهرها و دهکده‌ها و مردم بی دفاع، از هر جایی که باشد" خواستار "قطع بمباران و هرگونه حمله‌ی به اتباع ایرانی" شده بود، همچنین پاسخ مثبت دولت عراق مبنی بر قطع موقت بمباران شهرهای ایران (به مدت یک هفته)، خمینی را در یک تنگنای اجتماعی و سیاسی و بین‌المللی قرار داده و بار دیگر چهره‌ی جنگ طلبانه و جنگ‌افروزانه‌ی او را در معرض قضاوت جهانیان قرار داد.
در پرتو همین اقدام هوشیارانه و تاکتیکی انقلابی و صلح‌جویانه بود که رژیم خمینی علیرغم میل باطنی و طینت جنگ طلبانه‌اش و درحالیکه ۴ روز (پس از اعلام قطع بمباران شهرهای ایران از جانب عراق) شهرهای عراق را مورد بمباران و گلوله‌باران قرار داده بود، تحت فشار و هیجان افکار عمومی و موج صلح طلبی در سراسر کشور و در سطح بین‌المللی، مجبور به عقب‌نشینی شد و بالاخره تسلیم خواست عادلانه‌ی مردم و مقاومت ایران و عموم صلح‌دوستان جهان مبنی بر مصونیت مردم بی‌گناه، در هر دو کشور گردید. اما این عقب‌نشینی که رژیم تحت شرایط فوق‌الذکر به آن تن داده است، هرگز چهره‌ی ضدانسانی رژیم خمینی را که اینک دیگر پرده‌ی عوامفریبی و دجالیت از آن به کناری رفته است، را نخواهد پوشاند.
به فاکت‌هایی در این رابطه توجه کنید:

* خامنه‌ای (اطلاعات - ۸ اردیبهشت/۶۲): "ما هم می‌توانیم مندلی و بیاره و عماره و طویله و علی‌غریبی و... را ویران کنیم و با توپخانه‌ی دوربردمان سراسر روستاها و شهرهای مرزی را بگویم، ولی نمی‌کنیم زیرا آنکه با ما در جنگ است، آن بچه‌ی شیرخواره و آن پیرزن و نوجوانی که در مزرعه کار می‌کند و درس می‌خواند و زندگی می‌کند، نیست.
ما به اصول خود پای‌بند هستیم. این اصول به ما می‌گوید شما فقط با آتشی که علیه شما تعرض می‌کنند می‌توانید بجنگید، نه با غیر آنها، نه با مردم بی‌پناه."
* رفسنجانی (اطلاعات - ۹ خرداد/۶۲): "به خاطر مسلمان‌های عراق و به‌ویژه شرق آن که با مال منهدان آینده‌ی جمهوری اسلامی هستند و نباید رنجیده شوند و صدمه ببینند ما این کار (بمباران شهرها) را نمی‌کنیم."
* موسوی نخست وزیر (اطلاعات - ۸ اردیبهشت/۶۲):

۵/آبان/۶۲): "هم‌اکنون بسیاری از شهرهای عراق در تیررس فرزندان دلاور شماست، اما رزمندگان اسلام به پیروی از تعالیم اسلام (!) و رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی، هیچگاه حمله به مردم بی‌دفاع را جائز نکرده‌اند."
* رفسنجانی (اطلاعات - ۸ آذر/۶۲): "مشکل ما در رابطه با شیوه و کیفیت عمل است. ما مقداری دستمان بسته است، به خاطر اینکه در چارچوب اصول و معتقداتی حرکت می‌کنیم و بی‌بندوبار نیستیم."
* منتظری (کیهان - ۱۶ بهمن/۶۲): "ما هم اگر دین نداشتیم و برای خدا جنگ نمی‌کردیم، می‌توانستیم بغداد و بصره را بمباران کنیم. ولی جنگ ما فی‌سبیل‌الله است و برای رضای خداست و خداوند هرگز اجازه‌ی چنین کاری را به ما نداده است."
* جنتی (کیهان - ۱۶ بهمن/۶۲): "ما بار دیگر اعلام می‌کنیم منازل مسکونی شهرهای مختلف عراق را نخواهیم زد."
* خمینی (کیهان - ۱۹ بهمن/۶۲): "عراق برادر ماست. امروز هم ملت عراق برادر ما هستند. با ملت عراق ما مخالفتی نداریم."
* خبرگزاری رویتر - (۱۱/آذر/۶۲ - ۲/دسامبر/۸۳): "ماه گذشته شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای از ایران و عراق خواستار شد که از حمله به مناطق غیرنظامی یکدیگر خودداری ورزند و با یک آتش‌بس به منظور شروع گفتگوهای پایان جنگ موافقت کنند. یک سخنگوی سازمان ملل گفت... ایران با این قطعنامه مخالفت ورزیده است."
* پاسخ رسمی ولایتی وزیر خارجه‌ی خمینی در برابر پیشنهاد عراق مبنی بر عقد یک قرارداد دوجانبه‌ی محدود تحت نظر ملل متحد برای قطع هرگونه حملات و آتشی علیه مردم، شهرها و تاسیسات غیر نظامی هر دو کشور (اطلاعات - ۸ خرداد/۶۲): "جمهوری اسلامی ایران... هیچگاه رعایت اصول را منوط به انعقاد قراردادهای جداگانه و یا نظارت سازمان‌های بین‌المللی نکرده و نخواهد کرد."
* کیهان (۱۸ بهمن/۶۲): "سید علی خامنه‌ای به حضور... خمینی رسید و گزارشی از آخرین رویدادها و تحولات جاری کشور را تقدیم فرماندهی گل قوا کرد."
* خامنه‌ای (راديو رژيم - ۲۵ بهمن/۶۲): "از امروز کلیه‌ی

شهرهای عراق به جز شهرهایی که اماکن مقدسه در آنها قرار دارند را مورد هدف قرار خواهیم داد."
* رفسنجانی (کیهان - ۱۸ بهمن/۶۲): "اگر بنا باشد مردم آبادان، خرمشهر، اهواز، دزفول و شهرهای دیگر ما امنیت نداشته باشند، مردم بصره، خانقین، مندلی و سایر شهرهای عراق هم سرنوشتی شبیه اینها را می‌خواهند و روزی که بنا شد امنیت باشد همه‌ی ما با هم امنیت خواهیم داشت. این اختطاری که دیشب از سوی ریاست جمهوری ما اعلام شد آغاز کار است و مسئله به سه شهر عراق خاتمه پیدا نمی‌کند."
* نامه‌ی ۱۲۵ نماینده‌ی مجلس (کیهان - ۱۷ بهمن/۶۲): "از محضر مبارک رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی و فرماندهی گل قوا حضرت امام خمینی تقاضا داریم که به شورای عالی دفاع دستور دهند مسئله‌ی بمباران و گلوله‌باران مراکز نظامی و صنعتی عراق را مورد بررسی قرار داده و در صورت بمباران مراکز مسکونی ما، نیروهای مسلح مناطق صنعتی و نظامی عراق را بشدت بمباران نمایند."
* رفسنجانی (کیهان - ۱۸ بهمن/۶۲): "مجلس شورای اسلامی مدت‌ها قبل با امضاء نمایندگانش پیش‌بینی چنین وضعی را کرده بود و خواسته بود که هرچه زودتر این مسئله خاتمه داده بشود که دست عراق کوتاه بشود. من از طرف نمایندگان مجلس این تصمیم جدید (بمباران شهرهای عراق) را تأیید می‌کنم."
* موسوی نخست وزیر (کیهان - ۱۹ بهمن/۶۲): "عمل ما جنبه‌ی مکتبی و اسلامی دارد و اگر ما اکنون این موضع را در قبال عراق گرفته‌ایم به خاطر شرایط اضطراری و ضروری است و در قبال چنین شرایطی وجود نداشت."
* رفسنجانی (کیهان - ۱۸ بهمن/۶۲): "صبر ما حدی دارد و امروز همان قرآنی که ما را از زدن شهرهای عراق منع می‌کرد، امروز به ما دستور می‌دهد که مقابله به مثل... کنیم."
* ولایتی (کیهان - ۱۹ بهمن/۶۲): "جمهوری اسلامی ایران به مردم شهرهای بصره، خانقین و مندلی اعلام می‌کند که برای حفظ ایمنی خود، آن شهرها را تخلیه نمایند و از این پس نیز به حکم مبانی اعتقادی و اسلامی خود مقابله به مثل خواهیم کرد."
* اطلاعاتی مشترک ارتش

وسپاه (کیهان - ۱۸ بهمن/۶۲): "سپاه پاسداران و... ارتش با یورش از ملت مسلمان عراق از اهالی شهرهای بصره، خانقین و مندلی و سکنه‌ی خارجی این سه شهر درخواست می‌نماید که هر چه سریعتر از این سه شهر بسوی دیگر شهرهای عراق کوچ نمایند تا با گلوله‌باران شدن این شهرها، سکنه و اهالی آن متحمل تلفات جانی نشوند."
* رفسنجانی (راديو رژيم - ۲۱ بهمن/۶۲): "از خود بصره از مردم بصره به ما پیام دادند که باباجان شما بزنید ما حزب‌اللهی‌های بصره خوشحالیم، اگر ما هم کشته بشویم ما حرفی نداریم."
* کیهان (۱۹ بهمن/۶۲): "به هر حال این تحول مثبت (تصمیم بر بمباران شهرهای عراق) را در جنگ به فال نیک می‌گیریم و یقین داریم که حرکت استراتژیک ما در جنبه‌های نبرد و در ارتباط مستقیم با منافع و مناطق حیاتی دشمن آماج اصلی خود را نشانه خواهد رفت."
* ستاد تبلیغات جنگ (راديو رژيم - ۲۵ بهمن/۶۲): "با اعلام ریاست شورای عالی دفاع رزمندگان اسلام از امروز سه‌شنبه کلیه‌ی شهرها به جز عتبات عالیات را هدف حملات گسترده‌ی خود قرار دهند."
* ستاد مشترک ارتش (راديو رژيم - ۲۳ بهمن/۶۲): "رزمندگان توانمند اسلام (!) در ساعت ۷ بامداد امروز شهرهای خانقین، مندلی و بصره را زیر ضربات کوبنده‌ی توپ‌های دوربرد خود قرار دادند."
* رفسنجانی (راديو رژيم - ۲۳ بهمن/۶۲): "رزمندگان ما در جنبه‌ی سه شهری را که توسط ریاست جمهوری ما مشخص شده بود، زیر آتش قرار دادند و ما امیدواریم که به مردم آسیبی نرسد، مردم خودشان را از شهرها نجات بدهند. ویرانی‌های مادی را ما بعد از پیروزی با همکاری مردم عراق انشاء‌الله ترمیم می‌کنیم."
* رفسنجانی (کیهان - ۲۳ بهمن/۶۲): "باید طوری عمل کنیم که اسلام را مخدوش نکنیم و موازین اسلامی رعایت شود. محدودیت‌هایی وجود داشت که بر طرف شد... این مقابله به مثل برای ما مشکل‌گشا است در جنگ."
* آسوشیند پرس (۲۳ بهمن/۶۲ - ۱۲ فوریه/۸۴): "شاهدان عینی در بصره خبر دادند که کشیده و در ساعت اول دقیقه‌ای ۵ خمپاره به روی شهر پرتاب گردیده است."
* رفسنجانی (راديو رژيم - ۲۱ بهمن/۶۲): "هیچکس دیگر بقیه در صفحه‌ی بعد

صلح، صلح، صلح، تا آزادی!

بقیه از صفحه ۲۹

در صرف خواروبار فروشی

"مردم حسابی از جنگ خسته و بیزار شده‌اند، همه ته دلشون یکی را می‌خوان که بیاد و مشکلات را حل کنه و مردم را از این بدبختی نجات بده. خدا می‌داند که مردم چه می‌کنند."

یک فالانژ در مقابل دانشگاه

"فقط امام باید تصمیم بگیره، رجوی چکاره‌اس، خوب جنگ ریخت و پاش داره، کشته شدن داره، حلوا که خیر نمی‌کنند، امام گفته مسئله اصلی جنگه، ما هم می‌گیم چشم! و بخاطر اسلام (!) می‌جنگیم."

کارگر گفش ملی

"تو محیط کارخانه، همه‌ی کارگران خوشحال بودند و مرتب راجع به این مسئله با همدیگر و جریان توقف بمباران صحبت می‌کردند. نام مسعود سر زبان‌ها بود، ولی فردا که رژیم اعلام کرد عراق دوباره بمباران کرده، همه ناراحت شدند. ولی معلوم بود رژیم داره دروغ می‌گه. می‌گن نوی رادیوهای خارجی هم گفته رژیم دروغ می‌گه. از اینها بی‌دین‌تر و کلاش‌تر من نوی عمرم ندیدم."

در تاکسی

"تو اداره همه داشتند راجع به موضوع صحبت می‌کردند. من خودم دیشب به رادیوهای خارجی گوش نکردم، همه خوشحال بودند. فقط انجمن اسلامی‌ها و حزب اللهی‌ها عصبانی بودند و خون خونشان را می‌خورد، روزنامه‌ها هم امروز به مسئله اشاره کرده‌اند."

در یک کارخانه در جاده گرج

"میگن چند روز پیش میگه روی قم هم مانور دادند، ولی جایی را نزدند. خدا کنه این هفته همینطور ادامه پیدا کنه، تا غائله‌ی جنگ ختم بشه و دیگه جنگ و آدم‌کشی راه نیفته."

مستخدم یک اداره

"والله من که همش نگاهم به آسمونه‌است، آتش بریزه سرمون. خدا این خمینی را به زمین گرم دچار کنه. خون مردمو تو شیشه کرده. پسر می‌گفت عراق گفته یک هفته نمی‌زنم، ولی تو رادیو اخبار می‌گفت باز آمده زده. میگن رادیو دروغ میگه. والله ما که موندیم چکار کنیم."

در دزفول

"خداکنه همماش همینطوری باشه، خیال آدم تا حدودی راحت، من همماش گوشم به رادیوهاست. ببینم چی میگن. تا چند روز پیش بیشتر مردم شهرهای جنوب، خانه‌ها را تخلیه کرده‌اند و اغلب به شهرهای دیگر و یا به کوهها پناه برده‌اند. تو نزدیکی شوشتر محلی هست بنام "خزینه" مردم بیشتر رفتند آنجا تا در امان باشند. تنها افراد اداری و رسمی توی شهر مانده‌اند. اونها هم وقت اداره که تموم شد، با ماشین می‌روند "خزینه" و صبح برمی‌گردند. اما حالا همه آسوده‌خاطر شده‌اند. آخه عراق که تا اینقدر راضی شده، چرا این آخوندا یک قدم برای صلح بر نمی‌دارند؟"

در توبوس

"این آزوی همماش که صلح برقرار بشه. تو دل همه که بری، کسی نیست که یک ذره بخواد جنگ ادامه داشته باشه. بخدا هر کس هر اندازه که توان داره در راه صلح کمک کنه، خیر دنیا و آخرت را می‌بینه. خدا کنه این کارهایی که می‌شه بجای برسه."

یک بهیاری

"دیشب ساعت ۱۱ چه صدای وحشتناکی تو شهر پیچید. همه‌ی برق خاموش شد. عراقی‌ها بودند. ولی هیچکس دلشوره نداشت، چون همه‌ی دوستند که نمی‌زنند، به مسعود قول دادند که نزنند. صبحی هم رادیو گفت که دیوار صوتی را شکستند."

یک خانم خانه دار در کرمانشاه

"راستش تا من خبر را شنیدم، از شوقم افتادم زمین. مسعود، دست مریزاد، آفرین، زنده باشی، مردم را خوشحال کردی. همه می‌گن مسعود کار خوبی کرده، خدا کنه کارها همینطوری پیش بره."

تصویب قطعنامه طرح صلح...

بقیه از صفحه ۶

رواج ندارند. متهمین دقیقاً از موارد اتهامشان اطلاع ندارند. اکثر اعدام‌ها همان روزیست که محکومیت اعلام می‌شود. اخباری حاکی از ناپدید شدن مخالفین رژیم گرا را وجود دارد. مصونیت مسکن محترم شمرده نمی‌شود، پاسداران به محل‌های سکونت مردم وارد می‌شوند و ضمن ایجاد وحشت از ساکنین دزدی می‌کنند و یا با تهدید به اینکه آنها را به دادگاههای انقلاب خواهند سپرد، از آنها باج می‌گیرند. آزادی بیان، مطبوعات، مذهب و اجتماعات کاملاً پایمال شده است. پی‌آمد این محدودیت‌ها، تعقیب، اعدام، ممنوعیت تجمعات و انتشارات می‌باشد. رژیم برای کنترل مخالفین خودش، عملاً با وضع پاره‌ای مقررات، آزادی مسافرت در داخل و نیز به خارج کشور را سلب نموده، ولی با وجود این بسیاری موفق شده‌اند از راهپاکی که تحت حفاظت قرار نداشت به کشورهای مجاور بگریزند. در انتهای این گزارش آمده است: "مشارکت در زندگی سیاسی وجود ندارد. تنها صدای اعضای حزب جمهوری اسلامی شنیده می‌شود و صداهای مخالف به طرز بیرحمانه‌ای حذف می‌شوند." نکته قابل توجه در میان قطعنامه‌های ارائه شده به پارلمان اروپا، قطعنامه‌ایست

قطعنامه تصویبی

گروه پارلمانی سوسیالیست

قطعنامه‌ی تدوین شده توسط گروه پارلمانی سوسیالیست، که در تاریخ ۱۹ بهمن (۸ فوریه/۸۲) به تصویب رسید، مقدمتاً به ذکر تک تک قطعنامه‌هایی که تاکنون در مورد نقض حقوق بشر در ایران به پارلمان اروپا تقدیم شده، می‌پردازد. سپس به گزارش پارلمان اروپا - تهیه شده توسط "ژرار ازریل" - اشاره کرده و با قید این جمله که: "با توجه به تشدید مستمر و تزاویک اوضاع در ایران، جایی که

فتوای بمباران شهرها و غیر نظامیان

برگ دیگری از...

بقیه از صفحه قبل

به ما نمی‌تواند بگوید شما چرا می‌زنید؟ و اما اگر حالا بزنیم اینبار دیگر مسئله‌ی ما محدود به این نمی‌ماند که عراق به شهر بزند. اگر عراق بخواهد کشتی‌ها را بزند، ممکن است ما اینکار را بکنیم. اگر عراق بخواهد خارک را هم بزند ما می‌توانیم اینکار را بکنیم."

* خامنه‌ای (رادیو رژیم ۲۵/بهمن/۶۲) - روز اعلام قطع موقت بمباران شهرهای ایران به درخواست برادر مجاهد مسعود رجوی: "از سه شهر شروع کردیم، اما در این سه شهر متوقف نخواهیم ماند. همه‌ی شهرهای آباد و بزرگ عراق در دسترس ماست. بغداد هم در دسترس ماست. البته شهرهای

مقدس را نخواهیم زد و نجف و کربلا و کاظمین و سامرا را احترام می‌گذاریم و نمی‌زنیم. اما غیر از این ۴ شهر، هر شهر دیگر عراق را که اراده کنیم، خواهیم زد."

* امامی کاشانی در نمایش جمعی تهران پس از اعلام قطع موقت بمباران شهرهای ایران: "دیگر طاقت نیست و دیگر نمی‌شود تحمل کرد و مردم دیگر تحمل نمی‌کنند و اسلام اجازه نمی‌دهد."

* اطلاعاتی ستاد مشترک ارتش سه روز پس از اعلام قطع موقت بمباران شهرهای ایران (رادیو رژیم - ۲۸/بهمن/۶۲): "طی روز گذشته یگان‌های توپخانه‌ی ما روی شهرهای بصره، مندلی و

حقوق بشر بطور مستمر و روزانه زیر پا گذاشته می‌شود." مسئله‌ی آوارگان سیاسی ایرانی را در کشورهای مختلف مطرح کرده و مفاد بندهای زیر را برای طرح و تصویب پارلمان اروپا پیشنهاد می‌کند:

۱ - سیاست سرکوبی که بطور سیستماتیک در ایران اعمال می‌شود و نقض آزادی‌ها و حقوق بشر را محکوم می‌کند. ۲ - در برابر شدت نقض حقوق بشر در ایران نگرانی عمیق خود را ابراز می‌نماید.

۳ - شورای کشورهای عضو بازار مشترک و وزرای امور خارجه را مامور کرده تا با استفاده از قدرت خود و با استفاده از تمامی امکانات، صدای خود را به مسئولین مربوطه، جهت پایان بخشیدن به وضع کنونی و تضمین آزادی‌ها و احترام به انسانیت انسانی ایرانیان، برسانند.

۴ - از کشورهای عضو دعوت به عمل می‌آورد که امکانات اخذ ویزا و پناهندگی سیاسی را برای ایرانیان فراهم آورده و از بیرون راندن و استرداد ایرانیانی که قربانیان این سرکوب می‌باشند، خودداری نمایند. بدین گونه می‌توان همبستگی کامل خود را با این قربانیان نشان داد.

۵ - رئیس پارلمان را مامور می‌کند تا مفاد قطعنامه‌ی حاضر را به وزرای امور خارجه‌ی کشورهای عضو، شورای وزرای کشورهای عضو و نیز به "کمیسیون انتقال دهد."

●●●

خانقین آتش گشودند.

* ظهیرنژاد (رادیو رژیم -

۲۹/بهمن/۶۲): "اکنون سردمداران عراق اعلام کردند که دیگر به شهرها حمله نمی‌کنند... ما بخاطر احترام به اصول اخلاقی مورد قبول و از آنجا که رزمندگان اسلام فقط مقابله به مثل می‌کنند، فعلاً حملات به شهرها متوقف خواهد شد."

* رادیو رژیم (۲۹/بهمن/۶۲):

"ولایتی طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل ضمن اعلام پذیرش هیتی از سوی آن سازمان برای بازدید از مناطق جنگ‌زده تقاضا کرد، موضوع کسب اطلاع از مواضع دو دولت از دستور کار این هیئت حذف شود. ولایتی اعلام کرد با توجه به تحولات اخیر متأسفانه برای ما امکان هیچگونه صحبت سیاسی با اعضای هیئت اعزامی از سازمان ملل وجود ندارد."

●●●

انعکاس گسترده بین المللی ابتکارات و اقدامات

برادر مجاهد مسعود رجوی برای قطع بمباران شهرها و غیرنظامیان

بقیه از صفحه ۵

آمریکا

خبر قطع بمباران یک هفته‌ای توسط عراق که به درخواست برادر مجاهد مسعود رجوی اعلام گردید، در مطبوعات و رادیو و تلویزیون‌های سراسر آمریکا و کانادا انعکاس وسیعی یافت. لیست تعدادی از نشریاتی که در آمریکا این خبر را منعکس نمودند به‌قرار زیر است:

واشنگتن پست، نیویورک تایمز، لس‌آنجلس تایمز، نیویورک تریبیون، نیوزدی، بوستن گلوب، واشنگتن تایمز، کانال تلویزیونی CNN، رادیوی محلی WGST (در آتلانتا)، شیکاگو سان تایمز، شیکاگو تریبیون، هوستون گرانیکل، سانفرانسیسکو اگزامینر، تورنتو استار، پو.اس.ای. تودی، کریستین ساینس مانیتور، وال استریت ژورنال و لس‌آنجلس هرالد اگزامینر.
ذیلاً قسمت‌هایی از برخی نشریات آمریکا را که این خبر را منعکس نمودند، ملاحظه می‌کنید:

واشنگتن پست ۱۷ فوریه/۱۹۸۴

عراق به درخواست ایرانی تبعیدی حملات خود را متوقف می‌کند

روزنامه واشنگتن پست در شماره مورخ ۱۷ فوریه/۸۴ خود ضمن درج خبر قطع بمباران شهرها و غیرنظامیان از سوی عراق، مصاحبه تلفنی کوتاهی را که با برادر مجاهد مسعود رجوی به عمل آورده بود به شرح ذیل درج نمود:

"... در یک مصاحبه تلفنی رجوی گفت، در اوایل این ماه نامه‌ای به صدام حسین نوشته است و حمله به هدف‌های غیرنظامی را محکوم نموده است. او گفت که امروز صبح یک تلفن از طرف سفیر عراق در پاریس دریافت کرده است که در آن نامه‌ای از طرف نخست‌وزیر عراق طارق عزیز که در آن قول داده بود بمباران را از ۳ بعدازظهر به وقت بغداد (۷ بعدازظهر به وقت شرق آمریکا) قطع خواهد نمود، دریافت نموده است (نامه‌ی عراقی به هر حال تهدید کرده بود که حملات بر علیه هدف‌های تعیین شده در صورتی که دولت خمینی سیاست بمباران شهرها را ادامه بدهد از سر گرفته خواهد شد). اوضاع در جبهه ۷۲۲ میلی بین دو کشور، روز شنبه هنگامی که عراق حملات ایران بر علیه اهداف غیرنظامی را، با حمله‌ی موشکی به شهر نفتی دزفول پاسخ گفت، به وخامت گرائید. روز یکشنبه ایران ۷ شهر مرزی عراق را مورد حمله قرارداد و عراق با

عراق با توقف حملات علیه ایران به مدت یک هفته موافقت می‌کند

عراق امروز اعلام نمود که به دنبال تقاضای مسعود رجوی رهبر تبعیدی مخالفین، به مدت یک هفته حملات علیه شهرهای ایران را متوقف خواهد نمود و این در حالی است که ایران تهدید به حملات تلافی جویانه کرد...

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد "در تهران رئیس‌جمهور علی خامنه‌ای اظهار داشت که از امروز به بعد جمهوری اسلامی تمام شهرهای عراق را به جز آنهایی که اماکن مقدس در آنها قرار دارند، هدف حملات تلافی عراق علیه هدف‌های ایرانی در روز دوشنبه و صبح امروز بود. از آخر هفته تا کنون هم عراق و هم ایران شهرهای مرزی طرف مقابل را بطور فزاینده‌ای مورد حمله قرار دادند که نشان‌دهنده‌ی بالا گرفتن جنگ ۴۱ ماهه‌ی خلیج می‌باشد.

عراق یک توقف ۷ روزه را در حمله علیه مناطق مسکونی ایران اعلام نمود. به گفته‌ی خبرگزاری عراق "عراق تصمیم

رجوی در پاریس به نقل از نامه‌ی نایب‌نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه‌ی عراق اطلاع داده بود. هر دو طرف درگیر در جنگ، بهای گزافی از لحاظ افراد نظامی و غیرنظامی در خلال بمباران‌های موشکی و غیره پرداخته‌اند. چنانچه یک مقام عالی‌رتبه‌ی عراقی گفت، هدف ما کشاندن ایران به پای میز مذاکره برای پایان دادن به جنگ ۴۰ ماهه‌ی خلیج فارس می‌باشد. سخنگوی عراقی به خبرگزاری عراق گفت که در صورت ادامه‌ی بمباران ایران، حملات پس از یک هفته از سر گرفته خواهد شد... هر دو طرف جراحات و خساراتی گزارش کرده‌اند. چندی قبل رئیس‌جمهور ایران علی خامنه‌ای گفت که ایران تمام شهرهای عراق به غیر از

۴ شهر مقدس را بمباران کرده و در هم خواهد کوبید. در بغداد سخنگوی وزارت امور خارجه گفت، عراق بمباران هدف‌های از قبل مشخص شده را در صورت ادامه‌ی سیاست بمباران شهرهای عراق، دوباره از سر خواهد گرفت. آقای طارق عزیز در پاسخ به آقای رجوی گفته است که مشتاق است به مردم ایران اعلام کند که آرزوی حقیقی دولت و مردم به دست آوردن یک حل و فصل شرافتمندانه، عادلانه و صلح‌آمیز می‌باشد. آنها می‌خواهند روابط خوبی با ایرانیان داشته باشند. روزنامه‌ی حزب بعث حاکم، "الثوره": "تمام علائم بیانگر این نکته هستند که ایران به ضربه‌ی سختی برای پند گرفتن محتاج بوده است."

شیکاگو تریبیون

۱۴ فوریه/۱۹۸۴

عراق توقف بمباران غیرنظامیان را

اعلام می‌نماید

یک سخنگوی رهبر مقاومت ایران، مسعود رجوی که در پاریس مستقر است گفت نایب نخست‌وزیر عراق طارق عزیز اعلام توقف یک هفته‌ای بمباران هدف‌های غیرنظامی در ایران را نموده است. این سخنگو گفت عزیز طی نامه‌ای به مسعود رجوی که روز سه‌شنبه دریافت کرد، گفت رئیس‌جمهور عراق صدام حسین تصمیم گرفته است در پاسخ به تقاضای هفته‌ی گذشته رئیس تبعیدی مقاومت ایران، دستور یک توقف موقتی حملات را بدهد. عزیز در نامه‌ی مزبور گفت تصمیم گرفته شد بمباران برای مدت یک هفته که از روز ۱۴ فوریه آغاز می‌شود، متوقف گردد. سخنگوی مزبور به نقل از عزیز گفت، اگر ایران به بمباران شهرهای عراقی به وسیله‌ی توپخانه ادامه دهد، عراق حمله به شهرهای ایران را پس از این دوره از سر خواهد گرفت.

لس‌آنجلس تایمز

۱۵ فوریه/۱۹۸۴

در جنگ با ایران، عراق اعلام

آتش بس یک جانبه می‌کند.

روز سه‌شنبه دولت عراق آتش بس یک جانبه‌ی ۷ روزه در حملات هوایی موشکی خود به شهرهای ایران اعلام نموده و اظهار داشته است چنانچه ایران نیز همین روش را پیش بگیرد، از حمله به غیرنظامیان و شهرهای مسکونی خودداری خواهد کرد.

این اعلام توسط سخنگوی وزارت امور خارجه پس از سومین شب حملات سنگین عراق و ایران به شهرهای مرزی یکدیگر و شهرهای کناری جبهه‌ی ۳۰۰ مایلی، از رادیوی دولتی بیان گردید.

مقامات نظامی آمریکا گفتند

حمله به ۴ شهر ایران، از جمله مجتمع پتروشیمی در بندر خمینی واقع در خلیج فارس، پاسخ گفت... رجوی گفت تقاضایش از صدام حسین به نیت یک عمل بشردوستانه که از طرف مردم غیرنظامی که در میان جنگ گیر کرده‌اند، بوده است. وی ثابت کرد که فقط سازمان او قادر به تصویب صلح با عراق می‌باشد. شورای ملی مقاومت به سرپرستی رجوی برای کسب رسمیت به عنوان مهمترین اپوزیسیون علیه خمینی هم در داخل و هم در خارج از ایران کوشش می‌کند... رئیس‌جمهور ایران خامنه‌ای اصرار داشت که به‌رحال هیچ‌گونه مذاکرات صلح در مورد مشکلات مرزی بین دو کشور تا تسلیم عراق نخواهد بود. تهران مکرراً پیشنهاد آتش بس در گذشته را رد کرده است و گفته است که نازمانی که دولت صدام حسین سرنگون نشده است، خواهد جنگید."

نیویورک تریبیون

۱۵ فوریه/۱۹۸۴

گرفته است از بمباران بعضی هدف‌ها در تعدادی از شهرهای ایران به مدت ۷ روز خودداری نماید، ولی این پیشنهاد عراق مشروط به توقف بمباران شهرهای عراق توسط ایران است. در مرز عراق، ایران بمباران علیه شهرهای مرزی عراق از مندلی در ۱۰۰ مایلی شمال شرقی بغداد تا شهر بصره را آغاز نمود.

عراق با موشک‌های هوا به زمین که بردی معادل ۱۵۰ مایل در خاک ایران داشتند از خلیج تا شمال خوزستان را مورد حمله قرار داد تا حملات ایران را تلافی کند.

انعکاس گسترده بین المللی ابتکارات و اقدامات برادر مجاهد مسعود رجوی برای قطع بمباران شهرها و غیرنظامیان

Feberuary . 15 . NO . 5021

عراق از بمباران هدف‌هایی که قبلاً مشخص کرده بود به مدت هفت روز خودداری می‌کند

جنایت‌ها و ایجاد رعب و وحشت می‌شود، محکوم نمود و ناسف عمیق خود را بخاطر از بین رفتن امنیت غیرنظامیان هر دو کشور (ایران و عراق) اعلام داشت. آقای نایب نخست‌وزیر و وزیر خارجه در پاسخ خود به آقای رجوی تاکید کرد که شهرها و روستاها و منابع اقتصادی عراق از زمان آغاز جنگ تاکنون قربانی حملات مستمری که از جانب نیروهای رژیم خمینی صورت می‌گیرد، گردیده است که در نتیجه آن تلفات فراوانی ببار آمده است، که در میان این تلفات کودکان خردسال و زنان و غیرنظامیان نیز بوده‌اند. عراق بارها رژیم خمینی را از بمباران شهرها و روستاهای عراقی برحذر داشته و (حتی) درخواست عقد قراردادی جهت خودداری از بمباران شهرها و روستاها و اهداف غیرنظامی نیز نموده است؛ کما اینکه با قطعنامه‌ی شماره ۵۴۰ مورخ ۱۰/۳۱/۱۹۸۳ شورای امنیت (سازمان ملل متحد) نیز موافقت نموده بود. اما رژیم خمینی با عقد چنین قراردادی مخالفت نمود، همانگونه که بیانیه‌ی شورای امنیت در همین رابطه را رد کرده و بر حملات خود بر شهرها، روستاها و ناسیسات غیر نظامی اصرار ورزیده است. (ادامه‌ی بیانیه شامل مابقی نامه‌ی آقای طارق عزیز است که در شماره‌ی گذشته‌ی نشریه از نظراتان گذشت.)

عراق اعلان کرد، از بمباران شهرهایی که بعنوان هدف از آنها نقشه‌برداری کرده بود، به مدت ۷ روز، از ساعت ۳ بعدازظهر روز سه‌شنبه، خودداری نموده‌است. روز گذشته سخنگوی وزارت خارجه اظهار داشت: این تصمیم از جانب عراق در پاسخ به درخواست آقای مسعود رجوی مسئول سازمان مجاهدین خلق و رئیس شورای ملی (مقاومت) ایران در نامه‌ی ارسال خود به آقای طارق عزیز نایب نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه (عراق)، اتخاذ شده‌است. متن سخنان سخنگوی وزارت خارجه (عراق) بشرح زیر است: آقای مسعود رجوی مسئول سازمان مجاهدین خلق و رئیس شورای ملی مقاومت ایران از رهبری عراق درخواست توقف بمباران مواضعی که در بیانیه‌ی مورخ ۴/فوریه/۸۴ سرفرمانده‌ی ارتش عراق ذکر شده بود را نمودند. این درخواست در نامه‌ی ارسال آقای رجوی به طارق عزیز نایب نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه (عراق) ابراز شده، که از طریق مجاری دیپلماتیک دریافت شد. آقای رجوی در نامه‌ی خود به بیانیه‌ی مشترکی که در تاریخ ۹/ژانویه/۱۹۸۳ که نتیجه‌ی دیدار آقای رجوی و طارق عزیز است، اشاره کرده‌است. آقای رجوی در نامه‌ی خود سیاست جنگ‌طلبانه و تجاوز و سرکوب خمینی را که باعث بدترین

شیکاگو سان تایمز - ۱۵/فوریه/۱۹۸۴

عراق حملات هوایی و موشکی را به شهرهای ایران

متوقف می‌سازد

ایران را اعلام نمود و گفت در آینده از هدف‌های غیرنظامی اجتناب خواهد کرد، به شرط اینکه ایران نیز همین کار را انجام دهد. معهدا ایران سوگند خورد که حملات خود به عراق را تشدید کند و خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی گفت تهران کلیه‌ی شهرهای عراقی را به استثنای شهرهایی که دارای اماکن مقدسه هستند را مورد حمله‌ی خود قرار خواهد

عراق در روز سه‌شنبه یک آتش‌بس یک جانبه‌ی یک هفته‌ای در زمینه‌ی حملات هوایی و موشکی به شهرهای جهانیان بدین حقایق تلاش خواهیم کرد و برای همه روشن خواهیم کرد که خمینی بازیگر جنگ و تروریسم است و هرگز نباید هیچ احدی هنگامی که خمینی تهدید به بستن تنگه‌ی هرمز می‌کند، مرعوب تهدیدات وی شود.

یک پاسخ به درخواست شخصی نبود، بلکه پاسخی است به موضع شورای ملی مقاومت؛ کما اینکه می‌توان آنرا درک عراق از اعتبار و موقعیت مبارزه و مقاومت مردم ایران بر علیه رژیم خمینی دانست؛ مقاومتی که تاکنون بیش از ۴۰ هزار قربانی و بیش از صد هزار زندانی سیاسی تقدیم نموده است؛ مقاومتی که هم‌اکنون نیز در شهرها و روستاهای ایران جریان دارد.

رهبر سازمان مجاهدین خلق از قربانیان جنگ که حدود نیم میلیون کشته و یک میلیون زخمی و اسیر می‌باشند، یاد کرد و گفت: بین مارس ۱۹۸۱ تا مارس ۸۲ هزینه‌های جنگ بالغ بر ۵۰ میلیارد دلار گردیده و بودجه‌ی جنگ در سال آینده به ۱۵ میلیارد دلار می‌رسد.

رئیس شورای ملی مقاومت تاکید کرد: بعد از صدور بیانیه‌ی شماره‌ی ۵۴۰ از سوی شورای امنیت سازمان ملل، به استثنای ملایانی که هیچگونه رابطه‌ای با مردم ندارند، احدی از استمرار جنگ راضی نبوده و حتی اگر ندرتاً کسانی هم پیدا می‌شوند که به ادامه‌ی آن تمایل داشتند، به دلیل ضربات و صدماتی که مردم از جنگ تحمل کرده‌اند و نیز از ترس مخالفت توده‌ها قادر به اظهار تمایل علنی نبودند.

وی گفت: ما کلیه‌ی کشورها را قانع خواهیم ساخت (برای آنها ثابت خواهیم کرد) که خمینی جز جنگ و گسترش و توسعه‌ی خونریزی و ویرانی و آشوب چیز دیگری نمی‌خواهد. لذا تنها دو راه (و نه سه راه) وجود دارد: یا اینکه خمینی بماند و با او آشوب و ترور و فاجعه‌ها استمرار یابد و یا اینکه مجاهدین و شورای ملی مقاومت پیروز شوند و درهای صلح و استقرار امنیت در منطقه نیز گشوده خواهند گشت.

آقای مسعود رجوی در این کنفرانس مطبوعاتی تاکید داشت: ایرانی‌ها از جنگ خسته شده‌اند و عراق نیز خواستار برقراری صلح است و ما برای آگاه ساختن

عراق

جریده حزب البعث
العربی الاشتراکی

Feberuary . 16 . No . 5022

آقای مسعود رجوی رئیس شورای ملی مقاومت ایران و رهبر سازمان مجاهدین خلق با اشاره به تصمیم عراق مبنی بر متوقف کردن بمباران شهرهای ایران، آنرا گامی از سوی عراق در جهت تحقق صلح توصیف نمود.

عراقی‌ها اعلان کرده‌اند که بمباران را پس از اتمام یک هفته آغاز خواهند نمود. به همین دلیل من از شما (خطاب به خبرنگاران) و از افکار جهانی و دستگاهها و منابع تبلیغاتی که شما آنها را نمایندگی می‌کنید می‌خواهم که با فشار آوردن به طرف مقابل، وضعیت کنونی را به وضعیت دائمی تبدیل کنیم و حیات غیرنظامیان و بی‌گناهان و مایملک دو کشور را از خونریزی و کشتار حفظ کنیم. وی اضافه کرد: من بر این اساس تلگراف‌های خود را به کلیه‌ی هیئت‌های بین‌المللی و چند تن از وزرای خارجه‌ی کشورهای مختلف ارسال نموده‌ام و از آنها خواستم تا هیئت‌هایی به دو کشور (ایران و عراق) اعزام نمایند تا توافقی بین طرفین جهت توقف بمباران مناطق مسکونی بوجود آورند.

وی در پاسخ به سوالی که درباره‌ی درک او (رجوی) از اجرای تصمیمات اخیرش بود، چنین گفت: من به سادگی و به صراحت تمام دعوت می‌کنم که با آماده کردن افکار جهانی و آراء بین‌المللی (به همراه یکدیگر) از خمینی بخواهیم که به تهدید حیات غیرنظامیان و بی‌گناهان پایان دهد و از همگی شما می‌خواهم امکان ملموسی را که تصمیم اخیر عراق برای تحقق صلح بوجود آورده است مورد توجه قرار دهید و این (تحقق صلح) درست بر طبق خواسته‌ی شورای ملی مقاومت ایران است؛ که در ژوئن ۱۹۸۳ کلیه‌ی اعضای شورا با آن موافقت کرده بودند.

آقای رجوی گفت: تصمیم عراق مبنی بر توقف بمباران شهرهای ایران به مدت یک هفته

این مطلب را آقای رجوی در یک کنفرانس مطبوعاتی که در مقر وی واقع در "اور - سور - اوآز" که در فاصله‌ی ۳۵ کیلومتری غرب پاریس قرار دارد متذکر شد. در این کنفرانس مطبوعاتی تعداد زیادی از خبرنگاران فرانسوی نیز حضور داشتند.

آقای مسعود رجوی متذکر شد که صبح امروز تلگرام‌هایی به پیردوکوتلار دبیر کل سازمان ملل و احمد سکوتوره، رئیس جمهور گینه و رئیس هیئت صلح کنفرانس اسلامی، خانم ایندیرا گاندی نخست‌وزیر هند و رئیس کنونی نهضت کشورهای غیر متعهد و آقای حبیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی فرستاده است و در تلگرام خود از آنها خواسته که کلیه‌ی تلاش‌های خود را جهت اتخاذ این موقعیت بعنوان نخستین مرحله برای منلزم ساختن طرفین به خودداری از بمباران شهرها و حفظ جان غیرنظامیان و مایملکشان، مبذول دارند.

وی افزود در مرحله‌ی بعدی بایستی آتش‌بس نهائی نیز اعلام گردد و مذاکرات مستقیم جهت دستیابی به صلح (از راه‌های مسالمت‌آمیز) عادلانه و شرافتمندانه که بر احترام ملی و حفظ مرزهای بین‌المللی دو کشور و حسن همجواری و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر مبنی باشد، آغاز شود.

رجوی گفت: اکنون چنانچه رژیم خمینی اقدام مشابهی نماید و از بمباران شهرهای عراق و انهدام و ویرانی منازل مسکونی مردم بی‌گناه دست بردارد، این حالت ادامه خواهد یافت. اما اگر به روش تجاوزگرانه‌ی خود ادامه دهد،

انعکاس گسترده بین المللی ابتکارات و اقدامات برادر مجاهد مسعود رجوی برای قطع بمباران شهرها و غیر نظامیان

موضع گیری های رژیم خمینی

در هفته گذشته

* (راديو رژيم ۲۵/بهمن/۶۲):
"در پی ظاهراً درخواست رجوی رهبر فراری منافقین از رژیم صهیونیستی عراق برای متوقف کردن بمباران شهرهای ایران، سخنگوی وزارت خارجه رژیم عراق اعلام کرد به دستور صدام بمباران و موشک اندازی به شهرهای ایران ظرف یک هفته متوقف می شود.
به گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از راديو بغداد رجوی طی یادداشتی به میخائیل یوحنا عزیز وزیر امور خارجه عراق ضمن محکوم کردن سیاست جمهوری اسلامی ایران در رابطه با جنگ و ستایش از رهبری های صدام خواستار متوقف کردن بمباران مناطق مسکونی ایران شد.

بنا بر این گزارش میخائیل یوحنا عزیز وزیر امور خارجه رژیم عراق در پاسخ به یادداشت رجوی با تاکید بر این مطلب که احساسات دولت عراق با احساسات وی در یک رابطه است اعلام کرد: با اینکه عراق از تصمیمات اعلام شده خود عقب نشینی نمی کند و با اینکه شهرهای بصره... خانقین و مندلی در بمباران های چند روز اخیر ایران خسارات فراوانی دیده و زبان های مادی هنگفتی را بوجود آورده ولی، برای قدردانی از احساسات آقای رجوی به دستور رهبری عراق از ساعت ۳ بعد از ظهر امروز به مدت یک هفته بمباران شهرهای ایران متوقف می گردد.
منابع دیپلماتیک تاکید کردند

آتش سنگین نیروهای ایران بر روی شهرهای عراق بخصوص شهر بصره و مشکلات عظیمی که در این رابطه برای رژیم صدام بوجود آورده است سران رژیم عراق را در سردرگمی شدیدی فرو برده است. این منابع تاکید کردند، تصمیم رژیم عراق به بهانه درخواست منافق فراری که فقط در رسانه های وابسته به آمریکا و صهیونیست از آن نام برده می شود، آنها هم یک ساعت بعد از اعلام مواضع قاطع جمهوری اسلامی ایران توسط خامنه ای رئیس شورای عالی دفاع مبنی بر گسترش دادن حمله به دیگر شهرهای عراق، چیزی جز وحشت عمیقی که سران رژیم عراق را فرا گرفته است نمی باشد و بدین وسیله می خواهد از

ادامه ضربات سهمگین نیروهای اسلام بر حذر باشد."

* خامنه ای رئیس جمهور خمینی (راديو رژيم - ۲۵/بهمن/۶۲): "شورای دفاع امروز در مراسم چهل و پنجمین دوره آموزش نظامی کمیته های انقلاب اسلامی اعلام کرد: از امروز کلیه شهرهای عراق بجز شهرهایی که اماکن مقدسه در آنها قرار دارند را مورد هدف قرار خواهیم داد... البته ما تازه مقابله به مثل را شروع کردیم... همینطور مقابله به مثل در کوبیدن شهرها را آنقدر ادامه خواهیم داد و به اون وضعی خواهیم رساند که شروع کنندگان به کوبیدن شهرها را پیشیمان کنیم. از سه شهر شروع کردیم، اما در این سه شهر متوقف نخواهیم ماند. همه شهرهای آباد و بزرگ عراق در دسترس ماست، بغداد هم در دسترس ماست."

* خامنه ای رئیس جمهور خمینی (راديو رژيم - ۲۷/بهمن/۶۲): "با حضور آقای سیدعلی خامنه ای رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع و طی یک مراسم ویژه بیش از ۶۰۰۰ تن از لشکریان سپاه یکم قرارگاه قدس برای رویارویی نهائی با مزدوران بعثی - صهیونیستی عراق صبح امروز عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شدند. خامنه ای به واسطه گیری فراریان جنایتکار برای نکوبیدن شهرهای کشورمان توسط صدام اشاره کرد و گفت: "اینها اگر این آبرو را پیش صدام داشتند، چرا در این سه سال و اندی این کار را نکردند. در حقیقت اینها دلشان برای صدام می سوزد و می خواهند او را نجات دهند." کار اصلی ما جنگ و رزم و رویارویی در جبهه ها است و این جنگ را با قدرت به پایان می رسانیم. وی همچنین اظهار داشت: "خط اصلی ما خط جنگ تا پیروزیست و با کمک و نصرت خداوند این خواسته انجام خواهد شد." رئیس جمهور در ادامه سخنانش گفت: "ملت ها منتظرند تجربه ملت ایران را ببینند و این انقلاب در عرض ۵ سال هر روز قوی تر شده و هر پیشامد شیرینی دل ملت ها را شاد می کند."

* پیام ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش (راديو رژيم - ۲۹/بهمن/۶۲): "از سوی رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، امشب پیامی خطاب به ملت

قهرمان ایران و مردم مظلوم عراق صادر شد. در قسمت هائی از آن آمده است: "هنگامی که دشمن تجاوز به مراکز غیر نظامی را از حد گذرانید، تصمیم گرفته شد مقابله به مثل کنیم. اول مردم عزیز عراق در جریان گذاشته شدند و آنگاه ظرف چند روز نشان داده شد که در این میدان هم برتری با ماست. با اینکه فقط هدف های تعیین شده در شهرهای بصره، عماره، کوتسا، علی غربی، مندلی، خانقین و بعقوبه مورد حمله قرار گرفت، رژیم عراق احساس شکست کرد. اکنون سردمداران عراق اعلام کردند که دیگر به شهرها حمله نمی کنند، اگر چه هیچ اعتمادی به این وعده و به هیچیک از وعده های حاکمان عراق نیست، اما بخاطر احترام به اصول اخلاقی مورد قبول و از آنجا که رزمندگان اسلام فقط مقابله به مثل می کنند، فعلا حملات به شهرها متوقف خواهد شد تا این مسئله ارزیابی گردد که تنبیه سردمداران نظامی رژیم عراق تا چه اندازه صادقانه و حقیقی است. اما به مجرد اولین حمله توپخانه، موشکی یا هوائی دشمن به هریک از شهرهای ایران، دوباره عمل مقابله به مثل شروع خواهد شد. البته نبرد رزمندگان اسلام در جبهه های رزم رویارویی با قوت و شدت تا پیروزی نهائی ادامه خواهد داشت."

* هاشمی رفسنجانی در جلسه ی مجلس گفت: "طرح این توطئه که ایران می خواهد شهرهای عراق را بزند و عراق حاضر است از زدن شهرهای ایران دست بردارد با بیانیهی دیروز ستاد مشترک ارتش خنثی شد. الان صدام در بن بست است، اگر به یکی از شهرهای ما حمله کند تبلیغات یک هفته ای اش با تمام ترندها از دستش رفته است و اگر هم حمله نکند تازه همان می شود که ما می خواهیم."

* از سوی دیگر در اطلاعاتی که ارتش عراق به تاریخ ۱۹ فوریه بدنبال پذیرش قطع موقت بمباران غیر نظامیان از سوی رژیم خمینی صادر نمود، آمار تلفات ناشی از بمباران و گلوله باران غیر نظامیان و شهرهای عراق را در ۵ روز اول قطع یک هفته ای بمباران شهرهای ایران از طرف عراق؛ به شرح ذیل برآورد کرده است:

سشنبه ۱۴ فوریه:
خسارات ناشی از گلوله باران توپخانه: ۲۹ شهید - ۱۲۶ زخمی - ۶۶۰ باب منزل مسکونی - یک مدرسه - یک مسجد - دو هتل شخصی - یک کودگستان - ۱۰ انهدام

عراق حملات هوائی و موشکی را به

بقیه از صفحه ی قبل

داد. اعلامیه ی عراقی که توسط یک سخنگوی وزارت امور خارجه در راديو دولتی قرائت شد، بعد از اینکه عراق و ایران برای سومین شب پیاپی حملات سنگینی به شهرهای مرزی یکدیگر انجام دادند، صادر شده است. مقامات نظامی در اینجا گفتند در بمباران خانه، بصره، مندلی و خانقین که دوشنبه شب و صبح سه شنبه توسط ایران صورت گرفت، ۲۲ عراقی کشته و ۶۰ تن مجروح شدند. آنها گفتند هواپیماهای جنگی عراق با کوبیدن ۶ شهر در داخل ایران به این حملات پاسخ دادند. خبرگزاری رسمی ایران گزارش داد که در آخرین حمله ی عراق، ۱۰۳ غیر نظامی کشته و ۴۵۲ تن مجروح شدند.

در عرض سه روز حمله به مراکز پر جمعیت شهری، در هر دو طرف گفته شده است که حملات موشکی قبلی به هدف های غیر نظامی توسط طرف مقابل را تلافی می کنند. دولت عراق گفت با اعلام آتش بس به تقاضای تبعیدی ایرانی مسعود رجوی برای اجتناب از تلفات غیر نظامی بیشتر پاسخ می دهد... عراق حدود ۲ هفته پیش اسامی یازده شهرستان و شهر ایرانی که بعد از انقضای یک پیروید ۵ روزه ی حسن نیت، خیال حمله به آنان را دارد اعلام کرده است و به غیر نظامیان اخطار کرد شهرها را ترک کنند. این حملات به عنوان تلاشی به وسیله ی رژیم بغداد جهت ساختن خمینی به مذاکره جهت پایان جنگ ۴۱ ماهه تلقی می شود.

وال استریت ژورنال - ۱۵/فوریه/۱۹۸۴

در تبعید بسر می برد، می باشد. در حملات ۴ روزه ی اخیر طرفین متحمل تلفات جانی و خسارات نظامی سنگین شده اند عراق در پی این است که ایران را وادار به مذاکره جهت پایان بخشیدن به جنگ کند.

عراق امروز گفت در صورتی که ایران دست از حمله بردارد عراق نیز برای یک هفته از حمله به دهکده های ایران خودداری خواهد کرد. این پیشنهاد عراق در پاسخ به درخواستی که رهبر اپوزیسیون ایران مسعود رجوی که در پاریس

۲۸ ماشین غیر نظامی.
چهارشنبه ۱۵ فوریه:
خسارات ناشی از گلوله باران توپخانه: ۸ شهید - ۱۶ زخمی - ۸۰۰ باب منزل مسکونی - دو مدرسه - ۱۹ خودرو
خسارات ناشی از بمباران هوائی:
۱۷ شهید - ۵۳ زخمی - ۱۳۰۰ باب منزل مسکونی - یک مدرسه - دو ماشین - دو محل تجاری
پنجشنبه ۱۶ فوریه:
خسارات ناشی از گلوله باران توپخانه:
۵ شهید - ۱۳ زخمی - ۱۷۰۰ باب منزل مسکونی - یک مدرسه - یک مسجد - ۷ خودروی شخصی
جمعه ۱۷ فوریه:
خسارات ناشی از گلوله باران توپخانه: ۲ شهید - ۱۵ زخمی - ۱۰۰۰ باب منزل مسکونی - یک مدرسه - ۵ خودروی شخصی
خسارات ناشی از بمباران هوائی:
۱۶ شهید - ۱۲ زخمی - ۱۰۰۰ باب منزل مسکونی - ۴ خودروی شخصی - ۱۳ محل تجاری

شنبه ۱۸ فوریه:
۱۶ شهید - ۲۴ زخمی - ۱۰۰۰ باب منزل مسکونی - یک خودرو و ۵ محل تجاری
این گلوله باران توپخانه ای و هوائی شامل شهرهای بصره، خانقین، مندلی، شهابی، سید صادق، شاندری، طویل، خرما، غزالیه، دربندی خان، بعقوبه، واسط، میسان و علی غربی گردید...
عراق در همین رابطه اعلان کرد که: "... اصل عدم گلوله باران اهداف غیر نظامی می بایستی زیر نظر سازمان بین المللی انجام گیرد که از لغو این اصل از سوی حکام تهران جلوگیری کند... چنانچه حکام تهران در این موضع گیری خود جدی هستند طبیعی است که بایستی با این نظارت بین المللی موافقت کنند و چنانچه این امر را رد کنند، دلیل دیگری بر ادامه دادن سیاست تجاوزکارانه ی خود را در پوشش ادعاهای پوچ و تو خالی ارائه خواهند داد..."

پاسخ به نامه‌های رسیده

بقیه از صفحه‌ی آخر

فالا نژها را داشت گفت چراغ‌ها روشن است، مثل اینکه در جنگ پیروزی داشته‌ایم. مسافر دیگری که خانم مستی بود گفت: "کی ما پیروزی داشته‌ایم؟ جوان‌هایمان را مانند گوسفند به قربانگاه می‌برند و جنگ را تمام نمی‌کنند چون با تمام شدن جنگ خودشان هم باید بروند. بقیه‌ی مسافران با خوشحالی حرف او را تأیید کردند..."

* ... در آبان ماه گذشته در اصفهان بودم. یکبار که سوار تاکسی شدم راننده به مسافری گفت دلم می‌خواهد همه‌ی شما را به منزل ظاهری (امام جمعه‌ی خائن اصفهان) ببرم و ببینید که این آخوندها در چه قصرهایی زندگی می‌کنند و ما مردم بدبخت در چه فلاکتی دست و پا می‌زنیم و نباید آب خوش از گلویمان پائین برود..."

* * *
* هسته‌ی مقاومت شهدای ۲ بهمن (شهید اسدالله حسین‌نژاد)، نامه‌ی شما که با کد "۱/ابجد/سیار" مشخص الف

شده بود، در تاریخ ۱۵/۱۱/۶۲ به‌دستمان رسید. روشی را که برای کد گذاری و چک رسیدن نامه‌هایتان انتخاب کرده بودید، بسیار جالب بود. توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱ - در اسرع وقت برای وصل ارتباطتان، شماره تلفن مستقیم یا غیر مستقیم خودتان را با استفاده از جوهر نامرئی و در دو نامه‌ی جداگانه برایمان بفرستید. کار اصلی شما در این مقطع وصل ارتباطتان می‌باشد.

۲ - محدودیت‌هایی را که نوشته بودید واقعیت دارند، اما با برخورد انقلابی جهت رفع مشکلات و تنظیم روابط درونی بکوشید.

۳ - گزارشی از وضعیت تک‌تک افراد هسته و فعالیت‌هایی که تا کنون داشته‌اید نوشته و ارسال دارید

* تهران - برادر "موسی +۵"، نامه‌ی مورخ بهمن ماه شما به‌دستمان رسید. با عزمی خلل‌ناپذیر به سقوط محتوم خمینی و پیروزی خلق به فعالیت‌های خود ادامه دهید. در رابطه با چگونگی وصل خودتان از طریق آدرس‌های مندرج در نشریه و یا از طریق اقوام و آشناپانان در خارج از کشور اقدام کنید و گزارشی از

وضع خود و سایر اعضای هسته‌ی که در آن فعالیت می‌کنید برایمان نوشته و ارسال کنید. در نوشتن نامه به مسائل امنیتی ویژه‌ی آن توجه نمائید. مطالب مهم نامه‌های گذشته‌ی خود را دوباره برایمان بنویسید.

* برادر "اصغر - ق - ۱۳۵"، در جریان مشکلات و شرایط سخت زیستی و امنیتی شما قرار گرفتیم. روحیه‌ی رزمنده و پشتکار خود را حفظ کنید. سعی نمائید با پیدا کردن یک محل جدید برای تماس، اشکالات ارتباطی خود را با ما حل کنید.

با توجه به تهدیداتی که برای شما وجود دارد در صورت مشاهده‌ی هرگونه مسئله‌ی امنیتی در پیرامون خود و مراجعات مشکوک به محل کار یا زندگی‌تان - ولو اینکه به‌ظاهر به شما مربوط نباشد - بطور قاطع رابطه‌ی خود را با مکان‌هایی که امکان ضربه خوردن می‌دهید را قطع کرده و به محل‌های امن و دور از دسترس و اطلاعات دشمن بروید. در نظر داشته باشید که حفظ انضباط و شادابی انقلابی هم باعث ارتقاء کیفیت هسته‌ی شما می‌گردد و هم به حل تضادها و مشکلاتی که با آن روبرو هستید کمک می‌کند.

برخورد آگاهانه‌ی توأم با صبر و استواری انقلابی، در این میان نقش بسیار موثری دارد. وضعیت فعلی و اطلاعات خود را در زمینه‌ی موارد امنیتی اخیر در اسرع وقت توسط نامه و به صورت نامرئی نوشته و برایمان ارسال دارید.

* خواهر "لیلا - م - D11"، در زمینه‌ی مسائل امنیتی که توضیح خواسته بودید، لازم است به نکات زیر توجه کنید:

در صورتی که به افراد قطع شده یا هوادارانی که مایل به برقراری ارتباط با ما هستند برخورد کردید، بدون اینکه اطلاعاتی در مورد رابطه‌ی خودتان با ما به آنها بدهید، رد تلفنی آنها را برایمان بنویسید و بطور غیرمستقیم - مثلاً با ارسال نامه، بدون ذکر نام فرستنده - شماره تلفن‌های ما را به آنها برسانید. در این زمینه توجه شما را به برنامه‌های آموزشی - امنیتی رادیو "صدای مجاهد" جلب می‌کنیم. یکی دیگر از نکاتی که شما بایستی رعایت کنید، رعایت اصل مخفی‌کاری در فعالیت‌هایتان می‌باشد. کوتاهی در رعایت این اصل و کم بهادادن به آن و داشتن روابط باز و دادن اطلاعات به دیگران، باعث ضربات غیرقابل جبران می‌گردد.

گوش دادن به رادیو "صدای مجاهد" را جزو برنامه‌ی روزانه‌ی

خود قرار دهید و پیام‌های خود را از این طریق دریافت نمائید. * تهران برادر "عارف" نامه‌ی شماره‌ی ۲ شما در تاریخ ۱۱/۸ به دستمان رسید. تا پیدا کردن یک سرپل تلفنی برای ارتباط تلفنی با ما از طریق مکاتبه رابطه‌ی خود را با ما فعال‌تر کنید. در نامه‌های بعدی خود ضمن رعایت ضوابط امنیتی گزارشی از فعالیت‌های گذشته‌تان برایمان نوشته و ارسال دارید. در ضمن چون نامه‌ی اول شما به‌دستمان نرسیده است، مطالب مهم نامه‌ی شماره‌ی ۱ خود را دوباره بنویسید.

* خواهر "گ - ۱۶۵"، اولین سری از گزارشی که فرستاده بودید، رسید. با توجه به اینکه در این راه اولین گام‌ها را بر میدارید، گزارشاتان خوب بود. سعی کنید در نامه‌های

بعدی‌تان مطالب را منظم‌تر و دقیق‌تر بنویسید. نظر خودتان را هم در همان گزارش بنویسید. یکی از علل نرسیدن نامه‌های قبلی شما، کم توجهی به ضوابط امنیتی ویژه‌ی نامه‌نگاری است.

در گزارشی که پیرامون وضعیت درونی هسته، نحوه‌ی ارتباطات و نحوه‌ی اجرای خطوط و اشکالاتی که با آن روبرو هستید و همچنین فعالیت‌هایتان در رابطه با طرح صلح، به ضوابط امنیتی نامه‌نگاری توجه کافی بکنید.

* دانمارک - برادر "عبدالله مهاجر تهرانی"، شعرتان به مناسبت فعالیت‌های ملیشیا در "هفته‌ی ملیشیا" رسید. منتظر اشعار بعدی و اخباری که بدستان می‌رسد هستیم.

●●●



تقویم هفته: از چهارم تا دهم اسفند ۱۳۶۲

- * ۴ اسفند (۱۳۵۷): اولین اعلام مواضع سازمان مجاهدین خلق ایران پس از پیروزی انقلاب توسط برادر مجاهد مسعود رجوی در رابطه با رژیم خمینی
- * ۴ اسفند (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین شهید مهران توکلی، حسین فیروزثانی و احمد قهیمی در زندان شیراز
- * ۵ اسفند (۱۳۶۱): حلق‌آویز مجاهد شهید محمد پورابراهیمی، برادر شهید مقدس مجاهد قهرمان علی پورابراهیمی در مقابل انظار عمومی در رشت
- * ۵ اسفند (۱۳۶۰): شهادت مجاهد شهید مصطفی دانشپور مقدم در درگیری با پاسداران جنایتکار خمینی
- * ۶ اسفند (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین شهید صدیقه عالمزاده، علی غفوری و نسرین غفوری (کودک شیرخوار مجاهدین شهید علی غفوری و بتول عالمزاده) در نبرد با مزدوران خمینی
- * ۶ اسفند (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین شهید ابراهیم رادجو و رضا متگی در زندان‌های بجنورد و بندرگز
- * ۷ اسفند (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین شهید نادره افشار، مگرم پوررضا، اعظم ملا جعفری و ابراهیم هوشمند در زندان اوین
- * ۷ اسفند (۲۶ فوریه ۱۹۷۷): تاسیس جمهوری دمکراتیک صحرا توسط جبهه‌ی آزادیبخش پولیساریو
- * ۸ اسفند (۱۳۶۰): شهادت مجاهدین شهید علی اصغر رازمندی، علی صمدی و سیدعباس سمرمدی در سبزوار تهران
- * ۸ اسفند (۱۳۵۵): شهادت فدائیان شهید صبا بیژن‌زاده، بهنام امیری‌دوان و عبدالرضا گلانتر نیستانکی در درگیری با مزدوران شاه خائن
- * ۸ اسفند (۱۳۳۴): درگذشت علی‌اکبر دهخدا نویسنده، محقق، ادیب و مولف مجموعه‌ی بی‌نظیر لغت نامه‌ی دهخدا
- * ۱۰ اسفند (۱۳۶۱): شهادت مجاهد شهید خسرو احمدی در شکنجه‌های جلادان خمینی در زندان شیراز

نگاهی بدو نوشته‌ها و گفته‌ها

فتوای بمباران شهرها و غیرنظامیان برگ دیگری از سیاست‌های "ضد بشری" خمینی دجال

هفته‌ی گذشته رژیم خمینی با اعلان رسمی بمباران شهرهای عراق، یکبار دیگر نشان داد که علیرغم نمایشات عوامفریبانه هرگز در جهت پیشبرد مقاصد جنگ‌طلبانه و توسعه‌طلبانه‌ی خود از هیچ جنایت و دناستی فروگذار نکرده و نخواهد کرد. سردمداران جنایتکار رژیم که پیش از این ادعا می‌کردند که بنا بر "اصول" و "حکم اسلام" و "عرف" و... از بمباران مردم "بیگناه" خودداری کرده و آنرا بلحاظ "شرعی و عرفی" "به هیچوجه" قابل توجیه نمی‌دانند، در نقطه‌ای که برحسب مقتضیات، دیگر نمی‌توانستند طینت "ضدانسانی" خود را مکتوم نگاه دارند، به یکباره همه‌ی دعاوی گذشته‌ی خود را زیر پا گذاشته و بمباران شهرها را کاملاً مجاز شمرده و فرمان بمباران همان مردم "بیگناه" را که تا دیروز سردمداران رژیم، آنها را "متحدها استراتژیک" خود عنوان می‌کردند، صادر نمودند.

در همین رابطه خامنه‌ای جنایتکار به دنبال دیدارش با خمینی جنگ‌افروز و ضدبشر، صریحاً دستور بمباران مردم بی‌دفاع و غیرنظامیان را اعلام نمود و به دنبال او نیز دیگر افرادی و سردمداران رژیم ضمن پشتیبانی از این اقدام "ضدانسانی"، هریک به نحوی آنرا توجیه نموده و در این میان رفسنجانی جنایتکار، چنانکه گوئی همه‌ی عالم را گروگور پنداشته است، با دیدگی و وقاحت تمام اعلام نمود که: "مردم بصره به ما پیام داده‌اند که بزنید... ما بقیه در صفحه‌ی ۳۰"

اخبار کوتاه

- * مصادره انقلابی یکی از مراکز غارت رژیم در کنگد
- * برخی از فعالیت‌های اجتماعی- تبلیغی و سیاسی هسته‌های مقاومت
- * همه‌چیز در خدمت جنگ خانمانسوز خمینی
- * رژیم خمینی در تلاش برای پنهان کردن آمار تلفات جنگ
- * روستائیان زحمتکش و حاکم ضد شرع قائم شهر
- * بکارگیری دستگاه جدید شکنجه توسط جلادان خمینی
- * مانور گشت سپاه ضد خلقی در گچساران و... در صفحه‌ی ۲

پاسخ به نامه‌های رسیده

خواهران و برادران عزیز، این هفته ستون پاسخ به نامه‌ها را به انعکاس گوشه‌هایی از درد دل‌های مردمی بنقل از برخی نامه‌های رسیده و همچنین به درج پیام‌ها اختصاص می‌دهیم. در ضمن از خواهران و برادران نیز می‌خواهیم که علاوه بر تعمق در مضمون این نقل قول‌ها که بیانگر گوشه‌هایی از مسائل و وقایع جاری در میهن‌مان است، خود نیز در زمینه‌ی ارسال اخبار و گزارشات برای ما (با رعایت موازین و اصول گزارش و خبرنگاری از جمله دقیق بودن، تاریخ داشتن و...) فعالانه برخورد نمایند.

* "... در جمعی بودیم، مادر یکی از گشته‌شدگان جنگ که سال گذشته در جبهه کشته شد، می‌گفت: چشمانم دیگر سو ندارد. شوهرم هم بیمار شده و بدنش چرک کرده. چرا پدر و مادر گشته‌شدگان نشسته‌اند و به خیابان‌ها نمی‌ریزند. چرا فریاد نمی‌کنیم؟... وی سپس رو به مادر من کرد و گفت بچه‌های تو چه شدند؟ (لازم به تذکر است که دو برادر من هوادار سازمان

بودند و به همین اتهام هم اعدام شده‌اند) مادرم گفت: "آنها با مجاهدین بودند و به دست خمینی اعدام شدند. من را بچه‌ها را قبول داشتم. بچه‌های من در مقابل ظلم خمینی ایستادند و شهید شدند و مثل خائنانی نبودند که بعد از ۶۰ - ۷۰ سال عمر تا آنجا که می‌توانند به خمینی کمک کنند، آغوش هم بگویند... یک دختر ۱۲ ساله را برای اینکه نشریه خوانده است اعدام می‌کنند، آنوقت اینها خجالت نمی‌کشند که اینجوری می‌گویند..."

* "... عزیز سرحانی که رئیس کمیته‌ی صحرایی خوزستان (این کمیته کار ژاندارمری را می‌کند) و بازجوی زندان اهواز است، ضمن صحبتی گفته، من بازجوی سربازی که سال گذشته سرهنگ سپهری را در صف رژه ترور کرد، بودم. هر چقدر گتکش زدیم هیچ چیز نگفت و فقط این جمله را تکرار کرد: "برای خدا و خلق انجام دادم..."

بقیه در صفحه‌ی ۳۵

اطلاعیه‌های

نظامی مجاهدین

خلق ایران

مرکز کردستان

در صفحه‌ی ۲۶

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد
مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران
با آدرس زیر مکاتبه کنید:

B.P.18 95430
AUVERS-SUR-OISE
FRANCE

فرانسه

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده
و حواله‌ی آنرا به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان
Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ
England
A-Khodabandeh
N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
(PARIS FRANCE) code quichet 03002
در داخل فرانسه
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم میهنان!
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آبرونه شدن "مجاهد" در خارج کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ای پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

فرانسه
A.E.M B.P49
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: _____
Prénom: _____
Adresse: _____

بهای اشتراک:

- سه ماهه معادل ۱۲ دلار
- شش ماهه ۲۳ دلار
- یکساله ۴۴ دلار

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان
BM BOX 9090
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

اتریش

Pf:6
1110 WIEN
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552
5_Köln 80
W_Germany

فرانسه

B.P 214
92108 BOULOGNE
BILLANCOURT
CEDEX
PARIS FRANCE

دستور محوری روز: گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رهائی بخش عمومی